

ضربه شکننده!

شهادت امام زین العابدین (ع) را تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۵ | دوشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۴ | ۱۱ محرم ۱۴۴۷ | ۷ جولای ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

نوید کمالی



از «حفاظت» تا «ضد اطلاعات»

علی قاسمی



همه پای کار اقتصاد آمدند

مهدی سعیدی



کارزار وحدت شکن



دوا الفقار ایران



سیاست عاشورایی
در میدان امروز



محرم
حکیمانه ایرانی!



معاون سیاسی سپاه ابعاد مختلف جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را تبیین می‌کند

پیروز میدان کیست؟

نیم نگاه

حزب سوم!



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

اختلافات بین «ایلان ماسک» و «دونالد ترامپ» حتی با خروج وی از دولت همچنان ادامه دارد. این اختلافات اخیراً با اعلام ایلان ماسک مبنی بر تأسیس یک حزب جدید در ایالات متحده بدتر نیز شده است. اختلافات بر سر ارسال لایحه مالیاتی به مجلسین که ترامپ آن را «بزرگ و زیبا» می‌خواند، آغاز شد. در زمان اعلام، ایلان ماسک اعتقاد داشت که این لایحه تمام تلاش‌های وی را در دپارتمان کارآمدی دولت در راستای کاهش هزینه‌ها و چابک‌سازی فدرال ضایع می‌کند. حال که او اقدامات ترامپ را دیگر در راستای وعده‌های انتخاباتی‌اش نمی‌دید، ترجیح داد که موضع محکمی درباره این مسئله بگیرد. او این لایحه را موجب افزایش ۳/۳ تریلیون دلاری بدهی ملی آمریکا و در نهایت ورشکستگی ایالات متحده خواند و دولت را ترک کرد.

اما چند روز قبل، این لایحه در کنگره با ۲۱۸ رأی موافق در برابر ۲۱۴ رأی مخالف تصویب شد. در سنا نیز رأی «جی. دی. ونس» ورق را به نفع دولت برگرداند و رأی ۵۰-۵۰ را شکست. پس از این اتفاقات، ماسک در شبکه اجتماعی «ایکس» که متعلق به خودش است، یک نظرسنجی از مخاطبین برای تأسیس یک حزب جدید برقرار کرد و با توسل به آرای مردم گفت که به نسبت آرای ۲ به ۱، شما مردم ایالات متحده خواستار حزبی جدید هستید که آزادی را به شما برگرداند: «وقتی صحبت از ورشکستگی کشور با ولخرجی و فساد است، ما در یک نظام تک‌حزبی زندگی می‌کنیم و نه یک دموکراسی واقعی.»

نتایج آرا در مجلسین نکته مهمی را نشان می‌دهد، و آن این است که در چنین لایحه‌های بحث‌برانگیزی، چقدر توافق می‌تواند شکننده باشد و دوقطبی اجتماعی در چنین وضعیتی کاملاً نمایان است. ایلان ماسک نیز در چنین شرایطی، استراتژی مناسبی را برای حزب جدیدش در نظر گرفته است که نه تنها بلندپروازانه نیست، بلکه می‌تواند کاملاً مؤثر واقع شود. او در شبکه اجتماعی خود گفته است که برنامه حزب او آن است که تمرکز را در ابتدا تنها بر روی ۲ یا ۳ کرسی سنا و تنها ۸ تا ۱۰ حوزه نمایندگی‌کنگره قرار دهد. همین میزان کرسی برای این حزب کافی است تا بتواند اعمال قدرت سرنوشت‌سازی درباره قوانین و لایحه جنجالی بکند.

در طرف دیگر، دونالد ترامپ نیز ماسک را تهدید کرده است که مخالفت‌هایش می‌تواند برای او دردسرساز شود. او ماسک را به‌صورت ضمنی تهدید به اخراج از کشور کرده است. ترامپ گفته که بدون کمک‌های مالی دولت به شرکت‌های ماسک، او باید بساط خود را جمع کند و به آفریقای جنوبی بازگردد.

این امر که شخصی بخواهد نظم دوحزبی ۱۶۰ ساله ایالات متحده را بهم بزند، سخت، بعید و دشوار به‌نظر می‌رسد، و بسیاری اقدامات ماسک را در راستای گرفتن امتیازات جدید از جمهوری‌خواهان و به‌زودی فعالیت بیشتر او در این حزب برای انتخابات آینده خوانده‌اند. اما به‌هر حال، ماسک تا اینجای کار نشان داده است که عزم راسخی برای شکست انحصار سیاسی در ایالات متحده دارد، هرچند که ادامه مسیر تنش به‌شدت به اقدامات دولت و تصمیم جمیع نمایندگان جمهوری‌خواه که در بین این جلد‌ها، به‌دست آوردن اکثریت در دور بعدی انتخابات را در خطر می‌بینند، بستگی دارد.



علی حیدری

سر دبیر

در میانه جنگ ترکیبی دشمن که پس از تجاوز به خاک کشورمان و ترور ناجوانمردانه فرماندهان نظامی، دانشمندان هسته‌ای و مردم بی‌گناه، با محوریت عملیات روانی و رسانه‌ای در جریان جنگ ۱۲ روزه علیه ایران به اوج خود رسید، تلاش گسترده‌ای برای تضعیف جایگاه رهبری و القای خلأ در رأس نظام آغاز شده بود. این پروژه، که در قالب جنگ شناختی دنبال شد، با حاشیه‌سازی‌های هدفمند علیه رهبر معظم انقلاب همراه بود. در چنین وضعیتی، حضور رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در مراسم عزاداری شب عاشورا در حسینیه امام خمینی(ره)، نه‌تنها یک اقدام سستنی در راستای حفظ شعائر دینی بود، بلکه به‌مثابه یک پیام راهبردی، چندلایه و هوشمندانه به مخاطبان داخلی و خارجی عمل کرد.

مه‌دی سعیدی

جریان شناس سیاسی

ورود کشور به جنگی تمام‌عیار با دشمن صهیونیستی که با پشتیبانی همه‌جانبه غرب و در رأس آن آمریکا همراه بود، کشور را در وضعیتی حساس و متفاوت از گذشته قرار داده است. شرایطی که باید برای آن برنامه‌ریزی ویژه‌ای داشت. از جمله شرایط ویژه این روزها تقویت روزافزون وحدت و انسجام ملی و پرهیز از اقدامات تفرقه‌افکن و واگرا است. بحمدالله آنچه که در این دفاع مقدس ۱۲ روزه بیش از هر چیز دیگری چشم جهانیان و دشمنان این سرزمین را خیره کرد، وحدت و مقاومت جانانه‌ای بود که ملت ایران از خود نشان داد و همه نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد.

دشمن بر روی فشار بر هسته مرکزی نظام مردم‌سالار دینی که مردم باشد، حساب باز کرده بود و منتظر بود تا با فروپاشی انسجام اجتماعی ایرانیان، خود را پیروز این تجاوز ببیند! اما آنچه ملت ایران رقم زدند همدلی حداکثری و یکپارچگی اجتماعی



رامین نصیری

کارشناس سیاسی

سفر «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، به واشنگتن با تأخیر چندساعته و در پی تشدید اختلافات داخلی بر سر قانون معافیت سربازی یهودیان افراطی (حریدی‌ها) آغاز شد. این سفر در شرایطی صورت می‌گیرد که بحران سیاسی ناشی از فشار احزاب سکولار برای لغو معافیت‌های حریدی‌ها، ائتلاف حکومتی نتانیاهو را تا مرز فروپاشی پیش برده است. رسانه‌های صهیونیستی تأکید کرده‌اند که نتانیاهو پیش از پرواز، ادعاهایی درباره «گسترش صلح در منطقه» و «تغییر خاورمیانه» مطرح کرده، حال آنکه واقعیت‌های میدانی در غزه و تحولات امنیتی مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی، حکایت از تشدید بی‌ثباتی دارد. به‌هر حال در شرایط فعلی گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال اعلام آتش‌بس در غزه، پیوستن سوریه «الجولانی» به توافقات ابراهیم و احتمال مجوزدهی آمریکا به رژیم صهیونیستی برای حمله مجدد به ایران بالا گرفته است. اما آنچه که در پسا حقیقت قابل درک است، این است که نتانیاهو در محمصه و بیچارگی پرسه می‌زند و این سفر او نیز در راستای چاره‌سازی برای برون‌رفت از مشکلات

بازنمایی اقتدار در شرایط تهدید: در شرایطی که رسانه‌های غربی و صهیونی بسا بزرگنمایی تهدیدات نظامی دشمنان و القای خلأ فرماندهی به‌دنبال تضعیف روحیه ملی بودند، حضور علنی و پرصلابت فرمانده معظم کل قوا با آرامش تمام در میان مردم، این روایت‌سازی را به‌کلی باطل کرد. این حضور، نماد روشنی از اقتدار، اعتمادبه‌نفس و اشراف و تسلط فرمانده بر میدان جنگ بود. از سوی دیگر این تصویر، نه‌تنها افکار عمومی داخلی را آرام کرد، بلکه پیام روشنی به ناظران منطقه‌ای و جهانی ارسال کرد.

هم‌افزایی با نمادهای عاشورایی: حضور در شب عاشورا، بهره‌گیری هوشمندانه و عالمانه از بار معنایی و عاطفی این مناسبت بود؛ شبی که مفاهیمی چون «ایستادگی»، «بصیرت» و «ولایت‌مداری» در اوج خود قرار دارند. این هم‌زمانی، پیوندی عمیق میان سنت عاشورایی و مقاومت در برابر ظلم و جور ایجاد کرد و پیام ایستادگی در برابر ظلم را تقویت کرد.

بازتاب رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها: رسانه‌های متعدد بین‌المللی از جمله الجزیره، رویترز و

سر مقاله

ذوالفقار ایران

فرانس ۲۴ و... حضور رهبر معظم انقلاب را به‌عنوان «اولین ظهور علنی پس از آغاز جنگ» برجسته کردند. این بازتاب گسترده، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیرگذاری این حضور در سطح منطقه‌ای و جهانی است. در مقابل، رسانه‌های داخلی توانستند روایت اول را در اختیار بگیرند و افکار عمومی را از فضای ناآرام به‌ویژه در فکر و ذهن (که محصول جنگ شناختی است) به فضای همبستگی، آرامش و امید منتقل کنند.

حضور به‌مثابه پاسخ راهبردی: در وضعیتی که دشمن با ابزارهای رسانه‌ای و روانی به‌دنبال تضعیف اراده ملی و ایجاد شکاف در بدنه اجتماعی بود، رهبر حکیم و شجاع انقلاب با یک حضور هوشمندانه و نمادین، نه‌تنها این عملیات را خنثی کرد، بلکه بسا بهره‌گیری از مفاهیم دینی و ملی، پیام ایستادگی، انسجام و استمرار مقاومت را به جهان مخابره کرد و بار دیگر حس وطن‌دوستی ملت ایران را در کنار علقه و ارادت‌شان به اهل بیت عصمت و طهارت و دلدادگی خاص به سیدوسالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران باوفایش به‌منصه

ظهور رسانند. به این ترتیب شب عاشورای تاریخی و بی‌نظیر در تاریخ پرفراز و نشیب مجاهدت‌های ملت ایران رقم خورد و در اوج حزن و اندوه آل الله، شور و شکوهی برپا شد که دل‌دها و صدها میلیون عاشق و دل‌باخته حسین(ع) در ایران و سراسر جهان را البریز از شوق جهاد، مبارزه و ولایتمداری کرد؛ شوق و هیجانی که در دل دسته‌های عزا و هیئت‌های عزاداری با بانگ حیدر، حیدر و شعارهای «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آمریکا» طنین‌انداز شد.

و نتیجه اینکه این حضور مبارک و امیدبخش، تنها شرکت در یک مراسم مذهبی نبود؛ بلکه یک «بیانیه تصویری» بود. بیانیه‌ای که با زبان تصویر، صدا، احساس و زبان بدن روایت دشمن را شکست و روایت مقاومت ملت بزرگ ایران را تثبیت کرد و موجب دلگرمی ملت بزرگ و پرافتخار ایران و همه مبارزان راه حق و درهم شکستن طراحی‌های رسانه و عملیات روانی دشمنان شد.

درست سیاسی برخوردار نیستند، در این روزهای حساس در رأس بنشینند و میدان‌دار افکار عمومی شوند.

جنگ تمام نشده است، بلکه در یک شرایط توازنی برتر جمهوری اسلامی، متجاوز به پستوفرا کرده است. اما این گرگ زخمی هر لحظه مترصد آن است که مجدداً دست به تعرض زند. بنابراین همه حواس‌های ما باید معطوف به مقابله با دشمن باشد و در این شرایط دست‌های متحد باید در دست هم قرار گیرد و هیچکس حق ندارد به هر عنوان و نشانی، این وحدت ملت را تضعیف کند، که اگر چنین کند، بدون شک این صدا، صدای دشمن خواهد بود. امروز ملت ایران همگی به «کارزار وحدت ملی برای مقابله با دشمن» پیوسته‌اند و در حال آماده‌سازی تمام‌عیار کشور برای ایستادگی در برابر دشمنی هستند که متوهمانه ایران را شکست خورده و چندپاره می‌خواهد! خواب‌کودکانه‌ای که با مشت محکم ملت متحد ایران رویه‌رو خواهد شد.

باذن الله

با نام «درخواست استیضاح رئیس‌جمهور دکتر پزشکیان» است که معلوم نیست در پس پرده آن چه افراد مشکوک یا ساده‌لوحی قرار دارند. این کارزار هر چند با اقبالی مواجه نشده، اما فرصتی را برای ایجاد منازعه و دوقطبی‌سازی‌های مضر و مخرب در جامعه و بهره‌برداری فرصت‌طلبان فراهم آورده است.

ایسن اقدامات در حالی است که وحدت میان سراسر اقوا و دستگاه‌های تصمیم‌گیری در کشور از یکسو و اتحاد ملت و دولت از سوی دیگر به لطف فضای دفاع مقدس ۱۲ روزه، در اوج خود قرار دارد. به‌نحوی که کشور در تاریخ دو دهه اخیر چنین انسجام و وحدت ملی را تجربه نکرده است. امروز دیپلماسی و میدان پایه‌پای هم در مسیر دفاع از منافع ملی کشور و مبتنی بر راهنمایی و نقشه راه طراحی شده در شورای عالی امنیت ملی در حال تکاپو هستند، و هر دو سرفرازی و اقتدار ملت ایران را با ادبیات خاص خود دنبال می‌کنند و مکمل و مقوم یکدیگر هستند.

این کارزار بی‌فروغ استیضاح که ره به جایی نخواهد برد، اما نکته اساسی آن است که جامعه باید هوشیار باشد و اجازه ندهد آنها که از فهم و بصیرت

صبح صادق پشت پرده‌های سفر نتانیاهو به آمریکا را بررسی می‌کند

بی بی به‌دنبال چاره‌سازی

پیامدهای منطقه‌ای و بازی بزرگ ترامپ

تلاش ترامپ برای گسترش «توافقات ابراهیم» به سوریه و لبنان، با هدف ایجاد شکاف در محور مقاومت صورت می‌گیرد. پیشنهاد لغو تحریم‌های سوریه در ازای عادی‌سازی با اسرائیل، نشان‌دهنده تلاش واشنگتن برای بازتعریف معادلات امنیتی به‌نفع تل‌آویو است. تحركات اخیر دیپلماتیک آمریکا و اروپا در قبال ایران، از جمله فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»، بیش از آنکه نگرانی واقعی درباره برنامه هسته‌ای باشد، تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به فشارهای حداکثری است.

بن‌بست استراتژیک و آینده نامعلوم

تعویق سفر نتانیاهو و ادعاهای واهی و نمادین او، تصویری از یک رژیم درگیر بحران‌های چندلایه را ترسیم کرد؛ از یک‌سو، جنگ فرسایشی در غزه و مقاومت فزاینده فلسطینیان، و از سوی دیگر، اختلافات داخلی بر سر هویت حکومت. موضع‌گیری‌های اخیر «ترامپ» نیز نشان می‌دهد که واشنگتن نه‌تنها قادر به حل این بحران‌ها نیست، بلکه با اهرم‌سازی بر روی کمک‌های نظامی، به بی‌ثباتی بیشتر دامن می‌زند. بنابراین رژیم صهیونی بیچاره شده در بن‌بستی استراتژیک قرار گرفته است که تنها امیدش برای برون‌رفت از آن، چاره‌سازی آمریکا و اروپاست.

به رژیم غاصب صهیونی آنها را غافلگیر کرده و این بار به‌دنبال تأیید واشنگتن برای عملیات و حمله مشترک و انتلافی به ایران هستند. هر چند که ضربه موشکی ایران به پایگاه «العدید» قطر سبب شده است تا واشنگتن در مواجهه با ایران دست به عصاتر بوده و هزینه هرگونه رویارویی با ایران را بیش از آورده آن محاسبه کند.

ادعای «تغییر خاورمیانه» توسط نتانیاهو، در تناقض با واقعیت‌هایی مانند فعالیت مؤثر محور مقاومت و افزایش حمایت‌های ملت‌های منطقه از محور مقاومت قرار دارد. بنابراین ادعاهای واهی بی‌بی بیشتر نمایشی رسانه‌ای برای توجیه شکست‌های میدانی در غزه و منطقه است.

تاقضات حقوق بشری

ونتش نهادهای بین‌المللی

همزمان با سفر نتانیاهو، گزارش‌هایی از تیراندازی به غیرنظامیان گرسنه در غزه توسط پیمانکاران نظامی وابسته به «بنیاد کمک‌های بشردوستانه غزه (GHF)» منتشر شده است. این نهاد که با بودجه آمریکا فعالیت می‌کند، اکنون مسئول مرگ دست‌کم ۶۰۰ فلسطینی در حین توزیع کمک‌ها بوده است.

از سوی دیگر انحلال شعبه «ژنو» این بنیاد از سوی دولت سوئیس به‌دلیل «تخلفات حقوقی»، نشان‌دهنده تبدیل کمک‌رسانی به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی غرب است.

روز نه

سیاست عاشورایی در میدان امروز



یاسر فرخ پارسا

خبرنگار

سال‌هاست نبرد میان جمهوری اسلامی ایران و جبهه صهیونیستی – غربی، از عرصه‌های نظامی و دیپلماتیک عبور کرده و وارد مرحله‌ای نوین از تقابل شده است: «نبرد روایت‌ها» جنگی که نه‌تنها ابزار آن گلوله و موشک نیست، بلکه میدان آن ذهن مخاطب، حافظه تاریخی ملت‌ها و ادراک عمومی جهانی است.

در این میدان، تنها آثانی پیروز هستند که بتوانند حقیقت را با روایت مؤثر، مستمر و باورپذیر در ذهن‌ها حک کنند. از قضا، ما در این نبرد، دارایی بی‌همتا داریم: «روایت عاشورا». روایتی که نه فقط یک واقعه تاریخی، بلکه الگویی فرازمانی برای تقابل حق و باطل، مظلوم و ظالم، و پایداری در برابر جریان تحریف و استبداد است. در جنگ اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی، آنچه بیش از همه مورد توجه ناظران جهانی قرار گرفت، نه تنها تبادل آتش یا تلفات نظامی، بلکه میدان رسانه‌ای و شناختی پس از آن بود. رژیم صهیونیستی، با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای غرب، سعی کرد روایتی وارونه از درگیری بسازد؛ خود را قربانی جلوه دهد و ایران را عامل بی‌ثباتی معرفی کند. اما این تلاش تنها بخشی از یک پروژه عمیق‌تر است: «تحریف جایگاه جمهوری اسلامی در معادله منطقه‌ای». در این‌جا اهمیت روایت روشن‌ترمی‌شود؛ زیرا جنگی‌که در میدان معنا و ادراک جریان دارد، به‌مراتب سرنوشت‌سازتر از نبرد در میدان‌های فیزیکی است. جنگ رسانه‌ای امروز، دقیقاً در مسیری حرکت می‌کند که سال ۶۱ هجری، سپاه یزید در کربلا آن را آغاز کرد: «وارونه‌نمایی واقعیت.» پس از عاشورا، یزید کوشید با رسانه‌های زمانه «خطبه‌ها، منابر، تبلیغات دستگاه خلافت» چهره امام حسین(ع) را تخریب کند. اما آنچه نقشه او را برهم زد، خطبه‌های روشنگر حضرت زینب(س) و افشاگری امام(سجاد) بود.

امروز نیز دشمن، با استفاده از رسانه‌های جهانی، در تلاش است مقاومت را تروریسم بنامد، و نقش جمهوری اسلامی در دفاع از ملت‌ها را به‌منزله دخالت تفسیر کند. این دقیقاً بازنویسی مدرن دروغ‌های دستگاه یزید است. در میدان شناختی، سکوت به‌معنای شکست است. همان‌طور که اگر کاروان کربلا در برابر تحریف یزید ساکت می‌ماند، عاشورا دفن می‌شد، امروز نیز اگر نیروهای انقلابی و رسانه‌های مقاومت، در برابر دروغ‌پردازی غرب خاموش بمانند، روایت باطل مسلط خواهد شد.

ویژگی جنگ شناختی، این است که لحظه‌ای نمی‌ایستد. دشمن، شبانه‌روز در حال روایت‌سازی است. تنها با پایداری روایت حق است که می‌توان در این نبرد بر دشمن غلبه کرد. همان‌طور که حضرت زینب(س) بارها و بارها خطبه خواند، روشنگری کرد، و پیام کربلا را به شام و مدینه و تاریخ رساند، امروز نیز پایداری در تولید محتوا، تحلیل مستمر، و روایت‌گری خستگی‌ناپذیر، رمز پیروزی است.

سیاست عاشورایی، یعنی ایستادگی بر سر اصول، حتی اگر هزینه‌ساز باشد. یعنی وفاداری به حقیقت، ولو با داغ و خون. یعنی شجاعت در افشاگری، ولو در برابر یزید زمان. و در عصر جنگ شناختی، یعنی حکمرانی بر روایت.

امروز، همان‌طور که حسین بن علی(ع) در عاشورا فرمود: «اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید.» خطاب ما نیز به جهان است: واقعیت را ببینید، پیش از آنکه رسانه‌ها برایتان تفسیر کنند.

همه پای کار اقتصاد آمدند

وطن، در کمال آرامش تنها بعضاً با سفر و جابه‌جایی به شهرهای اطراف به‌صورت موقت چند روز را مدیریت کردند. در مقابل دربارہ تاب‌آوری اقتصادی رژیم صهیونیستی باید گفت، بلافاصله فروشگاه‌های مواد غذایی و وسایل بهداشتی خیلی با سرعت بالا تخلیه شد و پس از تعلیق پروازها و بسته شدن آسمان‌ها، بخش گردشگری و هواپیمایی این رژیم دچار فروپاشی شد. راه‌های زمینی و دریایی حتی از هوایی پیچیده‌تر شد و شهرک‌نشینان صهیونیست حاضر شدند با هزینه‌های بسیار بالا تمام داشته‌های خودشان را بدهند تا از این منطقه فرار کنند. بیش از شش میلیون شهرک‌نشین در داخل سرزمین اشغالی دیگر قادر به تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود نبودند. این نگاه کلی مردم ایران در دوره جنگ ۱۲ روزه بود که بیان شد. اما در کنار این نگاه عملکرد متولیان امر در مدیریت این دوره هم حایز اهمیت است که به‌صورت اجمال بیان می‌شود. فعالیت شبانه‌روزی گمرک و ارائه تسهیلات ویژه گمرکی در زمان جنگ اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی سبب شد که این اقدامات موجب حفظ ثبات چرخه تجارت و جلوگیری از کمبود کالا در بازار شود. همراهی

مستمر اتاق ایران و اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور با دولت به‌منظور تأمین نیازهای جامعه در دوره جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، نقش اساسی در کنترل مسائل تولید را داشت. این تجربه همکاری گران‌سنگ، امیدواریم به‌نحو پررنگ‌تر در شرایط عادی ادامه یابد و بیش از پیش از ظرفیت‌های اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور، اتاق‌های مشترک، انجمن‌ها و تشکل‌ها و کمیسیون‌های تخصصی استفاده‌شود. مضافاً برای اولین بار در سال‌های اخیر، همکاری ۲۴ ساعته و بدون وقفه بین دولت و بخش خصوصی ادامه داشت. برخلاف بحران‌هایی مانند کرونا که شکاف عمیقی بین این دو بخش وجود داشت، در این بحران شاهد هماهنگی و ابتکار عمل در مدیریت بودیم. بر خلاف پیش‌بینی‌ها مبنی بر بروز بحران ارزی در شرایط جنگی، با همکاری بانک مرکزی تأمین ارز به‌خوبی مدیریت شد و خط اعتباری یک میلیارد دلاری برای تأمین کالا‌های اساسی از جمله آن موارد است. تصمیم‌گیری در باره مهلت دادن به موضوعاتی همچون «چک‌های برگشتی واحدهای تولیدی» و اقساط وام‌ها به‌خاطر محدودیت‌هایی که در سیستم‌های جابه‌جایی پول

محرم حکیمانه ایرانی!

به هیئت‌ها، در فضایی مقدس همچون حسینیه و مسجد، به شکلی خودجوش و همراه با اشعار متناسب با هویت ملی و مقاومت، تجلی عینی همین پیوستگی بود. اگر روزگاری سخن حاج قاسم مبنی بر اینکه «ایران حرم است» برای برخی به‌درستی فهمیده نمی‌شد، امروز در عراق، یمن و ایران، بسیاری به ژرفای این مفهوم پی برده‌اند. حضوری که مردم در حسینیه‌ها داشتند و عزاداری‌شان، گویی سوگواری در حرم است، خود گواهی بر این واقعیت است.

در اوج این نبرد اراده‌ها، حکمت رهبری آشکار شد؛ هم صلابت در مدیریت صحنه‌های جنگ و هم لطافت در هدایت فرهنگی و تدبیر هیئت‌ها را توأمان نشان داد. هنگامی‌که فرمودند «ای ایران» را بخوانید، این پیام به رسمیت شناخته شد و انسجام دینی و ملی را بیش از پیش تقویت کرد.

شهید مطهری زمانی فریاد زد: «شمر ۱۴۰۰ سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس.» امسال مردم، بیش از گذشته از رژیم صهیونی و آمریکا به‌عنوان شیاطین امروز دنیا، بی‌زاری جستند و شعار «هیئات من الذله» را که از عاشورا آموخته بودند، در برابر فشارها و درخواست‌های تسلیم به‌کار گرفتند و مسیر عزت و استقلال را در رفتار نظام جمهوری اسلامی بازخوانی کردند. چه در ایران، چه در عراق و هر جا

که شیعیان عزاداری کردند، محرم امسال، محرمی عزت‌مدارانه بود که جلوه‌ای از ایستادگی ملت ایران در برابر دشمنان را به نمایش گذاشت.

با توجه به تقدیم شهدا از سوی مردم، چه در میان سربازان، چه دانشمندان و چه مردم عادی، پیوند میان جامعه با آرمان‌های اصحاب حسین(علیه‌السلام) ملموس‌تر شده بود. این تجربه، نوعی درک مشترک از مفهوم ایستادگی و مظلومیت در برابر دشمن ایجاد کرده بود و در رفتار اجتماعی محرم نیز انعکاس یافت. مردم در همان خانه‌هایی که زیر بمباران‌های رژیم صهیونیستی ویران شده بود، مجالس عزاداری برپا کردند؛ مجالسی که نماد زنده‌بودن اراده مقاومت و استمرار مسیر امام حسین علیه‌السلام در مواجهه با ظلم و تجاوز بود.

مردمی که نسل در نسل، غربت امام حسین علیه‌السلام را در شب عاشورا فریاد می‌زدند و می‌گفتند، امام حسین تنها بود و یاران معدودی داشت، امسال پاسخ «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین را دادند و شب عاشورا پشت امام عادل الهی ایستادند. آنان نگذاشتند دوباره غربت برای امام تکرار شود. مردمی که سال‌های سال غربت اباعبدالله(ع) را درک کرده و برایش عزاداری کرده بودند، طبیعی است این فرصت را به دشمنان ندهند تا حسین دیگری در زمان دیگری تنها بماند؛ زیرا

علی قاسمی

تحلیل‌گر ارشد اقتصادی



در مورد بررسی عملکرد اقتصاد ایران در روزهای جنگ با رژیم صهیونیستی و حامیان آنها که نشان داد برخلاف تصورات و تحلیل‌های وارونه که از قبل وجود داشت، اقتصاد کشور از پایداری قابل قبولی به‌ویژه در حوزه تأمین اقلام اساسی و بخش خدمات در زمان جنگ برخوردار بود. تحریم‌های گسترده و طولانی مدت در طول سال‌های گذشته تاب‌آوری اقتصادی مردم را خودبه‌خود از قبل بالا برده بود. همین عامل سبب شد که علی‌رغم فشارهای زیاد، اقتصاد ایران به روند کاری و روزمرگی خود در کمال آرامش ادامه داد. چون بنای اقتصادی کشور و نگاه متولیان امر به کمک‌های خارجی نبود، بلکه بر مبنای مدل «تریمی» و متکی به توان داخلی شکل گرفته است. ایرانی‌ها برخلاف برخی ملت‌ها که دچار جنگ و بحرانی در این تراز می‌شوند، بدون هجوم بردن به فروشگاه‌ها و خرید پر تعداد و یا ترک

مهدی عامری

کارشناس علوم اسلامی



محرم امسال، محرم خاصی بود. مردم و هیئت‌ها نشان دادند می‌توانند مجالس عزای حسینی را متناسب با شرایط زمان و مسائل روز جامعه مدیریت کنند. این محرم از بسیاری جهات با سال‌های گذشته تفاوت داشت و همین ویژگی، آن را به محرمی خاص تبدیل کرد. با این حال، در برخی هیئت‌ها همچنان این نگاه وجود داشت که نباید مجالس عزاداری رنگ‌بوی سیاسی بگیرد و حتی طرح موضوعاتی مانند غزه و فلسطین در هیئت‌ها را نامناسب می‌دانستند.

اما شکست رژیم صهیونی از ایران، به تقویت همبستگی و انسجام ملی انجامید و این همبستگی در هیئت‌ها بازتاب یافت. پیوندی که قرآن از آن با تعبیر «ولایت» یاد می‌کند، در این ایام هم در سطح «ولایت عرضی»؛ یعنی پیوند میان مردم با یکدیگر، و هم در سطح «ولایت طولی»؛ یعنی ارتباط مردم با امام عادل الهی، استحکام بیشتری پیدا کرد و نمود آن در مجالس عزاداری محرم به‌روشنی دیده شد. ورود پرچم ایران در کنار کتیبه‌های حسینی

عکس و مکث



روژه برپاست/ چه در زمان کرونا که رهبر معظم انقلاب بدون حضور مردم، مجلس روضه می‌گرفتند و چه الان که بدون حضور شخص آقا، روضه گرفته شد/ پیام این‌س بود که در هر وضعیتی روضه امام حسین(ع) تعطیل نخواهد شد ولی همیشه در کنارش مسائل امنیتی و بهداشتی و حرف متخصصان این حوزه رعایت می‌شود!



سرداری که چرخ هیئت را می‌گرداند/ سردار سرلشکر شهید محمود باقری به مدت ۱۵ سال فرمانده عملیات و پشتیبانی هوافضای سپاه پاسداران بود. ایشان در هیئت محله‌اش در مهرآباد جنوبی به‌صورت ناشناس، چرخ هیئت را به حرکت درمی‌آورد.



حضوری پرمعنا/ ترامپ همیشه شهوت دیده شدن و رسانه‌ای شدن داشته و دارد! اما شب حضور رهبر معظم انقلاب در حسینیه امام خمینی(ره) قهیمد که « کانون توجه رسانه‌های دنیا بودن یعنی چه» امام خامنه‌ای، با یک حضور طبیعی در یک مراسم هرساله، چنان دنیا رو معطوف خودش کرد تا ترامپ با خاک یکسان شود.



نیروی بیشتر برای جنگ های بیشتر/ اسرائیل در حال فرستادن احضاریه برای تمام ۵۴ هزار یهودی حریدی واجد شرایط خدمت است. رسانه‌های صهیونیستی از آن به عنوان «بزرگ‌ترین عملیات تعقیب هماهنگ‌شده جمعی در این بخش از جمعیت» یاد کرده‌اند.



عزیز همه/ بر سر در ورودی شهر لاکنبو مرکز ایالت اوتارپرادش هند به مناسبت ماه محرم تماویری از رهبر معظم انقلاب نصب شد. شهر لاکنبو حدود ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد. این اثر ولایت است که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و تا هر کجا که وجدان بیدار انسانی حاضر باشد تا آنجا پیش خواهد رفت.



ای ایران بخوان/ پس از حضور رهبرانقلاب در مراسم شب عاشورای حسینیه امام خمینی(ره) و درخواست ایشان برای اجرای مداحی «ای ایران» از جدیدترین طرح دیوارنگاره میدان انقلاب با شعار ((ای ایران)) بخوان رونمایی شد. این واکنش سریع واکنش‌ها مثبت زیادی در فضای مجازی داشته است.

دیگران

مقابله با نفوذ به سبک چینی!

مقاله از پایگاه چین پژوهی CLM: وزارت امنیت دولتی چین، نهادی که روزگاری در هاله‌ای از ابهام فعالیت می‌کرد، در سال‌های اخیر به شکلی چشمگیر از سایه خارج شده و اکنون به یکی از بازوهای اصلی «شی جین‌پینگ» در پیاده‌سازی نگرش امنیتی او به حکمرانی بدل شده است. این وزارت‌خانه که مسئولیت‌های خطیری چون ضداطلاعات، امنیت دولتی و نظارت عمومی را برعهده دارد، نقشی محوری در تحقق مفهوم «امنیت جامع ملی» ایفا می‌کند؛ دکترین محوری شی که بر پیوند ناگسستنی تهدیدات داخلی و خارجی و به‌ویژه خطر نفوذ و خرابکاری بیگانه‌گان برای بی‌ثبات‌سازی کشور تأکید دارد. وزارت امنیت دولتی که به‌طور خاص برای مقابله با همین تهدیدات طراحی شده، در گذشته با چالش‌هایی چون نفوذ عوامل خارجی و وفاداری‌های ناپایدار سیاسی دست به گریبان بود. اما شی جین‌پینگ با اجرای پاکسازی‌های گسترده و راه‌اندازی کمپین‌های «اصلاح و آموزش»، این نهاد را به ابزاری قدرتمند و وفادار برای تحقق اهداف خود تبدیل کرده و آن را در کانون ساختار قدرت قرار داده است.

برای تحقق این دگرگونی، ساختار وزارتخانه دستخوش تحولات بنیادین شد. مهم‌ترین آن، ایجاد ساختار «رهبری عمودی» بود که با سلب اختیار از کمیته‌های حزبی محلی و تمرکز قدرت در سلسله مراتب مرکزی، استقلال و نفوذ این نهاد را به شکلی بی‌سابقه افزایش داد. همزمان، زیربنای حقوقی مستحکمی برای پشتیبانی از این فعالیت‌ها فراهم آمد. تصویب و بازنگری قوانینی چون «قانون ضدجاسوسی» و «قانون حفاظت از اسرار دولتی»، دامنه اختیارات این وزارتخانه را به‌شدت گسترش داد. «چن ییشین» وزیر کنونی و از چهره‌های مورد اعتماد شی، این قوانین را ابزارهایی حیاتی برای «شکل‌دهی به امنیت ملی» در دنیای پیچیده امروز می‌داند. این رویکرد، که با تشدید نظارت بر شرکت‌های خارجی و محدودسازی دسترسی به داده‌ها همراه شده، به‌وضوح نشان می‌دهد که در معادله یکن، کفه امنیت سنگین‌تر از رشد اقتصادی است.

تحت هدایت چن ییشین، وزارت امنیت دولتی راهبردی دوگانه را برای افزایش اثربخشی در پیش گرفته است: «آموزش عمومی» و «حضور مستمر و مؤثر در رسانه‌های نوین» و خاصه شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب. از یک‌سو، با تعیین «روز آموزش امنیت ملی» و گنجاندن مفاهیم امنیتی در نظام آموزش عمومی، به‌دنبال نهادینه‌سازی فرهنگ هوشیاری در برابر تهدیدات است. از سوی دیگر، با راه‌اندازی یک حساب کاربری رسمی در شبکه اجتماعی وی‌چت، به‌طور بی‌سابقه‌ای با شهروندان ارتباط برقرار کرده است و با زبانی جذاب، از آنان برای «بسیج کل جامعه» و ساختن یک «دیوار بزرگ پولادین» در برابر جاسوسی دعوت می‌کند. اما دامنه نفوذ این وزارتخانه به مرزهای داخلی محدود نمی‌شود. این نهاد به‌منزله یک قدرت سایبری شناخته می‌شود که در عملیات‌های پیچیده علیه اهداف متخاصم بین‌المللی نقش دارد. اگرچه چن ییشین حضوری کم‌رنگ‌تر از دیگر هم‌تایان خود در مجامع بین‌المللی دارد، اما دیدارهای استراتژیک او، از جمله با رئیس سازمان سیا، گواهی بر نقش کلیدی این وزارتخانه در صحنه پر تنش رقابت‌های اطلاعاتی جهانی و تثبیت جایگاه آن به‌منزله یک قدرت امنیتی نوظهور است که این مسئله ضرورت شناخت و بررسی بیشتر ویژگی‌های وی را بر جسته می‌کند.

ضرورت معماری نوین امنیت ملی در دوران پساجنگ تحمیلی ۱۲ روزه

از «حفاظت» تا «ضداطلاعات»

از شبکه‌های محلی، خانه‌های امن و فناوری‌های غیرمتعارفی چون ریزپرنده‌ها، عملاً از سدهای حفاظتی سنتی و قابل پیش‌بینی ما عبور کرده و در عمق راهبردی کشورمان دست به عملیات زده است؛ این یعنی دیوارهای بلند در مقابل تهدیدی که از درون جوانه می‌زند یا با استفاده از ضعیف‌های انسانی رخنه می‌کند، کارآیی خود را از دست می‌دهند.

در مقابل، «ضداطلاعات» یک مفهوم پویا، کنش‌گرایانه و تهاجمی-تدافعی است. ضداطلاعات تنها به‌دنبال محافظت از «داشته‌ها» نیست، بلکه هدف اصلی آن، شناسایی، تحلیل، فریب و خنثی‌سازی «عملیات اطلاعاتی دشمن» است. به تعبیر «هانک پرانکان» در کتاب مرجع «نظریه و عمل ضداطلاعات» که در کشورمان باعنوان «اصول و مبانی ضداطلاعات» ترجمه شده است، این حوزه «سنگ‌بنای» چهارگوشه فعالیت‌های اطلاعاتی (جاسوسی، مشاهده، تحلیل و عملیات پنهان) است و به‌مثابه یک «تیغ جراحی» عمل می‌کند، در حالی‌که حفاظت اطلاعات بیشتر شبیه به «اسپر» است. یک دستگاه ضداطلاعاتی کارآمد، نه‌تنها نفوذ را کشف می‌کند، بلکه آن را مدیریت کرده، به آن اطلاعات غلط خوراند (فریب) و در نهایت شبکه اطلاعاتی دشمن را منهدم یا بی‌اعتبار می‌سازد. (خنثی‌سازی) در واقع، ضداطلاعات به‌دنبال تبدیل کردن تهدید به فرصت است؛ هر تلاش دشمن برای نفوذ، خود منبعی غنی از اطلاعات درباره نیت، اولویت‌ها، روش‌ها و آسیب‌پذیری‌های اوست که می‌تواند در طراحی عملیات‌های آتی خودی به‌کار گرفته شود. این رویکرد، کشورمان را از یک هدف منفعل به یک بازیگر فعال در صحنه نبرد اطلاعاتی تبدیل می‌کند.

آاتومسی با همان ساختار تهدید در عصر جدید، پیچیدگی‌های این گذار پارادایمی را دوچندان می‌کند. تهدیدات امروز دیگر تنها ماهیت دولتی ندارند و در یک بستر «ترکیبی» از بازیگران دولتی، شبه‌دولتی و غیردولتی (مانند گروه‌های تروریستی، هکرهای مرزودر شبکه‌های جرایم سازمان‌یافته) عمل می‌کنند. این تهدیدات بر دو ستون اصلی استوارند: عنصر انسانی و فناوری. همان‌طور که در تاریخ عملیات‌های اطلاعاتی، از پرونده «کیم فیلی» و «حلقه کمبریج» تا موارد متأخری چون «آلدريج ایمز» و «ادوارد اسنودن»، ثابت شده است، آسیب‌پذیرترین حلقه در هر زنجیره امنیتی، «انسان» است. دشمن با بهره‌گیری هوشمندانه از انگیزه‌هایی چون پول، ایدئولوژی، تطمیع یا فشار (که در ادبیات تخصصی و دانشگاهی ضداطلاعات با سرواژه MICE شناخته می‌شود)، تلاش می‌کند تا از میان شهروندان عادی یا حتی کارکنان دستگاه‌های حساس و خاصه دفاعی و امنیتی، برای خود نیرو جذب کند. گزارش‌های منتشرشده پس از جنگ دوازده‌روزه که به نقش «نفوذی و ستون پنجم» در پشتیبانی از عملیات‌های رژیم صهیونیستی اشاره داشت و موج دستگیری‌های پس از آن در کشورمان، تأییدی بر همین واقعیت تلخ است. شناسایی این تهدیدات انسانی، نیازمند تحلیل روان‌شناختی، رصد هوشمندانه

ناهنجاری‌های رفتاری و شبکه‌سازی اطلاعاتی است، نه تنها تکیه بر استعمال‌های سنتی. از سوی دیگر، فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، ریزپرنده‌ها، جنگ سایبری و موشک‌های هایپرسونیک، پنجره تصمیم‌گیری را به حداقل رسانده و به تعبیری، «مرز میان جنگ پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه را مخدوش کرده‌اند». دشمن با ایجاد «برتری نسبی» در یک حوزه فناوریانه، تلاش می‌کند تا قبل از آنکه طرف مقابل فرصت تحلیل، تصمیم و واکنش داشته باشد، ضربه خود را وارد کند. این شرایط، که فیلسوفانی چون «جورجو آگامبن» از آن با عنوان «وضعیت استثنای دائمی» یاد می‌کنند، مرز میان صلح و جنگ را کمرنگ کرده و نیاز به هوشیاری دائمی و واکنش آتی را به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل کرده است. در چنین فضایی، ساختار حفاظتی که مبتنی بر فرآیندهای سنتی اداری، سلسله‌مراتبی و زمان‌بر باشد، به‌طور قطع محکوم به شکست است و نمی‌تواند پاسخگوی تهدیدات آتی و غافلگیرکننده باشد.

❖ ارکان معماری نوین ضداطلاعاتی

بنابر این، معماری یک نظام ضداطلاعاتی مدرن برای کشورمان باید بر سه ستون اصلی استوار باشد. نخست، سرمایه‌گذاری کلان بر سرمایه انسانی متخصص و نخبه. ضداطلاعات، حوزه عمل کارشناسان امنیتی عادی نیست؛ این عرصه نیازمند کادری از نخبگان میان‌رشته‌ای است از جمله تحلیلگران اطلاعاتی مسلط به روش‌های علمی و تفکر انتقادی، روان‌شناسان متخصص در علوم و بازجویی‌های شناختی، مهندسان و دانشمندان علوم کامپیوتر مسلط بر آخرین فناوری‌های ارتباطی و سایبری، زبان‌شناسان و کارشناسان فرهنگی برای درک عمیق‌تر محیط عملیاتی دشمن، و در نهایت، طراحان عملیات فریب که توانایی خلق «توهم» برای سیستم اطلاعاتی حریف را داشته باشند. تربیت چنین ترویژی، پر هزینه و زمان‌بر است، اما یک سرمایه‌گذاری راهبردی و حیاتی برای تضمین امنیت ملی در دهه‌های آینده محسوب می‌شود که بازدهی آن بسیار فراتر از هزینه اولیه خواهد بود.

دوم، ایجاد هم‌افزایی ساختاری میان رویکردهای پدافندی و آفندی. حفاظت و ضداطلاعات، دو روی یک سکه‌اند که باید در یک چرخه هوشمند و پویا با یکدیگر تعامل کنند. یک نظام حفاظتی قدرتمند، امکان اجرای عملیات‌های پیچیده ضداطلاعاتی را فراهم می‌آورد و یک دستگاه ضداطلاعاتی کنش‌گرا، با شناسایی شیوه‌ها و اهداف دشمن، نقاط ضعف نظام حفاظتی را آشکار کرده و به ترمیم آن کمک می‌کند. در این چارچوب، اقداماتی چون مدیریت عوامل دوجانبه (که در آن جاسوس دشمن به خدمت گرفته می‌شود)، اجرای عملیات‌های فریب (مانند آنچه در ادبیات تخصصی «تست باریوم» نامیده می‌شود) و اجرای عملیات ایذایی برای به تحلیل بردن منابع دشمن، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی است. هدف نهایی، تبدیل شدن از یک هدف «منفعل» که

❖ اندیشکده

احصاء یک ضرورت ملی در جریان جنگ ۱۲ روزه

ارتقاء سواد امنیتی در جامعه

اختلافات قومی یا مشکلات اجتماعی، میان مردم تفرقه بیندازد و حس اتحاد و همبستگی ملی ما را ضعیف کند. آنها می‌خواهند با ایجاد ناامیدی، اراده ما را برای دفاع از کشورمان از بین ببرند. بهترین راه برای مقابله با این نقشه، مسلح شدن به سلاح «آگاهی» است.

هدف بزرگ ما باید این باشد که هر ۹۰ میلیون ایرانی، به یک شهروند آگاه و یک نگهبان هوشیار برای امنیت کشور تبدیل شوند. این یک آرزوی دور از دسترس نیست، بلکه یک ضرورت ملی است که با همکاری همه ما ممکن می‌شود. خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، همگی در این زمینه نقشی حیاتی دارند.

در مدارس، باید به فرزندان‌مان «تفکر انتقادی» را بیاموزیم. باید به آنها یاد دهیم که چگونه هر چیزی را به سادگی قبول نکنند و برای هر ادعایی به‌دنبال سند و مدرک باشند. در رسانه‌ها، به‌ویژه صدا و سیما، وظیفه دارند با ساختن برنامه‌های جذاب و آموزنده، روش‌های

پاسخ، در یک مفهوم ساده اما بسیار مهم نهفته است: «ارتقای سواد امنیتی.» سواد امنیتی، به زبان ساده، یعنی داشتن «هوشمندی» در برابر اطلاعاتی که هر روز از طریق تلفن‌های همراه، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها به ما می‌رسد. شهروندی که سواد امنیتی دارد، هر خبری را به سادگی باور نمی‌کند. او یاد گرفته است که قبل از بازنشر یک پیام، از صحت و درستی آن مطمئن شود. او می‌تواند فرق بین یک خبر واقعی و یک دروغ حساب‌شده را که برای ایجاد ترس و ناامیدی ساخته شده، تشخیص دهد. چنین شهروندی، نه‌تنها خود در دام دشمن نمی‌افتد، بلکه مانند یک دیده‌بان هوشیار، دیگران را نیز از خطرات آگاه می‌کند.

امروز، هر یک از ما با در دست داشتن یک تلفن هوشمند، به بخشی از یک میدان نبرد بزرگ تبدیل شده‌ایم. دشمن این را به‌خوبی می‌داند. به همین دلیل، تمام تلاش خود را به‌کار می‌گیرد تا با پخش شایعات در مورد مسائل اقتصادی،

همواره نگران نفوذ است، به یک بازیگر «کنش‌گر» در صحنه نبرد اطلاعاتی است؛ بازیگری که قواعد بازی را تعیین می‌کند، نه آنکه تنها به قواعد تحمیلی دشمن واکنش نشان دهد! سوم، تحلیل محوری و یکپارچگی اطلاعاتی. جوهره ضداطلاعات، «تحلیل» است، نه فقط جمع‌آوری داده. هر داده‌ای، از یک شایعه در فضای مجازی گرفته تا یک تلاش ناکام برای نفوذ سایبری، باید به‌مثابه قطعه‌ای از یک پازل بزرگتر دیده شود. این امر مستلزم شکستن دیوارها و فاصله‌های غیرضروری میان سازمان‌ها و ایجاد یک سازکار ملی یکپارچه برای به اشتراک‌گذاری، تلفیق و تحلیل اطلاعات میان دستگاه‌های گوناگون نظامی، امنیتی، انتظامی و حتی اقتصادی است. اطلاعاتی که برای یک سازمان، تنها یک «تهدید» امنیتی (مانند یک حمله سایبری) است، برای یک نهاد ضداطلاعاتی می‌تواند یک «فرصت» گران‌بها برای کسب شناخت از روش‌ها، ابزارها و نیت دشمن باشد. ایجاد یک «مرکز ملی اطلاعات» که بتواند این داده‌های پراکنده را به دانشی راهبردی تبدیل کند، گامی اساسی در جهت افزایش هوشمندی و کارآمدی کل سیستم امنیتی کشورمان خواهد بود.

❖ به‌سوی یک ساختار ملی یکپارچه

با عنایت به آنچه که بیان شد و به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت، چشم‌انداز امنیتی جهان به شکلی بازگشت‌ناپذیر تغییر کرده است و جنگ تحمیلی دوازده‌روزه، بیش از هر چیز، یک «هشدار راهبردی» برای ضرورت گذار از تفکر سنتی و جزیره‌ای در عرصه امنیت ملی بود. تادام اتکا به ساختارها و الگوهای حفاظتی سنتی در برابر دشمنی که «جنگ ترکیبی» را در دستور کار خود قرار داده، به‌معنای پذیرش آسیب‌پذیری دائمی و سپردن ابتکار عمل به‌دست دشمن است. برای غلبه بر این چالش، کشورمان نیازمند برداشتن گامی بلند و تحول‌آفرین است: تأسیس یک ساختار ملی و یکپارچه ضداطلاعات. چنین نهادی باید با برخورداری از جایگاه قانونی، اختیارات و منابع کافی، مسئولیت هماهنگ‌سازی، سیاست‌گذاری و راهبری کلیه فعالیت‌های ضداطلاعاتی در سطح کشور را برعهده گیرد. این ساختار باید با تمرکز بر تربیت کادر متخصص، توسعه دکترین بومی ضداطلاعات و بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری، کشورمان را به یک «دژ هوشمند» تبدیل کند. دژی که نه‌تنها در برابر تهاجم ایستادگی می‌کند، بلکه به‌مثابه یک سیستم ایمنی هوشمند، قادر است تهدیدات را شناسایی کرده، از آنها بیاموزد، خود را تطبیق دهد و در نبرد سایه‌ها، ابتکار عمل را در دست گرفته و از امنیت و منافع ملی در برابر پیچیده‌ترین تهدیدات صیانت کند. این، مسیر حرکت از واکنش به کنش، و از بازدارندگی سلبی به بازدارندگی هوشمند و فعال است؛ ضرورتی که دیگر جای تعلل در آن نیست و امید است که کشور به‌واسطه درس‌موخته‌های حاصل از جنگ اخیر، هر چه سریع‌تر به سمت و سوی آن حرکت کند.

تشخیص اخبار جعلی و مقابله با شایعات را به مردم آموزش دهند. همزمان خانواده‌ها نیز می‌توانند با گفت‌وگو و افزایش آگاهی اعضای خود، به یک سنگر محکم در برابر تهاجم فکری دشمن تبدیل شوند.

در گذشته، امنیت را وظیفه نهادهای نظامی و انتظامی می‌دانستیم. اما امروز، امنیت یک «مسئولیت همگانی» است. پایدارترین و قدرتمندترین سپر دفاعی در برابر دشمن، یک ملت آگاه، هوشیار و متحد است. هرچه سطح آگاهی امنیتی ما بالاتر برود، هزینه فریب دادن ما برای دشمن بیشتر می‌شود و کشورمان در برابر هر نوع تهاجمی بیمه خواهد شد. روزی که هر ۹۰ میلیون نفر جمعیت ایران، به یک دیده‌بان هوشمند برای امنیت ملی تبدیل شوند، روزی است که ما به‌معنای واقعی کلمه، یک دژ تسلیح‌ناپذیر ساخته‌ایم. این، بزرگ‌ترین ادای دین به خون شهدایی است که جان خود را برای آرامش و امنیت امروز ما فدا کردند.



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

تحولات شگرف در محیط امنیت بین‌الملل و ظهور جنگ‌های ترکیبی، نیازمند بازنگری بنیادین در الگوهای دفاعی و امنیتی کشورهاست. به‌طور نمونه تجربه پرهزینه اما آموزنده جنگ تحمیلی دوازده‌روزه و شهادت ده‌ها تن از بهترین فرزندان این مرزوبوم توسط دشمن صهیونی و در پی یک شبیخون اطلاعاتی، زنگ خطری غیرقابل انکار برای یک آسیب‌پذیری مهم بود؛ شکاف در لایه‌های حفاظتی و ضرورت بهسازی و حتی بازسازی ساختارهای سنتی در برابر تهاجم اطلاعاتی پیچیده و چندوجهی دشمن. این رخداد، که در همان دقایق اولیه با وارد کردن ضربه به سلسله مراتب فرماندهی دفاعی کشورمان همراه بود، نشان داد که دشمن تنها با اتکا به جنگ‌افزارهای متعارف به میدان نیامده است، بلکه با بهره‌گیری از شبکه‌های نفوذ، عملیات فریب، جنگ روانی و به‌کارگیری فناوری‌های نوین، به‌دنبال فلج‌سازی مراکز تصمیم‌گیری و ایجاد بی‌ثباتی از درون است. این چارچوب یا پارادایم نوین از تهدید، این پرسش راهبردی را پیش روی هر کارشناس و دغدغه‌مند وطنی قرار می‌دهد که چگونه می‌توان از الگوی سنتی و عمدتاً پدافندی «حفاظت اطلاعات» عبور کرده و به یک چارچوب جامع، پویا و کنش‌گرای «ضداطلاعاتی» دست یافت که قادر به شناسایی، خنثی‌سازی و حتی بازدارندگی فعال در برابر تهدیدات نوین باشد که دشمن از آنها در جریان جنگ تحمیلی اخیر بهره‌برد.

❖ از پارادایم پدافندی تا دکترین کنش‌گرا

برای پاسخ به این پرسش، نخست باید تمایز مفهومی و کارکردی میان «حفاظت اطلاعات» و «ضداطلاعات» را به دقت روشن ساخت. حفاظت اطلاعات در ماهیت خود، یک رویکرد عمدتاً پدافندی و واکنشی است که بر حراست از اسرار، اطلاعات طبقه‌بندی شده، زیرساخت‌های حیاتی و منابع انسانی در برابر دسترسی غیر مجاز تمرکز دارد. اقداماتی مانند کنترل دسترسی فیزیکی، طبقه‌بندی اسناد، گزینش و احراز صلاحیت کارکنان و ایمن‌سازی سامانه‌های ارتباطی، همگی در ذیل این چارچوب تعریف می‌شوند. این اقدامات، اگرچه سنگ‌بنای هر نظام امنیتی هستند و غفلت از آنها خطایی نابخشودنی است، اما در برابر دشمنی که از ابزارهای نفوذ، فریب و عملیات مبتنی بر عامل انسانی بهره می‌برد، به‌تنهایی کافی نیستند. استعاره کلیدی برای حفاظت اطلاعات، «ساختن دیوارهای بلندتر و قفل‌های محکم‌تر» است. اما تجربه جنگ اخیر نشان داد که دشمن با بهره‌گیری



فریدون حیدری حویق

کارشناس سیاسی

یاد و خاطره فرزندان غیور این سرزمین که در جنگ دوازده‌روزه تحمیلی جان خود را فدای امنیت کشور و ملت کردند، گرامی باد. شهادت آنها اگرچه داغی بزرگ بر دل ملت گذاشت، اما یک درس راهبردی به ما آموخت؛ امروز، میدان جنگ تغییر کرده است. دیگر خبری از نبردهای رودرو و سنگرهای مشخص نیست. دشمن با سلاح‌هایی جدید به میدان آمده است؛ سلاح‌هایی که نه خاک، بلکه ذهن و باور ما را هدف گرفته‌اند. در این نبرد نوین که به آن «جنگ ترکیبی» می‌گویند، شایعه، دروغ و اخبار جعلی، به اندازه موشک و پهپاد خطرناکند. در چنین وضعیتی، چگونه می‌توانیم از کشورمان در برابر این تهدیدات جدید محافظت کنیم؟

پیشخوان

خواب خوش ترامپ



«اکنونومست» نوشت: «با پایان جنگ ۱۲ روزه، حامیان حمله آمریکا حالا از تحول منطقه سخن می‌گویند. «ترامپ» معتقد است، می‌تواند امضاکندگان جدیدی برای پیوستن به توافق ابراهیم سال ۲۰۲۰ پیدا کند، که بر اساس آن، چهار کشور عربی روابط خود با اسرائیل را عادی‌سازی کردند. اما در پایتخت‌های عربی شور و اشتیاق دیده نمی‌شود. احتمالاً احمد الشّرع در ماه‌های آینده پیمانی با رژیم صهیونیستی امضا کند، زیرا می‌خواهد حملات صهیونیستی به خاک سوریه متوقف شود و جایگاه خود در غرب را تقویت کند.» «به‌نوشته این نشریه، ترامپ امیدوار است عربستان را متقاعد کند که روابط خود با رژیم صهیونیستی را عادی سازی کند، که احتمالاً راه را برای دیگر کشورهای عربی و مسلمان هموار خواهد کرد. اما ریاض از ترس ایران بیش از پیش به این کار بی‌میل شده است. اکنونومست همچنین نوشت: «چند دیپلمات در خلیج فارس به مثال کره شمالی اشاره دارند، خاندان کیم با هدف قرار دادن تعداد زیادی تویخانه و موشک‌های کوتاه‌برد به‌سمت پایتخت کره جنوبی، خود را از حمله آمریکا مصون نگه داشته است. حاکمان خلیج فارس نگرانند که ایران نیز ممکن است استراتژی مشابهی را انتخاب کند و با هدف قرار دادن دهم، دوحه یا دبی (و نه تل‌آویو) اسرائیل و آمریکا را بازدارد.»

دستاوردهای پوچ



«فارن پالیسی» نوشت: «وسواس دونالد ترامپ نسبت به جایگاه خود در تاریخ در نوع خود بی‌نظیر است. هیچ رئیس‌جمهوری، این‌قدر شفاف تمایزش برای یاد شدن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رؤسای‌جمهور آمریکا را مطرح نکرده است. مشکل ترامپ اما این است که سابقه کاری‌اش در بهترین حالت متوسط و در بدترین حالت فاجعه‌بار است.» این نشریه افزود: «وقتی انگیزه اصلی رهبران جست‌وجوی جلال شخصی باشد، احتمال بیشتری دارد که به‌دنبال «دستاوردهای» پوچی بروند که سود چندانی ندارند (مثلاً تغییر نام خلیج مکزیک) و از مشکلاتی که حلشان به میلیون‌ها نفر کمک می‌کند، مانند بهبود زیرساخت‌ها یا کاهش نابرابری اقتصادی) غافل بمانند. چنین رهبرانی بیشتر تمایل دارند بحران‌های خیالی بسازند تا اقدامات افراطی را توجیه کنند.» نویسنده خاطر نشان کرد: «از آنجا که در جهانی زندگی می‌کنیم که حقیقت کالایی کمیاب شده، فروتنی منسوخ به‌نظر می‌رسد و خودستایی بی‌پرده به‌هنگار تبدیل شده، ترامپ ممکن است بتواند هواداران متعصب خود را متقاعد کند که رئیس‌جمهور واقعاً بزرگی است. اما در نهایت، جایگاه تاریخی او به نتایج کارش بستگی خواهد داشت. با توجه به سابقه فعلی‌اش، به احتمال زیاد به‌عنوان رئیس‌جمهوری بسیار تأثیرگذار ارزیابی خواهد شد، چراکه تخریب‌هنجارها و اقدامات رادیکال او تا زمان ترک کاخ سفید تأثیری عظیم برجای خواهد گذاشت.»

موزاییک برای شکار اهداف هسته‌ای ایران

سلاح پنهان آژانس

زهر اتوحدیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

گزارشی تحقیقی افشا کرده است که نرم‌افزاری موسوم به «موزاییک»، (MOSAIC) که با بودجه آمریکا طراحی شده و از سوی دولت اوپاما برای به اصطلاح نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران در برجام توسط آژانس انرژی اتمی به‌کار گرفته شده است، ابزاری برای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعاتی بوده که به احتمال زیاد در حملات جانی‌تکارانه رژیم صهیونیستی علیه ایران نقش‌آفرینی کرده است. به‌نوشته پایگاه لبنانی «کریدل» (The Cradle)، موزاییک ابزاری که توسط شرکت جاسوسی- فناوری مر موز «پالاتیر» ساخته شده، در عملیات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌ویژه مأموریت نظارتی آن، یعنی بازرسی‌ها و نظارت بر پایبندی کشورها به توافق‌نامه‌های عدم اشاعه، جاسازی شده است.

ایسن پایگاه خبری تصریح کرد: «موزاییک به‌مدت یک دهه در این کار نقش محوری داشته و بی‌سروصدا توسط دولت «اوپاما» در توافقی هسته‌ای برجام ادغام‌شد. برجام به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دسترسی نامحدود به تأسیسات هسته‌ای ایران برای تأیید عدم وجود برنامه تسلیحات هسته‌ای اعطا کرد. در این فرآیند، آژانس به گنجینه عظیمی از داده‌ها، از جمله تصاویر نظارتی، اندازه‌گیری‌های حسگرها و اسناد تأسیسات، دسترسی پیدا کرد که همه آن‌ها در سیستم موزاییک ثبت شدند.» این پایگاه خبری افزود: «با ایسن حال، نقش

محموری ایسن نرم‌افزار در ایسن توافق تازمان افشاکری بلومبرگ در ماه مه سال ۲۰۱۸، پنهان ماند. بلومبرگ افشا کرد که فناوری پالاتیر (یعنی موزاییک) به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کمک کرد تا بخش‌های وسیعی از اطلاعات را از منابع گوناگون، از جمله ۴۰۰ میلیون «شیء دیجیتال» در سطح جهان، مانند «فیدهای رسانه‌های اجتماعی و عکس‌های ماهواره‌ای در داخل ایران» بررسی کند. این مسئله نگرانی‌هایی را ایجاد کرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است از مرز بین نظارت هسته‌ای و جمع‌آوری اطلاعات عبور کند.» در گزارش بلومبرگ آمده است: «اسناد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که این ابزار در هسته تحلیلی پلتفرم جدید ۵۰ میلیون دلاری موزاییک آژانس قرار دارد و پایگاه‌های داده اطلاعات طبقه‌بندی شده را به نقشه‌هایی تبدیل می‌کند که به بازرسان کمک می‌کند تا روابط بین افراد، مکان‌ها و مواد درگیر در فعالیت‌های هسته‌ای را تجسم کنند.»

پایگاه خبری کریدل افزود: «موزاییک به‌شدت تحت تأثیر نرم‌افزار پیش‌بینی‌کننده انتظامی و نظارتی پالاتیر قرار دارد. این فناوری که توسط بسیاری از سازمان‌های اجرای قانون در سراسر جهان غرب با هزینه‌های هنگفت به‌کار گرفته می‌شود، بسیار بحث‌برانگیز است و مشخص شده است که سوءگیری‌های خطرناک و گمراه‌کننده‌ای را نشان می‌دهد که به مداخلات نادرست پیش از وقوع جرم منجر می‌شود.»

این پایگاه افزود: «با توجه به وجود اطلاعات

مشکوک، مانند بایگانی هسته‌ای ایران که توسط موساد به سرقت رفته و آشکارا توسط آژانس اسرائیلی به‌دلیل فریبکاری‌اش مورد ستایش قرار گرفته است، بسیار محتمل است که چنین داده‌های مخدوش سبب بازرسی‌های ناموجه شده باشد. بلومبرگ به نقل از مذاکره‌کننده‌ای که در تدوین توافق ۲۰۱۵ نقش داشت، ابراز نگرانی کرد که داده‌های کثیف یا بدون ساختار می‌تواند به انبوهی از بازرسی‌های ناگهانی و غیرضروری منجر شود.»

این پایگاه خبری تصریح کرد: «این گزارش، موزاییک را به‌عنوان مجموعه‌ای از ابزارها برای مواجهه با چالش‌های فردا برای بازرسان توصیف کرد. برای نمونه، بسته تأیید الکترونیکی (EVP) امکان جمع‌آوری و پردازش خودکار داده‌های میدانی از جمله برنامه‌ریزی، گزارش‌دهی و بررسی را فراهم می‌کند. وقتی بازرسان از یک تأسیسات بازدید می‌کنند، حجم عظیمی از اطلاعات را ثبت می‌کنند که فوراً از طریق EVP در دفتر مرکزی تجزیه و تحلیل می‌شوند.»

کریدل درباره سازکار موزاییک نوشت: «در جای دیگر، پلتفرم تجزیه و تحلیل مشارکتی (CAP) امکان ارجاع متقابل عمیق داده‌های داخلی

پنجره

افسانه آمریکایی

استقلال واشنگتن در حوزه انرژی غیر ممکن است

افزایش ۲۰ درصدی قیمت نفت ابراز کرد و خواستار افزایش فوری تولید نفت شد. این اظهارات ترامپ با ادعای قبلی او درباره اینکه آمریکا به نفت غرب آسیا نیازی ندارد، در تضاد آشکار بود، به‌طوری‌که حتی با کاهش قیمت نفت پس از برقراری آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و ایران، این درگیری دو هفته‌ای نشان داد که استقلال آمریکا در حوزه انرژی یک افسانه است. در گزارش فارن افروز همچنین با اشاره به تلاش‌های ناکافی کنگره و دولت ایالات متحده برای کاهش وابستگی به نفت آمده است: قیمت نفت و بنزین همچنان در بازار جهانی تعیین می‌شود و حتی اگر آمریکا دیگر واردکننده خالص نفت نباشد، اختلال در عرضه نفت در هر نقطه از جهان می‌تواند قیمت سوخت در پمپ‌بنزین‌های آمریکا را افزایش دهد. در حال حاضر چین با سرمایه‌گذاری گسترده در خودروهای الکتریکی و زیرساخت‌های مرتبط، گام‌های بلندی برای کاهش وابستگی به نفت برداشته است.

نشریه «آمریکایی فارن افروز» در گزارشی با اشاره به اینکه آمریکا با وجود تلاش‌های فراوان برای دستیابی به استقلال انرژی، همچنان در برابر نوسانات بازار جهانی انرژی و بحران‌های ژئوپلیتیکی آسیب‌پذیر است، تأکید کرد: «درگیری با ایران، ضعف واشنگتن در دستیابی به استقلال در این حوزه را آشکار کرد.» در گزارش نشریه فارن افروز آمده است: «آمریکا حتی با تبدیل شدن به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان، نتوانسته به استقلال کامل در حوزه انرژی دست یابد و پیوندهای عمیق بازار جهانی انرژی و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر، ایسن ایده را که آمریکا می‌تواند به‌طور کامل از تأثیرات ژئوپلیتیکی و نوسانات قیمت جهانی انرژی مصون بماند را به چالش کشیده است.» بر اساس این گزارش، تجاوز نظامی اخیر آمریکا به ایران، نمونه بارزی از این واقعیت بود چراکه پس از حملات تجاوزکارانه آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات متحده نگرانی خود را درباره

آتش‌بس دائمی

«فیصل بن فرحان» وزیر خارجه عربستان، از مشورت ریاض با فرانسه برای تعیین تاریخ مناسب جهت راه‌اندازی کنفرانس بین‌المللی با هدف پیشبرد تلاش‌ها برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی خبر داد و تأکید کرد: «اکنون، اولویت ما دستیابی به یک آتش‌بس فوری و دائمی و پایان دادن به رنج‌های انسانی رو به وخامت در نوار غزه است. به تعویق انداختن گفت‌وگو و رسیدگی به مشکلات، تنها اوضاع را در آینده پیچیده‌تر خواهد کرد.» وزیر خارجه عربستان تصریح کرد: «ریاض توقف خصومت‌ها را مقدمه‌ای ضروری برای احیای روند سیاسی و تحقق آرمان‌های مردم فلسطین برای تأسیس کشور مستقل خود در مرزهای ۱۹۶۷ می‌داند.»



قهقرای اخلاقی!

«شیخ احمد بن حمد الخلیلی» مفتی اعظم عمان، روند عادی‌سازی روابط برخی کشورها با رژیم صهیونیستی را محکوم کرد. وی گفت: «شتاب‌زدگی و تمایل برخی کشورها برای عادی‌سازی روابط با دشمن صهیونیستی جای تعجب دارد.» الخلیلی تصریح کرد: «عادی‌سازی با این رژیم وحشی، یعنی توافقی با استعمارگری که از خون کودکان، زنان و سالخوردهگان ارتزاق می‌کند؛ این امر خطایی بزرگ و در واقع اعطای پاداش به دشمنی است که خون برادران دینی و انسانی ما را ریخته است. عادی‌سازی روابط تنها چشم‌پوشی از حقوق ملت فلسطین نیست، بلکه قهقرای اخلاقی است که چهره واقعی عادی‌سازان را نزد تاریخ و امت اسلامی آشکار می‌سازد.»



یادداشت

جنگ ۱۲ روزه و فلج شدن اقتصاد رژیم صهیونیستی



میثم مهرپور
کارشناس اقتصادی

با آتش بس و پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، طبیعی است که برآوردهایی از میزان خسارت‌های این جنگ منتشر شود. بر اساس گزارشاتی که به مرور زمان از وضعیت سرزمین‌های اشغالی منتشر می‌شود، به نظر می‌رسد دلیل اصلی تمایل صهیونیست‌ها به آتش بس را می‌توان آسیب‌های جنگ ۱۲ روزه به اقتصاد آن‌ها دانست.

قدرت نظامی نیروهای مسلح ایران و ضربه به شریان‌های اقتصادی رژیم چون پالایشگاه‌ها و بنادر از این حیث برای رژیم غیرقابل تحمل بود که به‌دلیل نبود عمق استراتژیک، مساحتی حدود یک هفتاد و پنجم ایران و عدم وجود عرق سرزمینی و... امنیت و تداوم آن برای ادامه حیات اقتصادی رژیم بسیار حائز اهمیت است و هرگونه تنش و درگیری نظامی که در بر دارنده بلندمدت به‌خصوص تنش‌های که در بر دارنده ضربات کاری و اساسی باشد عملاً رژیم را برای ادامه حیات دچار بحران می‌کند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی به سانسور و عدم بیان واقعیت‌ها شهره بوده و حتی می‌توان پنهان‌کاری و عدم ارائه گزارش چه راجع به تلفات جانی و چه خسارات اقتصادی و...

را جزو اصول و چارچوب فکری این رژیم دانست. با این حال گزارش‌هایی که از سوی رسانه‌ها و نهادهای رژیم تأیید می‌شود، نشان‌دهنده خسارتی بالغ بر روزانه یک میلیارد دلار بر اقتصاد رژیم صهیونی است. این خسارت‌ها را می‌توان شامل هزینه‌های نظامی، خسارت ناشی از حملات موشکی، پرداخت غرامت به افراد و کسب‌وکارها و هزینه‌های بازسازی دانست که با در نظر گرفتن خسارات غیر مستقیم و غرامت‌های مدنی، (علاوه بر هزینه‌های مستقیم) مجموع این زیان حتی ممکن است به ۲۰ میلیارد دلار نیز برسد.

میزان ثبت درخواست خسارت ساکنان شهر ک‌های اشغالی و کسب‌وکارها برای دریافت خسارت، یکی از موضوعاتی است که نشان‌دهنده عمق آسیب‌های اقتصادی ضربات ایران به رژیم صهیونی است. به‌نحوی که وزارت دارایی رژیم صهیونیستی صراحتاً اعلام کرده است که میزان درخواست خسارت کسب‌وکارها تا ۵ میلیارد شکل (۱/۴ میلیارد دلار) برآورد می‌شود. رئیس بخش خسارت وزارت دارایی نیز گفته است، تاکنون بیش از ۴۰ هزار درخواست جبران خسارت ثبت شده و پیش‌بینی می‌شود این تعداد به بیش از ۵۰ هزار مورد برسد.

یکی از حملات موشکی ایران به منافع اقتصادی رژیم را می‌توان حمله‌ای دانست که به پالایشگاه نفت بازان (بزرگ‌ترین پالایشگاه اسرائیل) صورت گرفت و عملاً این پالایشگاه را از کار انداخت. حمله‌ای که سبب شد شهر دار حیفا چند روز بعد از پایان جنگ خواستار تعطیلی فوری این پالایشگاه و تخلیه دائمی و انتقال این تأسیسات از شهر شود. ضربه اقتصادی شدید دیگری که حملات موشکی ایران به اقتصاد رژیم زد، آسیب به اقتصاد دریایی رژیم صهیونی بود حملات ایران به زیرساخت‌های بندری رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، نقاب تبلیغاتی و پروپاگاندایی که رژیم تحت عنوان بنادر امن مطرح کرده بود، بی اعتبار کرد. به‌نحوی که یکی از کشتیرانی‌های بزرگ با عنوان Maersk پس از آغاز جنگ اعلام کرد، پذیرش محموله‌های وارداتی به بندر حیفا را متوقف می‌کند. موضوعی که بیانگر بی‌اعتمادی شرکت‌های بین‌المللی به امنیت دریایی رژیم صهیونی است.

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا، در گفت‌وگو با صبح صادق

مهمترین وظیفه دولت حفظ انسجام داخلی است



کشورشان به ارمغان آوردند.

وی در ادامه به سیاست‌های اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد و گفت: «اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی باید جدی گرفته شود. در دهه اول انقلاب بسا یک معجزه اقتصادی در مقایسه با آنچه که امروزه اتفاق افتاد، مواجه هستیم آموزش و پرورش و آموزش عالی، خدمات سلامت رایگان، ساخت‌وساز مسکن برای گروه‌های مختلف طبقات متوسط جامعه اجرا شد. لذا این موارد باید اجرا شود تا مردم تحت حمایت قرار بگیرند.»

راغفر توضیح داد: «بی‌تردید دشمن با توسل به ضعف‌های اقتصادی، بر نامه‌هایی را برای براندازی جمهوری اسلامی در دستور کار دارد. بنابراین مشخص است اقدامات اشتباهی که در حوزه اقتصاد در دولت‌های مارخ می‌دهد، کار یکی دو سال نیست و به همان سیاست‌های اقتصادی اعمال شده در کشور بعد از دفاع مقدس مربوط است، سیاست‌هایی که منجر شد با شعارهای توخالی و وعده توسعه و رونق اقتصادی امروز به این وضعیتی که در اقتصاد شاهد آن هستیم برسیم. بنابراین آنچه که اتفاق افتاده برنامه‌ریزی ۳۷ سال گذشته بعد از جنگ تحمیلی است که همه تعهدات قانون اساسی نسبت به مردم کنار گذاشته شد، بانک‌ها خصوصی شد به‌دنبال آن معادن و صنایع بزرگ خصوصی شدند و زمینه برای بروز و رشد نابری‌های ناموجه فراهم شد.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی بیان داشت: «سیاست‌های غلط اقتصادی سبب شکنندگی و آسیب‌پذیری جامعه شد. امروز براساس آمارهای رسمی یک سوم مردم کشور زیر خط فقر هستند. بین چهار تا هفت میلیون نفر از مردم قادر به تأمین قوت روز خود نیستند، یعنی با مشکلات معیشتی مواجه هستند. طبیعی است اولین خاخریزی که توسط طمع خارجی‌ها تصرف می‌شود، حوزه اقتصادی است. از این جهت حاکمیت باید برای عبور از این شرایط اقدامات اساسی را در دستور کار قرار دهد.»

تفکرات غرب‌گرایانه اقتصادی و با فریب و دروغ، ذهن مسئولان را از مفاهیم پوچ و اشتباهی پر کرده‌اند که به زیان عموم مردم تمام شده است.»

این استاد اقتصاد معتقد است: «این گروه از افراد با بیان عباراتی چون اقتصاد دستوری و حمایت از مردم و... سعی کردند این‌گونه نشان دهند که سیاست‌های نظارتی و حمایتی موجود دلیل مشکلات اقتصادی ماست و تمام اینها باید برچیده شود. در حالی که دولت‌ها در هیچ کجای دنیا در چنین مواقعی از چنین توهماتی استقبال نکرده‌اند و شاهد چنین پدیده‌ای نبودیم اما متأسفانه در ایران گاهی توانسته‌اند مغز بسیاری از مسئولان کشور را با این شعارهای دروغین فریب دهند و ذهن مسئولان را منحرف کنند و راه را بر توسعه اشتغال و بخش تولید ببندند.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا افزود: «آنچه بر سر اقتصاد ما آمده فاجعه‌ای بزرگ است. بنابراین دولت، حاکمیت و کسانی که دلشان برای این کشور می‌سوزد باید متوجه شوند که این شعارها فقط فریب است. بنابراین باید دست از اجرای شعارهای توخالی و ادامه سیاست‌های غلط اقتصادی طی دهه‌های گذشته بردارند. زیرا دشمن به‌واسطه مشکلات‌های اصلی اقتصادی ما به کشور طمع کرد و فرصت یافت تا با تضمین جاسوسان زمینه‌های اجرای اقدامات خود را در میان‌مدت عملیاتی کند.»

این استاد اقتصاد خاطر نشان کرد: «برای عبور از شرایط اقتصادی پیش رو باید به تجارب موفق وجود دارد به‌نحوی که می‌توان گفت، موفق‌ترین الگوی توسعه در تمام تاریخ توسعه کشورهای جهان به چین تعلق دارد که در ظرف ۳۵ سال گذشته از یک کشور عقب افتاده به یک ابرقدرت جهانی دربخش تولید تبدیل شده است. پس باید این الگو را مد نظر قرار داد، زیرا چینی‌ها با توسل به این الگو نه‌تنها مشکلات اقتصادی کشورشان را برطرف کردند، بلکه دستاوردهای جهانی و اقتصادی بزرگی را برای

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی افزود: «حاکمیت باید هزینه حمایت از مردم را در حوزه اقتصادی بپردازد. زیرا هر هزینه‌ای که بابت این موضوع، یعنی حمایت‌های اقتصادی بپردازد به مراتب کمتر از هزینه‌هایی خواهد بود که در آینده ممکن است در حوزه سیاسی و اعتراضات اساسی بنابرین در امر حمایت از مردم و اصلاحات اساسی در عرصه اقتصاد نباید کم‌کاری صورت بگیرد. زیرا هرگونه کم‌کاری می‌تواند پیامدهای بعدی مخربی برای کشور و حاکمیت به‌دنبال داشته باشد.»

راغفر یادآور شد: «در صورت عدم حمایت از اقشار ضعیف جامعه شاهد آشوب‌های شهری خواهیم بود، یعنی آنچه اسر انیل دنبال کرد و محقق نشد این‌گونه انجام می‌گیرد، پس دولت باید از شعارها و دستورات اقتصادی غرب‌گرایی که نظرات و ایده‌های آنها اقتصاد کشور را به این مرحله رسانده است، دوری کند.»

وی افزود: «در دوران کرونا حتی در اقتصادهای آمریکا نیز به‌دلیل آسیب‌هایی که به بسیاری از مشاغل وارد شد، دولت از اقشار ضعیف جامعه حمایت کرد. اما مشخص نیست چرا غرب‌گرایان در ایران، دولت را به عدم حمایت از مردم تشویق می‌کنند آیا غیر از خیانت سخنی دیگر در این باره می‌توان گفت؟ از این‌رو در وضعیت کنونی یکی از اقدامات فوری که حاکمیت باید انجام دهد، حمایت از عموم مردم به‌خصوص افراد زیر خط فقر است. کمک به مشاغل و لو به‌صورت یارانه باید انجام شود. اینکه چگونه به چه مقدار به چه کسانی یارانه بدهد و چگونه از بنگاه‌های اقتصادی برای جلوگیری از عدم تعدیل نیرو و بیکار نشدن کارگران حمایت کند، نسخه‌هایی دارد که می‌توان به دولت ارائه داد. بی‌تردید بنگاه‌هایی که طی روزهای جنگ تعطیل شدند هزینه‌هایشان افزایش یافته و حتی ممکن است کارگران را اخراج کنند. بنابراین دولت هر چه سریع‌تر باید به آنها یارانه‌هایی در دستمزد بدهد تا این یارانه دستمزد کمکی در راستای آرامش فکری قربانیان اقتصاد باشد. اقتصادی که طی دهه‌های گذشته عده‌ای با تکیه بر

ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و استاد اقتصاد گفت: «بی‌تردید دشمن با توسل به ضعف‌های اقتصادی، برنامه‌هایی را برای براندازی جمهوری اسلامی در دستور کار دارد. بنابراین مشخص است اقدامات اشتباهی که در حوزه اقتصاد در دولت‌های مارخ می‌دهد، کار یکی دو سال نیست و به همان سیاست‌های اقتصادی اعمال شده در کشور بعد از دفاع مقدس مربوط است، سیاست‌هایی که منجر شد با شعارهای توخالی و وعده توسعه و رونق اقتصادی امروز به این وضعیتی که در اقتصاد شاهد آن هستیم، برسیم.»

«حسین راغفر» استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا در گفت‌وگو با «صبح صادق» در خصوص راهبردهای حسین و بعد از جنگ در حوزه مدیریت اقتصادی گفت: «در این موضوع شکی نیست که مشکلات مرتبط به جنگ تحمیلی رژیم صهیونی که هنوز خاتمه نیافته است. اما مهمتر از این موضوع حفظ انسجام داخلی است که با چالش‌های به‌جا مانده از مدیریت غلط اقتصادی دهه‌های گذشته می‌تواند ما را وارد چالش‌های جدی دیگری کند که بسیار خطرناک است. در واقع به‌نظر می‌رسد این چالش‌ها از خود جنگ خطرناک‌تر باشند.»

وی در این باره بیان داشت: «در صورتی‌که اقتصاد به‌سرعت ترمیم و مدیریت نشود بعد از این شاهد اعتراضات داخلی خواهیم بود. زیرا قربانیان نظام اقتصادی به عدم تأمین معاش خود معترض می‌شوند. بنابراین در کنار چالش نظامی و سیاسی در حوزه اقتصادی نیز حاکمیت با معضلات بسیار جدی رویه‌رو می‌شود. از این‌رو دولت و حاکمیت هر چه زودتر باید سیستم حمایتی فوری را برای حمایت از دهک‌های آسیب‌پذیر جامعه در نظر بگیرد.»

شاخص

رکورد دزدی اروپا

«یورونیوز» اعلام کرد، دزدی از فروشگاه‌ها در آلمان طی سال ۲۰۲۴، نزدیک به ۳ میلیارد یورو به بخش خرده‌فروشی این کشور ضرر وارد کرد؛ رقمی بی‌سابقه که بخشی از آن ناشی از فعالیت‌های سازمان‌یافته مجرمانه بوده است. علاوه بر این خسارت، دولت فدرال آلمان نیز از درآمدهای مالیاتی چندین میلیون یورویی محروم شده است. فروشگاه‌های خرده‌فروشی آلمان هنگام انجام انبارگردانی سال ۲۰۲۴، متوجه کمبودی به ارزش ۴/۹۵ میلیارد یورو در کالاهای خود شدند. باندهای حرفه‌ای سرقت نیز به تهدیدی جدی برای خرده‌فروشی تبدیل شده‌اند. این مطالعه برآورد می‌کند که سرقت‌های مرتبط با فعالیت‌های سازمان‌یافته مجرمانه در مقایسه با سال گذشته، ۵ درصد افزایش یافته است.



افزوده

فیبوناچی

اصطلاح «فیبوناچی» در اقتصاد و تحلیل بازار به استفاده از دنباله فیبوناچی و نسبت‌های طلایی آن (مانند ۳۸/۲ درصد، ۵۰ درصد و ۶۱/۸ درصد) اشاره دارد. این ابزار در تحلیل تکنیکال بازارهای مالی، به‌ویژه بورس و فارکس، برای پیش‌بینی سطوح حمایت و مقاومت قیمت‌ها به‌کار می‌رود. معامله‌گران با ترسیم خطوط فیبوناچی روی نمودارهای قیمت، نقاط احتمالی بازگشت یا ادامه روند را شناسایی می‌کنند. این روش بر پایه الگوهای ریاضی و رفتار روان‌شناختی بازار استوار است. هرچند فیبوناچی ابزار محبوبی است، اما دقت آن به عوامل بازار و تجربه تحلیلگر بستگی دارد. استفاده از آن نیازمند دانش و تمرین است.



منهای نفت

آلو قطره طلا

آلو قطره طلا، یکی از محصولات کشاورزی برجسته ایران، به‌دلیل کیفیت و تقاضای جهانی، جایگاه ویژه‌ای در صادرات غیرنفتی دارد. آلو قطره طلا به‌دلیل رنگ زرد مایل به طلایی، بافت نرم و طعم شیرین، در بازارهای میوه تازه‌خوری و صنایع تبدیلی از جمله تولید لواشک، مربا و خشکبار، طرفداران بسیاری دارد. در سال ۱۴۰۳، ایران حدود ۵۰ هزار تن آلو قطره طلا صادر کرد که نسبت به سال گذشته (۴۵ هزار تن) رشدی ۱۱ درصدی نشان می‌دهد. این صادرات با ارزش تقریبی ۷۰ میلیون دلار، ارزآوری قابل توجهی برای کشور به‌همراه داشت. کشورهای ارمنستان، آذربایجان، روسیه و چین از مقاصد اصلی این محصول هستند.

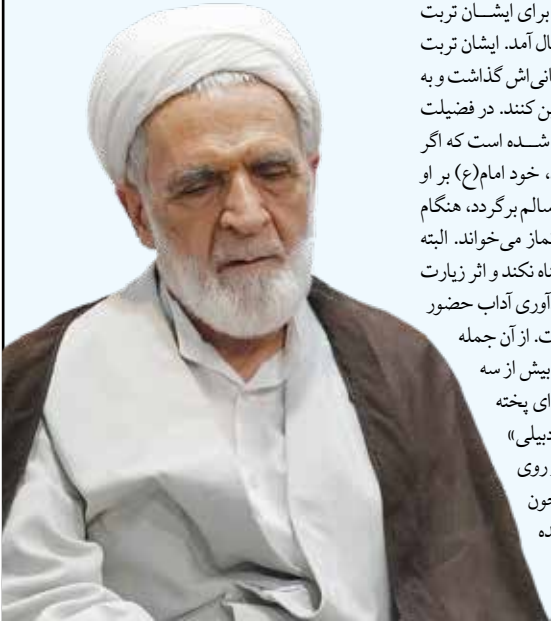


نور مجالس امام حسین^(ع) را از دست ندهیم

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی مجاهدی**

پیراهن برای امام صادق(ع) دوخت. خیاط یکی از پیراهن‌ها را با سلام بر ایشان و دیگری را با لعن بر دشمنان‌شان دوخت. امام(ع) پیراهنی را که با لعن بر دشمنان دوخته شده بود، ترجیح دادند. نکته بسیار مهم دیگر، در باب زیارت جامعه کبیره و اهمیت آن است. نقل است از عالمی که هنگام خواندن زیارت عاشورا، امام زمان(عج) را دید که به زیارت او گوش می‌دهد. در ادامه بحث زیبایی درباره احترام و استفاده از تربت امام حسین(ع) مطرح می‌شود. براساس روایت، تربت باید در جایی مقدس و محترم نگهداری شود، نه اینکه مثلاً در خورجین الاغ قرار بگیرد. نکته جالب این است که نباید برای آزمایش و تجربه از تربت استفاده کرد. اعتقاد قلبی در تأثیر تربت بسیار مهم است. با اعتقاد واقعی، تربت امام حسین(ع) قدرت شکافتن هفت آسمان را دارد. نقل است به امام صادق(ع) گفتند، تربت اثر نمی‌کند. ایشان فرمودند: تربت قفل و کلیدی دارد. کلید آن، خواندن دعای مخصوصی است که در آن از خداوند به حق این تربت درخواست می‌شود. همچنین باید هفت‌بار سوره «انا انزلناه» را بخوانند. راوی می‌گوید وقتی

این کار را انجام داد، اثر تربت را دید. داستان تأثیرگذار دیگری درباره احترام امام صادق(ع) به تربت امام حسین(ع) نقل شده است. وقتی زائری از کربلا برای ایشان تربت آورد، امام(ع) پابرهنه به استقبال آمد. ایشان تربت را بوسید و بر چشم و پیشانی‌اش گذاشت و به دیگران نیز توصیه کرد، چنین کنند. در فضیلت زیارت امام حسین(ع) ذکر شده است که اگر کسی در این سفر فوت کند، خود امام(ع) بر او نماز می‌خواند. حتی اگر زائر سالم برگردد، هنگام مرگش امام حسین(ع) بر او نماز می‌خواند. البته بشرطی که پس از زیارت، گناه نکند و اثر زیارت را از بین نبرد. همچنین در یادآوری آداب حضور در کربلا روایاتی بیان شده است. از آن جمله روایتی است که می‌گوید: «بیش از سه روز در کربلا نمانید و غذای پخته نخورید.» از «محدث اردبیلی» داستانی نقل است که ایشان از روی حیا در کربلا آب نمی‌خورد؛ چون امام حسین(ع) تشنه شهید شده بود. مبادا با گناه و دل‌بستگی به



امام علی(ع) می‌فرمایند: «اولین واجب بر انسان، شکر نعمت‌های الهی و طلب رضایت خداوند است.» ایشان نعمت‌های الهی را چنین برمی‌شمارند: نعمت سلامتی بدن که هر جزء آن شکر مخصوص به خود را دارد. نعمت عقل که برتر از سلامتی است و بدون آن انسان بهره‌ای از زندگی نمی‌برد. نعمت دین سالم که برتر از دو نعمت قبلی است و نعمت ولایت که ولایت اهل بیت(ع) است. در روایتی نقل است که اگر کسی تمام عمرش را به عبادت بگذراند اما ولایت اهل بیت(ع) را نداشته باشد، هیچ بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت. حتی اگر عمر نوح(ع) را داشته باشد و همواره روزها را روزه بوده و نماز بخواند و حج به‌جا آورد، بدون ولایت اهل بیت(ع) هیچ ندارد. شخصی نزد امام صادق(ع) از فقر، شکایت کرد. امام(ع) از او پرسید: «آیا حاضری محبت ما را بدهی و تمام دنیا را بگیری؟» آن شخص متوجه عظمت نعمت ولایت شد و گفت: «نه، حاضر نیستم.» در زیارت عاشورا اشاره می‌شود که: «من به خدا و رسولش تقرب می‌جویم و از دشمنان شما برانت می‌جویم.» در روایت است که خیاطی دو



امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل حیاتی در اسلام هستند که همچون دو بال برای پرواز جامعه به‌سوی سعادت عمل می‌کنند. این دو فریضه، تنها به‌منزله دستوراتی فردی مطرح نیستند، بلکه سازکارهایی اجتماعی برای حفظ، نشر و توسعه ارزش‌های الهی و انسانی محسوب می‌شوند. در حقیقت، می‌توان گفت که امر به معروف، ضامن بقای ارزش‌ها و نهی از منکر، مانع نابودی آن‌هاست. این دو اصل در کنار هم، جامعه را از سقوط اخلاقی، انحطاط فرهنگی و اضمحلال معنوی نجات می‌دهند. امر به معروف، فراتر از یک توصیه اخلاقی ساده، یک مسئولیت اجتماعی و دینی است که در سطوح گوناگونی قابل اجرا و پیگیری است. هر فرد مسلمان موظف است ابتدا خود را به ارزش‌های الهی آراسته کند و سپس دیگران را به رعایت این ارزش‌ها دعوت کند. این همان معنای حدیث مشهور «کونوا دُعاةً للناس بغير ألسنتکم»؛ مردم را با غیر زبان خود (یعنی با عمل) دعوت کنید، است. پس بعد فردی در موضوع امر به معروف حائز اهمیت است. پس از بعد فردی، بعد اجتماعی این موضوع قابل ذکر است. امر به معروف

در سطح جامعه، به‌معنای ایجاد گفتمانی است که در آن ارزش‌هایی مانند عدالت، صداقت، اماونداری، احترام به حقوق دیگران و مقاومت در برابر ظلم و... نهادینه شود. این کار از راه‌های گوناگون هم قابل اجراسـت و هم قابل پیگیری؛ یعنی اینکه همه مردم به امر به معروف با نگاه تکلیف و وظیفه که می‌تواند به سلامت روحی، فردی، اجتماعی، مادی و معنوی نگاه کنند، نیازمند کار آموزشی، تربیتی و فرهنگی است. اگر هر فردی از افراد جامعه خود را اصلاح کند، بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه خود به خود حل می‌شود. مثلاً جامعه‌ای تصمیم بگیرد در مسائل زیست محیطی، نکات لازم را رعایت کند. این تصمیم جمعی خودبه‌خود می‌تواند جامعه را از صدمات زیست محیطی محفوظ نگاه دارد. در کنار این یک موضوع موضوعات دیگر هم می‌توانند تحت‌الشعاع قرار گرفته و آنان را هم اصلاح کند. در کنار آموزش و فرهنگ‌سازی، حاکمان حکومت اسلامی موظفند با وضع قوانین عادلانه و اجرای صحیح آنها، زمینه را برای ترویج ارزش‌های الهی فراهم کنند. اگر جامعه نتواند خود را به عمل به ارزش‌ها موظف کند، ارزش‌ها به‌تدریج به حاشیه رانده می‌شوند و مشکلات بسیار زیادی را ایجاد می‌کند.

برای آنکه امر به معروف بتواند به «توسعه ارزش‌ها» بینجامد، باید به شیوه‌های مؤثر و حکیمانه عمل کرد. با توجه به اینکه برخی از

مردم به‌دلیل ناآگاهی، ارزش‌های الهی را نادیده می‌گیرند. باید با روش‌های گوناگون آموزشی، ارزش‌ها را به جامعه معرفی و آن را نهادینه کرد. یعنی ارزش‌ها باید شناسانده شود و از تحریف و تقلب هم دور بماند. در خصوص تعمیق ارزش‌ها در جامعه باید قبول کنیم که مردم بیش از آنکه از گفتار متأثر شوند، از رفتار الگوهای‌شان تأثیر می‌گیرند. اگر بزرگان جامعه و افراد تأثیرگذار، خود عامل به ارزش‌ها باشند، مردم نیز از آنان پیروی خواهند کرد. نمونه این الگودهی انمه معصومین(ع) هستند که در طول تاریخ ارزش‌ها را با وجود نورانی خود حفظ کردند. مردم و حاکمان هم باید با توجه به این الگوهای کامل و الهی، خود را مقید به نشر، توسعه و دفاع ار ارزش‌ها کنند. گاهی حفظ ارزش‌ها نیازمند مقابله با جریان‌های فساد و انحراف است. سکوت در برابر منکرات، به‌معنای تقویت آن‌هاست. قیام امام حسین(ع) را می‌توان نمونه‌ای بی‌نظیر از امر به معروف و نهی از منکر در تاریخ اسلام دانست. در دوره‌ای که حکومت اموی، اسلام را به نام حفظ کرده بود. اما در عمل، آن را تحریف می‌کرد. امام حسین(ع) با قیام خود نشان داد که سکوت در برابر ظلم، خیانت به دین است. امام حسین(ع) در مقابل حکومت یزید ایستاد، زیرا یزید نماد شرک، فساد و ظلم بود. قیام عاشورا به جهانیان نشان داد که اسلام واقعی، اسلام عدالت و آزادی است، نه اسلام

تحریف‌شده بنی‌امیه. این اتفاق در وضعیتی رخ داد که ترس و سزاش‌بر جامعه حاکم شده بود. امام حسین(ع) ثابت کردند که گاهی حفظ ارزش‌ها، از جان انسان مهم‌تر است. همچنین امام(ع) به مردم یادآوری فرمود که در برابر ظلم نباید سکوت کرد، حتی اگر هزینه آن جان باشد. امام حسین(ع) در مسیر قیام خود، فداکاری‌های بی‌نظیری انجام داد که هر کدام درس بزرگی برای امت اسلامی است. امام(ع) حاضر نشد حتی برای حفظ جان خود، با حاکم فاسد بیعت کند. این کار او نشان داد که ارزش‌های الهی قابل معامله نیستند. از مدینه تا کربلا، امام در مناظرات و خطبه‌های خود، مردم را از خطر حکومت یزید آگاه کرد. وقتی حضرت اباعبدالله(ع) در روز عاشورا، در اوج درگیری‌ها، امام و یارانش نماز خواندند بر این موضوع تأکید فرمودند که حتی در جنگ هم باید به اعمال دینی و شرعی و ارزش‌های دینی پایبند بود.

عاشورا فقط یک قیام سیاسی نبود، بلکه حرکتی بود برای زنده‌نگه داشتن اصل اسلام که یکی از آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر بود. امام حسین(ع) با شهادت خود ثابت کرد که اگر ارزش‌های الهی در خطر باشند، باید تا آخرین نفس ایستادگی کرد. اگر امر به معروف نبود، عاشورا هم نبود. ما نیز امروز در جامعه خود با چالش‌های اخلاقی و فرهنگی مواجهیم. اگر می‌خواهیم ارزش‌های اسلامی حفظ شود، باید از عاشورا درس بگیریم.

تاریخ نگار

غزوه خیبر

غزوه خیبر در محرم سال هفتم هجری در منطقه خیبر رخ داد، یهودیان خیبر پس از تبعید از مدینه، با قبایل دیگر علیه مسلمانان متحد شده بودند که این موضوع سبب شد پیامبر اسلام(ص) به همراه یارانش به قلعه‌های مستحکم خیبر، محل زندگی یهودیان بنی‌نضیر و متحدانشان حمله کند. خیبر به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع کشاورزی‌اش اهمیت داشت. در این غزوه مسلمانان غنایم قابل توجهی بدست آوردند، از جمله منطقه فدک و چند قلعه دیگر از آن رسول خدا(ص) شد. شجاعت و دلاوری امام علی(ع) در فتح قلعه خیبر برجسته بود به گونه‌ای که این پیروزی، قدرت مسلمانان را تثبیت کرد.



احکام

اطمینان مکلف!

پرسش: سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج، جدول‌های زمانی برای تعیین اوقات شرعی پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ تهیه می‌کنند. سؤال این است که تا چه حد می‌توان به این جدول‌ها اعتماد کرد؟

پاسخ: معیار در احراز دخول وقت، حصول اطمینان برای مکلف است و اگر برای او اطمینان به مطابقت این جدول‌ها با واقع حاصل نشود، باید احتیاط کرده و صبر کند تا به داخل شدن وقت شرعی یقین پیدا کند.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۳۵۰



سلوک

تربت شفا بخش

آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی: در جوانی که در نجف درس می‌خواندم؛ خانه کوچکی داشتم و خانمم در خانه روضه می‌گرفت. به خانمم گفتم این روضه مزاحم درس من است و روضه را به‌هم زدم. بعد از این ماجرا چشمم درد شدیدی گرفت و بینایی‌ام داشت از بین می‌رفت. هر چه معالجه کردم، خوب نشد. بعد از مدتی خانمم در خواب می‌بیند که به او می‌گویند: «شوهر شما، چون مجلس روضه را به‌هم زده است، کور می‌شود. به او بگو اگر از این کار پشیمان شده، توبه کند و برای شفا ی چشمش، تربت امام حسین(ع) را به چشمش بمالد.»



دین

شماره ۱۱۹۵ | دوشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۴

صداقت

آیه

بهبانه‌جویی مانع رشد جامعه

سید علی میرهادی

کارشناس علوم اسلامی

یکی از بزرگ‌ترین موانع در مسیر انجام وظایف و تکالیف الهی «بهبانه‌جویی» است. این پدیده ریشه‌ای عمیق در نفس انسان دارد و همواره در طول تاریخ، اقوام و افرادی بوده‌اند که به‌جای پذیرش مسئولیت، با طرح بهبانه‌های واهی از انجم وظایف الهی و انسانی خود طفره‌رفته‌اند. بهبانه‌جویی، نوعی فرار از مسئولیت است که نه‌تنها به زیان جامعه، بلکه در نهایت به ضرر خود فرد تمام می‌شود؛ زیرا او را از مسیر رشد، آرامش حقیقی و رضای الهی دور می‌سازد. قرآن کریم با نگاهی عمیق و دقیق، این موضوع را در موارد گوناگون بررسی کرده و با ذکر نمونه‌های تاریخی و آیاتی روشنگر، مؤمنان را از این رفتار ناپسند بر حذر داشته است. در قرآن، نمونه‌ای روشن از بهبانه‌جویی را در داستان قوم بنی‌اسرائیل می‌بینیم. هنگامی که به آنان فرمان داده شد گاوی را ذبح کنند، به‌جای اطاعت ساده و خالصانه، با پرسش‌های مکرر درباره سسن، رنگ و ویژگی‌های گاو، سعی در پیچیدسازی فرمان الهی داشتند. خداوند در سوره «بقره» این واقعۀ را چنین بیان می‌فرماید که وقتی حضرت موسی(ع) به قومش گفت: «خداوند به شما فرمان می‌دهد گاوی را ذبح کنید»؛ آنان پاسخ دادند: «آیا ما را به بازی گرفته‌ای؟» این برخورد نشان‌دهنده آن است که افراد بهبانه‌جو، حتی دستورات ساده الهی را با تردید، طعنه و تعلل پاسخ می‌دهند. پیام این داستان فراتر از یک ماجرای تاریخی، هشدار به همه انسان‌ها در هر عصر و زمانی است که مراقب باشند تا در برابر احکام و مسئولیت‌های الهی، به‌جای طفره رفتن، اهل «سمعنا و اطعنا» باشند. در سوره توبه، خداوند از منافقانی سخن می‌گوید که برای شرکت نکردن در جهاد، با عذرهای ظاهری و سخنان فریبنده، خود را کنار کشیدند و می‌گفتند: «ذَرْنَا نَكُفَّ مَعَ الْكَافِرِينَ»؛ ما را بگذارد، تا با آنهایی که باید در خانه بنشینند در خانه بنشینیم. در پشت این تفکر یک روحیه دنیاطلبی، راحت‌طلبی و بی‌تعهدی نهفته است. خداوند در ادامه می‌فرماید: «آنان به نشستن با بازماندگان از جهادراضی شدند و بر دل‌هایشان مهر زده شد، پس حقیقت را درک نمی‌کنند.» این آیه، بهبانه‌جویی را نه‌تنها یک رفتار اجتماعی منفی، بلکه نشانه‌ای از فساد قلبی و ناتوانی در درک حقایق معرفی می‌کند.انسان بهبانه‌جو، به‌جای ایستادگی و انجام وظیفه، دنبال راهی برای فرار است؛ حال آنکه مؤمن واقعی، حتی در سخت‌ترین وضعیت، لب‌به‌اعتراض و فرار نمی‌گشاید و با توکل بر خدا، وظیفه‌اش را انجام می‌دهد.

برخلاف افراد بهبانه‌جو، قرآن کریم چهره مؤمنان راستین را با عباراتی روشن و زیبا معرفی می‌کند. در سوره نور آمده است: «سخن مؤمنان وقتی به‌سوی خدا و رسولش فراخوانده شوند، تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم.»(نور/۵۱) در سوره «انفال»، دستور الهی به‌صورت مستقیم با فلسفه اطاعت گره می‌خورد: «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و رسول را پاسخ دهید، هنگامی‌که شما را به چیزی می‌خوانند که شما را زنده می‌گرداند.» این زنده کردن، تنها حیات جسمانی نیست؛ بلکه حیات روح، حیات عقل، و حیات انسانیت است. وظایف الهی، ابزارهایی برای زنده نگه‌داشتن انسان در مسیر رشد، عزت، استقلال و معنویت‌اند. بهبانه‌جویی، در حقیقت مرگ تدریجی روح انسانی است که فرد و جامعه را از شکوفایی بازمی‌دارد.



بازی با آتش!

سیدپویا هاشمی

روزنامه‌نگار

دوازده روز جنگ کافی بود تا واقعیتی که سال‌ها در لایه‌های تحلیل امنیتی پنهان مانده بود، به‌وضوح آشکار شود؛ واقعیتی که برخلاف نمایش‌های رسانه‌ای و ادعاهای رسمی، رژیم صهیونیستی را نه در میدان نظامی، بلکه در عمق ساختارهای اقتصادی و اجتماعی‌اش به لرزه انداخت.

پرونده‌ای که پیش روی شماسبت، تلاشی است برای ترسیم تصویری واقع‌بینانه از تبعات یک رویارویی مستقیم میان ایران و رژیم صهیونیستی؛ جنگی که برخلاف تمام محاسبات تل آویو، بیش از آنکه دستاورد راهبردی داشته باشد، هزینه‌ساز بود.

در گزارش نخست، به‌روشنی دیدیم که چگونه جنگی ۱۲ روزه، با فشار بر بودجه نظامی، سقوط بازار بورس، کاهش شدید گردشگری و فرار سرمایه، ساختار اقتصاد رژیم صهیونیستی را در هم فشرد. کارشناسان اقتصادی هشدار دادند که این جنگ، حتی اگر از نظر نظامی کوتاه بوده باشد، اثرات بلندمدت بر اعتماد عمومی، سرمایه‌گذاری و ثبات مالی خواهد گذاشت. سقوط ارزش شیکل و احتمال ورود اقتصاد رژیم صهیونیستی به‌دوره رکود، از جمله پیامدهایی است که‌نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران مستقل نیز بر آن صحه گذاشته‌اند. در گزارش دوم، تحلیل فضای رسانه‌ای صهیونیست‌ها و بازتاب دیدگاه تحلیلگران داخلی و خارجی نشان داد که افکار عمومی نیز به‌خوبی این هزینه‌ها را درک کرده است. گفتمان رسانه‌ها(چه منتقد، چه حامی دولت) دیگر نمی‌تواند تنها بر تهییج احساسات ملی تکیه کند. صدای ترس، تردید و نارضایتی از عمق جامعه رژیم صهیونیستی شنیده می‌شود؛ جامعه‌ای که می‌داند این بار نفع‌ها امنیت، بلکه معیشت و آینده‌اش در معرض خطر قرار گرفته است.

ما در تحریریه بر این باوریم که قدرت بازدارندگی امروز ایران، تنها ناشی از توان موشکی و پهپادی نیست؛ بلکه از توانایی آن در هزینه‌ساز کردن حمله برای دشمنانش سرچشمه می‌گیرد. در این نبرد، رژیم صهیونیستی تنها یک قدرت منطقه‌ای را هدف نگرفت، بلکه بشکه‌های باروت اقتصادش را نیز روشن کرد.

اگر تل آویو در سال‌های گذشته با حمایت بی‌قیدوشرط غرب، خود را مصون از تبعات نظامی و اقتصادی تصور می‌کرد، امروز باید با واقعیت جدیدی روبه‌رو شود:

جنگ با ایران، جنگی نیست که فقط در آسمان و زمین رقم بخورد؛ این جنگ ممکن است رژیم صهیونیستی را از درون فرسوده کند. ما در پایان این پرونده هشدار می‌دهیم که ساده‌انگاری درباره هزینه‌های جنگ، چه در سطح رسانه‌ای و چه در سطح تصمیم‌گیری سیاسی، می‌تواند به سیاست‌هایی بینجامد که ثبات یک کشور را قربانی خیال‌پروزی کند. رژیم صهیونیستی از این جنگ، نه‌تنها با زخم‌های امنیتی، بلکه با دردهایی در پیکره اقتصاد خود بازگشته است؛ دردهایی که در مان آنها شاید سال‌ها زمان ببرد، البته اگر اساساً در مان پذیر باشد.

درگیری بی‌سابقه‌ای که میان ایران و رژیم صهیونیستی شعله‌ور شده، علاوه بر پیامدهای امنیتی و روانی، تبعات اقتصادی گسترده‌ای را برای ساختار شکننده اقتصاد رژیم صهیونیستی به‌بار آورده است. برآوردهای اولیه منابع رسمی و رسانه‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد تنها طی ده روز نخست جنگ، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم از مجموع خسارات اقتصادی در جنگ‌های گذشته علیه غزه فراتر رفته است. براساس گزارش نشریه اقتصادی معتبر «دمارک» در همان ده روز ابتدایی حملات موشکی و پهپادی ایران، بیش از ۵ میلیارد شکل (تقریباً ۱/۴۴ میلیارد دلار) خسارت به زیرساخت‌های حیاتی، فعالیت شرکت‌ها و روند تجارت وارد شده است. این برآوردها تنها هزینه‌های مستقیم ووقفه‌های اقتصادی در صنایع حیاتی، بورس تل آویو، بخش گردشگری و حمل‌ونقل را شامل می‌شود و تبعات بلندمدت را در نظر نمی‌گیرد.

در قیاس تاریخی، جنگ‌های رژیم صهیونیستی با گروه‌های مقاومت فلسطینی در غزه معمولاً خساراتی در حدود چندصد میلیون دلار برجا می‌گذاشتند. برای نمونه، در جنگ ۲۱ ماهه اخیر علیه نوار غزه که با بمباران گسترده و محاصره دریایی همراه بود، مجموع خسارات اقتصادی چیزی حدود ۲/۵ میلیارد شکل (۷۲۰ میلیون دلار) تخمین زده شد. مقایسه این دورقم نشان می‌دهد ابعاد اقتصادی جنگ مستقیم با یک قدرت منطقه‌ای مانند ایران تا چه اندازه متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی است. رژیم صهیونیستی پیش از آغاز این جنگ، در بودجه مصوب سالانه خود، کسری بودجه‌ای حدود ۸ درصد تولید ناخالص داخلی را برای سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی کرده بود. این رقم نیز نسبت به استانداردهای اقتصادهای توسعه‌یافته، عدد بالایی محسوب می‌شود. بخش اعظم این کسری، ناشی از هزینه‌های عملیات‌های نظامی در غزه، کمک‌های اجتماعی به ساکنان مناطق پیرامونی و افزایش بودجه

امنیت داخلی بود. حالا با ورود مستقیم ایران به معادله و افزایش خسارات به زیرساخت‌های حیاتی و بخش خصوصی، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این کسری بودجه تا پایان سال جاری میلادی به محدوده ۱۰ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کند.

از منظر بازار کار و شاخص‌های بورس، شاخص تل آویو ۳۵ که از مهم‌ترین نمابرهای سهام در رژیم صهیونی محسوب می‌شود، در دو هفته نخست جنگ حدود ۷/۸ درصد افت را تجربه کرد. این افت ارزش سهام معادل میلیاردها دلار کاهش دارایی‌های مالی شهروندان و صندوق‌های بازنشستگی بود. همچنین هزاران کارمند صنایع نظامی و فناوری به‌دلیل تخلیه مناطق پرخطر یا توقف پروژه‌ها در وضعیت تعلیق کاری یا کاهش ساعات فعالیت قرار گرفته‌اند.

نشریات دیگر مانند «کالکالیست» نیز هشدار داده‌اند اگر این روند ادامه یابد، سال ۲۰۲۵ به یکی از پرهزینه‌ترین سال‌های تاریخ اقتصادی رژیم صهیونی تبدیل خواهد شد؛ چراکه علاوه بر هزینه‌های جنگی، کاهش اعتبار بین‌المللی و تزلزل سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز تشدید خواهد شد. برای بررسی دقیق‌تر ابعاد این بحران اقتصادی، به‌سراغ «منصور براتی» کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی رفتیم.

لطفاً بفرمایید خسارات اقتصادی رژیم صهیونیستی از سوی رسانه‌ها چگونه محاسبه شده است و چه ابعادی از اقتصاد رژیم صهیونی را دربرمی‌گیرد؟

براساس ارزیابی‌های اخیر، ابعاد اقتصادی این درگیری برای رژیم صهیونیستی، روزبه‌روز آشکارتر می‌شود. همان‌طور که نشریه «دمارک» گزارش داده است، این رقم حدود ۵ میلیارد شکل شامل هزینه‌های ناشی از تعطیلی خطوط تولید صنایع فناوری و نظامی، خسارت‌های مستقیم حملات

موشکی به تأسیسات انرژی و حمل‌ونقل، هزینه‌های تخلیه ساکنان مناطق شمالی و جنوبی، و همچنین خسارات ناشی از افت ارزش سهام شرکت‌های بزرگ است. البته این محاسبات موقتی است و در صورت ادامه جنگ، قطعاً ارقام بزرگ‌تری منتشر خواهد شد.

برخی تحلیلگران گفته‌اند این خسارات در مقایسه با جنگ‌های گذشته در غزه، ابعاد چند برابری دارد. شما این مقایسه را چگونه می‌بینید؟

برای درک بهتر اهمیت این عدد، باید اشاره کنم که در جنگ ۲۱ ماهه رژیم صهیونی با گروه‌های مقاومت فلسطینی در نوار غزه، مجموع خسارات اقتصادی چیزی نزدیک به ۲/۵ میلیارد شکل (۷۲۰ میلیون دلار) بود؛ یعنی فقط در همین ده روز نخست، آسیب‌های اقتصادی ناشی از حملات ایران تقریباً دو برابر کل هزینه‌های جنگ طولانی غزه برای رژیم صهیونیستی بوده است. این مسئله یک پیام روشن دارد: رژیم صهیونی در مواجهه با یک قدرت نظامی منطقه‌ای، ظرفیت تحمل خسارت‌های اقتصادی و روانی بسیار محدودتری دارد.

در مورد کسری بودجه و فشار مالی بهرژیم صهیونیستی چه پیش‌بینی دارید؟

نکته قابل تأمل این است که براساس بودجه سالانه رژیم صهیونیستی که چند ماه قبل در کنست تصویب شد، کسری بودجه حدود ۸ درصد تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده بود. این رقم خودش یک بحران بودجه‌ای محسوب می‌شود. اما حالا با تشدید درگیری با ایران و افزایش شدید خسارات اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود که کسری بودجه تا پایان سال ۲۰۲۵ از ۱۰ درصد عبور کند و حتی به ۱۵ درصد نزدیک شود. اگر جنگ ادامه یابد و نیاز به بسیج عمومی و پرداخت غرامت به بخش

منصور براتی، کارشناس مسائل رژیم صهیونی در گفت‌وگو با صبح صادق

فرا‌تر از یک بحران!

خصوصی باشد، عددی فرا‌تر از این هم قابل تصور است.

این کسری بودجه چه تأثیری روی زندگی مردم عادی رژیم صهیونی خواهد داشت؟

به‌طور مستقیم سبب فشار توری می‌شود. دولت مجبور است یا مالیات‌ها را افزایش دهد یا اوراق قرضه منتشر کند؛ در هر دو حالت هزینه زندگی بالا می‌رود و فشار اقتصادی به طبقه متوسط افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، جذب سرمایه‌گذاری خارجی هم تضعیف می‌شود، چون سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند پول خود را از مناطق پرریسک خارج کنند.

آیا این بحران می‌تواند بر محاسبات نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی تأثیر بگذارد؟

بدون تردید. تاریخ نشان داده است که قدرت اقتصادی یک کشور در ادامه یا توقف جنگ تأثیر اساسی دارد. در وضعیتی که بودجه نظامی بیش از حد بزرگ شود و کسری بودجه مزمن شود، ادامه جنگ به یک معضل سیاسی داخلی تبدیل خواهد شد. به همین دلیل است که برخی تحلیلگران صهیونیست معتقدند؛ اگر روند خسارات ادامه یابد، رژیم صهیونی ممکن است در ماه‌های آینده با فشار اجتماعی و اعتراضات گسترده مواجه شود.

ابعاد اقتصادی این درگیری، همان‌طورکه رسانه‌های عبری زبان هم اعتراف کرده‌اند، فراتر از یک بحران مقطعی است. رژیمی که طی سال‌ها تلاش کرده تصویری باثبات از اقتصاد خود نشان دهد، حالا با تهدیدی روبه‌روست که می‌تواند هم سرمایه‌گذاری‌های خارجی را تضعیف کند و هم شاخص‌های کلان اقتصادش را تا مرز بحران ببرد.

رسانه‌های صهیونی درباره جنگ چه می‌گویند؟

چتم‌هاوس لندن: «در عصر پسا-جنگ، رژیم صهیونیستی نه‌تنها نیاز به بازایی مالی دارد، بلکه باید افکار عمومی داخلی را نسبت به توانایی دولت برای حفظ ثبات اقتصادی متقاعد کند. چالش بزرگ‌تر، نه در میدان، بلکه در ذهن مردم است.»

نگرانی از ناآرامی‌های اجتماعی و ریزش سرمایه اجتماعی

در گزارش‌هایی که رسانه‌های صهیونیستی منتشر کرده‌اند، به‌ویژه در میان قشر دانشگاهی و کارشناسان، یک نگرانی مشترک وجود دارد: «فرسایش سرمایه‌اجتماعی.»

رسانه‌هایی مانند «ماکور ریشون» و «یسرائل هیوم» به موج انتقادات مردم از ناتوانی دولت در کنترل بازار، کاهش یارانه‌ها، افزایش قیمت سوخت و گرانی کالا‌های اساسی اشاره کرده‌اند.

در محله‌های کارگری تل آویو و اورشلیم، تجمعات اعتراضی کوچک اما قابل‌توجهی شکل گرفته و نگرانی از افزایش «مهاجرت معکوس» (یعنی خروج متخصصان، مهندسان و نیروهای فناوری به اروپا و آمریکا) به موضوعی جدی در روزنامه‌ها تبدیل شده است.

نتیجہ‌گیری

بازتاب رسانه‌ای جنگ ۱۲ روزه با ایران در رژیم صهیونیستی، تصویری پندلایه و پیچیده از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که درگیر ترس، تردید و امید است. گفتمان رسانه‌ها، اگر چه از نظر سیاسی متفاوت است، اما در یک نقطه به اشتراک می‌رسد؛ جنگ، بی‌هزینه نبود. چه از نظر روانی، چه از منظر اقتصادی.

تحلیلگران داخلی و خارجی هم‌صدا معتقدند که ادامه این روند می‌تواند به افت بیشتر شاخص‌های اقتصادی، رشد منفی، خروج سرمایه و کاهش برقرار شده، اما آتش بحران اقتصادی و اجتماعی در داخل رژیم صهیونیستی هنوز خاموش نشده است. شاید جنگ در میدان پایان یافته باشد، اما جنگی جدید در قلب اقتصاد و روان جامعه رژیم صهیونیستی آغاز شده است؛ جنگی که پیروز آن، نه ارتش، بلکه اعتماد عمومی، مدیریت بحران و ثبات اجتماعی خواهد بود.

نظرات تحلیلگران داخلی درباره تبعات اقتصادی و امنیتی

دکتر «آری گلدشتاین» استاد اقتصاد در دانشگاه عبری اورشلیم، در مصاحبه‌ای با کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی گفت: «این جنگ از نظر مالی بزرگ‌ترین بحران امنیتی تاریخ رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۲۰۰۶ بود. ما با کاهش سرمایه‌گذاری، رشد منفی و کسری بودجه در مقیاس غیرقابل پیش‌بینی مواجهیم. نباید فراموش کنیم که «شیکل» تنها واحد پول نیست؛ بلکه شاخص اعتماد به ساختار سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی است. «رون برگمن» روزنامه‌نگار نظامی و تحلیلگر اطلاعاتی در روزنامه «یدیעות آحارونوت» نیز در یادداشتی نوشت: «ارتش از نظر تاکتیکی شاید موفق بوده باشد، اما جامعه رژیم صهیونیستی از نظر روانی و اقتصادی در این جنگ آسیب جدی دیده است. ما باید صداقتانه بپذیریم که رویارویی مستقیم با ایران، اگر چه اجتناب‌ناپذیر بود. اما ما را از درون فرسوده کرده است.»

تحلیلگران اقتصادی خارجی چه می‌گویند؟

تحلیلگران بین‌المللی نیز نگاه نگران‌کننده‌ای نسبت به پیامدهای اقتصادی این جنگ برای رژیم صهیونیستی دارند.

«مارک توماس» اقتصاددان ارشد مؤسسه بروکینگز: «رژیم صهیونیستی با مخارج نظامی جدید، افزایش بدهی عمومی و کاهش صادرات فناوری روبه‌روست. ششوک اقتصادی حاصل از جنگ با ایران، با فشار بر بازار املاک، اشتغال و کاهش ارزش شیکل می‌تواند روند رشد اقتصادی را برای دو تا سه سال متوقف کند.»

«لورا میشل» تحلیلگر بانک جهانی در منطقه خاورمیانه: «سقوط شاخص بورس تل آویو و خروج سرمایه از صندوق‌های فناوری رژیم صهیونیستی، نشانه‌هایی است از اینکه سرمایه‌گذاران به این کشور به چشم یک اقتصاد باثبات نگاه نمی‌کنند. اگر رژیم صهیونیستی نتواند ظرف ۶ ماه وضعیت اقتصادی را کنترل کند، با کاهش رتبه اعتباری بین‌المللی مواجه خواهد شد.»

«پتر جنکینز» پژوهشگر امنیت اقتصادی در

تل آویو در کمتر از دو هفته و سقوط ارزش شیکل به پایین‌ترین سطح در چهار سال اخیر، نشان‌دهنده آسیب‌پذیری اقتصادی شدید رژیم صهیونیستی در برابر جنگ‌های تمام‌عیار است.»

در مقابل، «جروزالم‌پست» که به گرایش‌های محافظه‌کار و حامی دولت نزدیک است، در روزهای نخست جنگ با تیره‌هایی چون «ایران را سر جایش نشان‌دیم» و «قدرت‌بازداندگی ارتش اسرائیل بازایی شد» سعی در تهییج افکار عمومی داشت. با این حال، در سرمقاله ۲ روز پس از آتش‌بس، این روزنامه نیز اعتراف کرد: «بازارهای ما نیاز به ترمیم فوری دارند و دولت باید برنامه‌ای برای جبران خسارات اقتصادی و حفظ انسجام اجتماعی ارائه دهد.»

گفتمان غالب در رسانه‌های رژیم صهیونیستی: ترس، تردید یا تهییج؟

تحلیل محتوای رسانه‌های اصلی عبری‌زبان نشان می‌دهد که سه گفتمان عمده در حال شکل‌گیری است:

۱- **گفتمان «ترس»**

این گفتمان بیشتر در رسانه‌های مستقل و نخبگانی دیده می‌شود. تأکید آن بر شکنندگی اقتصادی، امکان گسترش ناآرامی‌های داخلی و ضعف راهبردی دولت در مواجهه با تهدیدهای چندجانبه است. واژه‌هایی مانند «آسیب‌پذیری»، «خطر دوجبهه‌ای»، «فرار سرمایه» و «بی‌اعتمادی عمومی» در این روایت پررنگ‌ند.

۲- **گفتمان «تردید»**

این روایت در رسانه‌هایی دیده می‌شود که نگران کارایی نظام تصمیم‌گیری هستند. آیا واقعاً دولت «تانیاهو» به‌درستی ارزیابی کرده بود که جنگ مستقیم با ایران به سود رژیم صهیونیستی خواهد بود؟ یا اینکه این جنگ، تنها محصول فشار داخلی، تنش‌های سیاسی یا بحران‌های ساختاری امنیتی بوده است؟

۳- **گفتمان «تهییج»**

این گفتمان در رسانه‌های راست‌گرا و حامی دولت دیده می‌شود. آنها تلاش دارند پیروزی نظامی یا نمادین را برجسته کنند و افکار عمومی را با ادبیاتی چون «بازدارندگی احیاشده» یا «هزینه‌سازی برای ایران» آرام نگه دارند. اما حتی این رسانه‌ها هم از طرح مسئله بحران اقتصادی عاجز نمانده‌اند.

بررسی آثار اقتصادی جنگ ۱۲ روزه برای رژیم صهیونی در گفت‌وگو با حسام فتحی، کارشناس اقتصادی

آنجا دیگر نمی‌شود سرمایه گذاری کرد!



علیه زیرساخت‌های اقتصادی رژیم صهیونی نه‌تنها توازن روانی بازار سرمایه را برهم زد، بلکه آشکار ساخت رژیم صهیونیستی برای مدیریت یک درگیری تمام‌عبار آمادگی کافی ندارد. خسارات زیرساختی، توقف بنادر و سقوط مصرف خانوار، تنها بخشی از این پیامدها بود. موج خروج سرمایه و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران نیز اثرات بلندمدتی خواهد داشت که حتی در صورت پایان سریع جنگ، سال‌ها باقی می‌ماند.

از سوی دیگر، این وضعیت هشدار ی جدی برای ایران محسوب می‌شود؛ توسعه ظرفیت تولید داخلی، کاهش وابستگی به واردات و تقویت زیرساخت‌های مقاومتی تنها مسیر افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور در مواجهه با بحران‌های احتمالی آینده است. دولت آقای «پزشکیان» با چالشی رویه‌روست که نمی‌توان آن را با شعار یا بهانه‌تراشی پشت سر گذاشت: ضرورت واقعی‌سازی اقتصاد مقاومتی. تجربه بحران رژیم صهیونیستی نشان داد هر ساختاری که به واردات، سرمایه خارجی و زنجیره‌های تأمین بیرونی وابسته باشد، در برابر فشارهای ترکیبی نظامی و اقتصادی دوام نمی‌آورد. امروز دیگر زمان تعارف نیست؛ اگر دولت بخواند تاب‌آوری کشور را افزایش دهد، باید از همین حالا زیرساخت‌های تولید داخل، امنیت غذایی، انرژی جایگزین و شفافیت مالی را به‌طور عملیاتی تقویت کند. هر تأخیر و اهمالی در این مسیر، در آینده بهایی به‌مراتب سنگین‌تر از تحریم‌های امروز خواهد داشت.

هزینه‌های جنگ غزه و کمک به مناطق مرزی، کسری بودجه را به حدود ۷ درصد تولید ناخالص داخلی رسانده بود. حالا با حملات ایران، احتمالاً این رقم تا ۱۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. این سطح کسری برای یک اقتصاد کوچک و پرریسک بسیار سنگین است و دولت ناچار خواهد شد با مالیات‌ها را افزایش دهد یا اوراق قرضه بیشتری منتشر کند. هر دو گزینه هم در بلندمدت فشار تورمی شدیدی ایجاد می‌کند. کمک‌های آمریکا شاید نقدینگی کوتاه‌مدت بیاورد، اما قادر نیست خسارات روانی، کاهش مصرف داخلی و رکود بخش خصوصی را جبران کند.

به‌نظر شما چشم‌انداز بازسازی اقتصادی رژیم صهیونی بعد از این بحران چگونه است؟

بازسازی تا حدی امکان‌پذیر است. اما پرسش اصلی این است که چه بهایی باید پرداخت شود؟ اگر درگیری طولانی یا تکراری باشد، روند بازسازی هم دائماً فرسوده می‌شود. نمی‌توان هم‌زمان در حال بازسازی بود و ماهانه میلیارد‌ها دلار خسارت جدید ثبت کرد. به اعتقاد من، مهم‌ترین پیامد این حملات این بود که برخلاف ادعاهای رسمی، نشان داد اقتصاد رژیم صهیونیستی مقاومتی بالا در برابر بحران‌های منطقه‌ای ندارد و آنچه رسانه‌های غربی به‌منزله استحکام معرفی می‌کنند، در عمل بسیار شکننده‌تر است.

به گزارش صبح صادق، حملات مستقیم ایران

دادند و به انتقال پروژه‌ها به «قبرس» یا «یونان» فکر کردند. این واکنش‌ها به‌وضوح شکنندگی ساختاری اقتصاد رژیم صهیونیستی را نشان داد. سومین حوزه، گردشگری و خدمات است که با هر موج تهدید یا حمله تقریباً متوقف می‌شود. در همین جنگ، از هفته دوم تقریباً همه پروازهای توریستی لغو شد و زبان سنگینی به این بخش وارد آمد.

از نظر شما این بحران چه تأثیری بر نگاه سرمایه‌گذاران به رژیم صهیونی داشته است؟

شاید مهم‌ترین دستاورد این حملات همین اثر روانی بود. رژیم صهیونیستی سال‌ها تلاش می‌کرد در ذهن سرمایه‌گذاران جهانی، تصویری باثبات ایجاد کند. اما در گزارش‌های «آینینشال تایمز» و «نیویورک تایمز» دیدیم که این‌یار تحلیلگران غربی هشدار دادند: «درگیری با ایران نه‌تنها امنیت اسرائیل، بلکه امنیت سرمایه‌گذاری را هم زیر سؤال برده است.» این تغییر تصویر سبب شد حتی اگر جنگ کوتاه باشد، موجی از بی‌اعتمادی ایجاد شود و سرمایه‌گذاران پروژه‌های خود را متوقف یا به کشورهای همسایه منتقل کنند. این فرآیند شاید از خود موشک‌ها خطرناک‌تر باشد، زیرا بنیان‌های اقتصادی را متزلزل می‌کند.

درباره وضعیت مالی رژیم صهیونی چه ارزیابی دارید؟ هزینه‌های این درگیری چقدر فشار بودجه‌ای ایجاد کرده است؟

حتی در حالت عادی، رژیم صهیونیستی با کسری بودجه بالا رویه‌رو بود. در دو سال اخیر،

مصرف خانوار سقوط کرد. این رکود، همراه با اختلال تأمین کالا و ترس از ادامه درگیری، موجی از کسادی در خرده‌فروشی و خدمات ایجاد کرد. سومین ضربه، اثر روانی بر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بود. اگر چه برخی شاخص‌های بورس به‌طور موقت رشد کردند، اما بسیاری سرمایه‌های خود را یا نقد کردند یا به ارزهای خارجی تبدیل کر کردند. این همان چیزی است که اقتصاددانان «فرار سرمایه پنهان» می‌نامند.

در همین دوره زمانی، شاخص‌های بورس رژیم صهیونی نوساناتی داشته‌اند. چه عواملی بر این تحولات اثر گذار بوده‌اند؟

این وضعیت در اقتصادهای بحران‌زده سابقه دارد. دلیل اصلی آن ورود نقدینگی گسترده از سوی دولت آمریکا و صندوق‌های حامی صنایع دفاعی بود. جنگ سبب شد قراردادهای چندمیلیارد دلاری صنایع نظامی و فناوری امنیتی بسته شود و انتظار رشد درآمد این شرکت‌ها شکل بگیرد. اما این فقط سطح ماجراست. اگر عمیق‌تر نگاه کنیم، بخش عمده شرکت‌های خدماتی و صنایع کوچک که در شاخص‌های بورس حضور ندارند، هم‌زمان دچار سقوط فروش و افزایش هزینه شدند. به این ترتیب، بورس در عمل به «جزیره‌ای مصنوعی» تبدیل شد که ظاهراً رشد داشت، اما بقیه ارکان اقتصاد در رکود شدید فرو رفته بودند. البته میزان دقیق آسیب را نمی‌توان با عدد مشخص بیان کرد. برخی گزارش‌های رسانه‌های رژیم اعدادی در حدود ۵ میلیارد دلار یا حتی بالاتر برای کل هزینه‌های دفاعی و اختلال اقتصادی تخمین زده‌اند، اما برآوردها بسیار متفاوتند و رقم ثابت نیست. این عدد بیشتر یک تخمین بر مبنای ارزیابی تحلیلگران است تا یک آمار رسمی تأیید شده. پس اگر بخواهیم خیلی سخت‌گیر باشیم، باید بگوییم بهتر است رقم دقیق ارائه نشود.

در نگاه کلی شما، کدام بخش‌های اقتصاد رژیم صهیونیستی بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر چنین بحران‌هایی دارند؟

به‌نظر من، مهم‌ترین آسیب‌پذیری رژیم صهیونی همواره اتکای بسیار شدید به تجارت خارجی و زنجیره‌های تأمین جهانی بوده است. بیش از ۶۰ درصد کالاهای مصرفی و صنعتی این رژیم یا مستقیماً وارد می‌شود یا مواد اولیه آن وابسته به واردات است. بنابراین هر تهدیدی علیه بنادر و کریدورهای حمل‌ونقل می‌تواند کل اقتصاد را مختل کند. دوم، وابستگی جدی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. حدود یک‌چهارم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فناوری‌های پیشرفته انجام می‌شود. هم‌زمان با شروع حملات ایران، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی جلسات اضطراری تشکیل

به گزارش «صبح صادق» در سال‌های اخیر، اقتصاد رژیم صهیونیستی همواره تلاش کرده بود تصویری از ثبات، پیشرفت فناوری و تاب‌آوری در برابر بحران‌های امنیتی به نمایش بگذارد. اما موج حملات مستقیم ایران علیه زیرساخت‌های حیاتی این رژیم، پرده از شکنندگی عمیق این نظام اقتصادی برداشت. برخلاف تصور رایج که خسارات جنگی را تنها در قالب تخریب کوتاه‌مدت یا اختلال مقطعی تفسیر می‌کند، این رخدادها نشان دادند آسیب‌پذیری‌های ساختاری رژیم صهیونیستی بسیار جدی‌تر و چندلایه‌تر است. از رکود ناگهانی مصرف داخلی و توقف گردشگری گرفته تا فرار سرمایه‌های خارجی و افزایش کسری بودجه، همه این عوامل در کنار هم چشم‌اندازی از یک بحران اقتصادی طولانی‌مدت را ترسیم کرده‌اند که حتی کمک‌های سخاوتمندانه آمریکا نیز قادر به ترمیم کامل آن نیست. در گفت‌وگو با «حسام فتحی» کارشناس اقتصادی، روشن شد که این بحران فقط در حوزه مالی یا لجستیک خلاصه نمی‌شود، بلکه به تزلزل روانی سرمایه‌گذاران و فروپاشی «تصورِ باثبات» رژیم صهیونی در محافل اقتصادی بین‌المللی انجامیده است. این تجربه، علاوه بر آشکار کردن محدودیت‌های واقعی قدرت اقتصادی رژیم صهیونیستی، برای ایران نیز حامل یک پیام مهم است: «هیچ کشوری بدون پیش‌نیازهای اقتصادی و زیرساختی مستحکم نمی‌تواند تبعات یک جنگ فرسایشی را تحمل کند.» همین مسئله، ضرورت بازتعریف راهبردهای اقتصادی مقاومتی و کاهش وابستگی‌های راهبردی را به‌منزله بخشی از امنیت ملی بر جسته می‌سازد.

ارزیابی شما از تأثیر حملات اخیر ایران بر اقتصاد رژیم صهیونیستی چیست؟ این تأثیرات چه ابعاد و جنبه‌هایی داشته است؟

برخلاف تصور عمومی که حمله موشکی با پهبادی را رویدادی کوتاه‌مدت می‌دانند، در اینجا ساختار اقتصادی رژیم صهیونی از چند نقطه اصلی ضربه خورد که در مجموع می‌توان آن را «فلج اقتصادی» نامید. نخست، آسیب مستقیم به زیرساخت‌های حیاتی بود؛ پالایشگاه‌ها، مخازن سوخت، تأسیسات لجستیک بنادر «حیفا» و «اشلدود». اینها شریان‌های اصلی تجارت واردات و صادرات رژیم صهیونیستی هستند. گزارش‌های اولیه رسانه‌های عبری می‌مانند، «دمارکر» و «کالکالیست» نشان می‌دهد در ده روز اول حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار هزینه مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد وارد شده است. دوم، بازار کار و مصرف داخلی با رکود رویه‌رو شد. هزاران نفر از مناطق شمالی و جنوبی تخلیه شدند و

ضربه شکننده!

جدی در بازسازی و بهبود مواجه است. افزایش بدهی عمومی به بیش از ۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی، کاهش سرمایه‌گذاری و پایین آمدن اعتماد مصرف‌کننده، روند رشد اقتصادی را کند کرده است. صندوق بین‌المللی پول نیز پیش‌بینی کرده است که رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی در سال جاری به ۱/۲ درصد کاهش یابد که نسبت به ۳/۵ درصد پیش‌بینی شده قبل از جنگ، افت قابل توجهی است. کارشناسان اقتصادی تأکید می‌کنند که اگر تنش‌ها ادامه یابد یا آتش‌بس شکننده شکست بخورد، احتمال ورود رژیم صهیونیستی به رکود اقتصادی و بحران مالی عمیق‌تر وجود دارد.

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، بیش از یک تقابل نظامی، آزمونی سخت برای اقتصاد شکننده و پرتنش این رژیم بود. فشارهای مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی ناشی از این درگیری، از کسری بودجه و افزایش بدهی‌های دولتی گرفته تا فروپاشی بازارهای مالی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و خروج نخبگان، همگی بخشی از پیامدهای گسترده‌ای هستند که رژیم صهیونیستی را از درون تهدید می‌کنند.

در وضعیتی که آتش‌بس شکننده برقرار شده است، اما اقتصاد رژیم صهیونیستی هنوز درگیر بازسازی و جبران خسارت‌های عمیق ناشی از این جنگ است. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که ادامه تنش‌ها و ناامنی‌ها می‌تواند روند بهبود را مختل کند و ریسک ورود به رکود یا بحران مالی گسترده را افزایش دهد. به این ترتیب، تل آویو باید بیش از هر زمان دیگری به‌دنبال راهکارهای پایدار اقتصادی و سیاسی باشد تا از این بحران عبور کند.

این جنگ نشان داد که هزینه‌های اقتصادی درگیری‌های نظامی می‌تواند بسیار سنگین‌تر و مهلک‌تر از خسارات نظامی باشد؛ زخم‌هایی که به‌سختی التیام می‌یابند و تا سال‌ها اقتصاد و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، پیامدهای این نبرد فراتر از میدان جنگ، عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم صهیونیستی را در آینده نزدیک تحت فشار قرار خواهد داد و تل آویو را با چالشی بزرگ برای حفظ ثبات و رشد اقتصادی مواجه کرده است.

فرار سرمایه و تهدید خروج نخبگان و سرمایه‌گذاران

یکی از چالش‌های جدی پس از درگیری، روند فرار سرمایه و خروج متخصصان از رژیم صهیونیستی بود. گزارش مرکز پژوهش‌های اقتصادی «دکارت» نشان می‌دهد که در طول جنگ، حدود ۲ میلیارد دلار سرمایه از بازار سهام و دارایی‌های مالی خارج شده است. علاوه بر آن، حدود ۴۰۰۰ نفر از متخصصان فناوری و مدیران اجرایی، در پی ناامنی‌های اقتصادی و سیاسی، برنامه مهاجرت به کشورهای اروپایی و آمریکا را در دست بررسی دارند.

«دکتر ماریو برنز» تحلیلگر اقتصادی در مؤسسه مطالعات استراتژیک اورشلیم، می‌گوید: «از دست دادن نیروی انسانی متخصص و سرمایه‌گذاری خارجی، به مراتب تأثیرگذاری بیشتری نسبت به خسارت‌های مستقیم نظامی دارد و می‌تواند رشد اقتصادی آینده رژیم صهیونیستی را به‌شدت محدود کند.»

تأثیر جنگ بر صنعت فناوری و صادرات

صنعت فناوری رژیم صهیونیستی که بیش از ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، در این مدت دچار رکود شد. بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه‌های نرم‌افزار، امنیت سایبری و بیوتکنولوژی، به‌دلیل اختلال در زنجیره تأمین، کاهش سفارشات و مشکلات لجستیکی، پروژه‌های توسعه خود را به تعویق انداختند.

بر اساس گزارش «اتحادیه فناوری اطلاعات و ارتباطات اسرائیل» کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش فناوری طی این دوره بیش از ۲۰ درصد بوده است. صادرات محصولات فناوری نیز، به‌دلیل بسته شدن مرزها و محدودیت‌های لجستیکی، کاهش ۱۵ درصدی را تجربه کرد.

پیامدهای بلندمدت و چشم‌انداز تیره اقتصاد صهیونیست‌ها
با وجود برقراری آتش‌بس، اقتصاد رژیم صهیونیستی با چالش‌های

سقوط بورس و نوسانات بازار ارز؛ واکنش فوری اقتصاد به جنگ

بازار بورس تل آویو، به‌منزله یکی از شاخص‌های حساس اقتصاد رژیم صهیونیستی، در طول ۱۲ روز درگیری شاهد ریزش بیش از ۱۵ درصدی شاخص اصلی (TA-۳۵) بود. طبق گزارش بانک مرکزی رژیم صهیونیستی، حجم معاملات فروش سهام طی این دوره نسبت به میانگین روزانه، بیش از دو برابر افزایش یافت که نشان‌دهنده بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به ثبات اقتصادی بود.

همچنین قیمت تبدیل بشکل در برابر دلار آمریکا طی این مدت نوسانات شدیدی را تجربه کرد؛ به‌طوری‌که قیمت بشکل به پایین‌ترین سطح طی سه سال گذشته رسید و این موضوع به کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و افزایش هزینه‌های وارداتی منجر شد. آقای «آوی مایر» تحلیلگر ارشد بازارهای مالی در شرکت «کاپیتال مارکتس» می‌گوید: «ریزش بازار سهام و نوسانات ارزی، واکنش طبیعی سرمایه‌گذاران به عدم قطعیت است؛ اما شدت این واکنش نشان‌دهنده عمق آسیب اقتصادی جنگ است.»

کاهش شدید گردشگری و تعطیلی کسب‌وکارها

صنعت گردشگری که پیش از جنگ سالانه بیش از ۷ میلیارد دلار درآمد ارزی برای رژیم صهیونیستی فراهم می‌کرد، به‌شدت آسیب‌دید. بر اساس آمار وزارت گردشگری رژیم صهیونیستی، ورود گردشگران خارجی طی ۱۲ روز درگیری نزدیک به ۸۰ درصد کاهش یافت. هتل‌ها و مراکز تفریحی مهم در تل آویو، اورشلیم و مناطق ساحلی به‌علت نگرانی‌های امنیتی، مجبور به کاهش فعالیت یا تعطیلی موقت شدند.

«لیلا کوهن» مدیر انجمن گردشگری رژیم صهیونیستی، در ایین زمنیه می‌گوید: «جنگ مستقیماً به اعتماد گردشگران ضربه زد و پیامدهای اقتصادی آن ممکن است تا چندین ماه ادامه داشته باشد. علاوه بر زیان مالی، تصویر منفی امنیتی رژیم صهیونیستی در رسانه‌های جهانی، به کاهش بلندمدت گردشگری منجر شده است.»

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی که در ماه ژوئن سال ۲۰۲۵ به‌وقوع پیوست، نه‌تنها یک بحران نظامی منطقه‌ای، بلکه یک شوک بزرگ اقتصادی برای رژیم صهیونیستی بود. این درگیری که با تبادل حملات موشکی، هوایی و سایبری آغاز و با برقراری آتش‌بس شکننده پایان یافت، در مقیاس و عمق، فراتر از نبردهای محدود پیشین بود. اقتصاد رژیم صهیونیستی، که پیش‌تر نیز با فشارهای ناشی از تنش‌های امنیتی، تورم، ورششد اقتصادی کند رویه‌رو بود، در برابر این جنگ کوتاه‌مدت، اما پر هزینه آسیب‌های جدی دید. پیش‌بینی‌ها درباره تأثیرات اقتصادی این درگیری به‌سرعت رنگ واقعیت گرفتند؛ سقوط شاخص‌های بورس، نوسانات شدید در بازار ارز، کاهش چشمگیر گردشگری، فرار سرمایه و متخصصان، و آسیب به یکی از ستون‌های اقتصاد این رژیم یعنی صنعت فناوری، همه نشان‌دهنده ضربه‌ای بودند که اقتصاد رژیم صهیونیستی به‌سختی می‌تواند بهبود یابد. این گزارش به بررسی دقیق این تبعات اقتصادی می‌پردازد و با تحلیل داده‌ها و نظرات کارشناسان، تصویری کامل از هزینه‌های این جنگ را ارائه می‌دهد.

بودجه نظامی و هزینه‌های جنگ؛ فشار مضاعف بر منابع مالی

رژیم صهیونیستی با داشتن بودجه نظامی سالانه‌ای بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار، در منطقه‌ای حساس و پرتنش قرار دارد. اما بخش قابل توجهی از این بودجه از طریق کمک‌های نظامی ایالات متحده تأمین می‌شود؛ به‌طوری‌که آمریکا سالانه حدود ۳/۸ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک نظامی مستقیم می‌کند. تحلیلگران اقتصادی معتقدند که جنگ ۱۲ روزه، هزینه‌هایی فراتر از برآوردهای اولیه بر دوش تل آویو گذاشت. به‌گفته دکتر «یوسف کامان» اقتصاددان برجسته در دانشگاه تل آویو؛ «این جنگ مستقیماً موجب افزایش هزینه‌های دفاعی و تدارکاتی شد که بخش عمده آن به استقراض دولت و کسری بودجه منجر شده است.» وی اضافه می‌کند: «تخمین‌ها حاکی از آن است که هزینه‌های مستقیم این جنگ حداقل ۳/۵ میلیارد دلار بوده است؛ هزینه‌ای که در وضعیت رشد اقتصادی پایین و افزایش تورم، فشار مضاعفی بر اقتصاد وارد می‌کند.»

تقویم انقلاب

سنت تاریخی انقلاب

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی «سنت‌هایی» برقرار بوده است که برای هر دوره زمانی در زندگی انسان‌ها نقش به‌سزایی ایفا کرده است و برای رسیدن به اهداف عالیه اسلام بسیار تأثیرگذار بوده است. در مقاطعی از تاریخ عدای کوشیده‌اند که این سنت‌های مؤثر را از جامعه جدا کنند و یا روند تضعیف آن را در پیش گرفته‌اند تا اینکه به فراموشی سپرده شود؛ در حالی که جوهره اصلی آن به‌منزله زنده نگه داشتن جامعه انقلابی است. به‌نظر می‌آید به‌مناسبت ایام ماه محرم به چند مورد این سنت‌ها یادآور شویم، خالی از لطف نیست.

۱- علما و فقهای بزرگ تاریخ مفید به همین سنت‌ها در عمل بوده‌اند مانند: «آیت‌الله کمپانی»(رحمة‌اللهه)، خودش مجلس روضه‌خوانی داشت و مفید بود که خودش پای سماور چای بنشیند و خودش هم همه کفش‌های مراجع‌گدنگان که به مراسم را جفت‌وجور کند.

۲- «نذر» کردن، یکی دیگر از سنت‌های مرسوم در تاریخ ایران بوده است که بسیاری از افراد وقتی دارای مشکلات می‌شدند با نیت به امام حسین(ع) یا حضرت ابوالفضل(ع) و یا سایر اعضای خانواده اهل‌بیت امام حسین(ع) متوسل می‌شدند و نذر می‌کردند.

۳- نصب پرچم‌های سرخ و سیاه با مفهوم عزاداری و بیرق‌ها، پارچه‌نویسی‌های بزرگ، داربست‌ها که هر کدام به مفهوم نمایش فرهنگی و افزایش‌دهنده‌قدرت معنوی است. از گذشته‌های دور مرسوم بوده است که جملگی آنها انتقال‌دهنده فرهنگ و بیان‌کننده اهداف و قیام امام حسین(ع) و یاران مظلوم او بوده وبیان می‌دارند که زینت‌بخش محله‌ها است.

۴- عزاداری‌های خیابانی یا عبور از محله‌ها که نمایش دیگری از شوروحال و هیجان‌آفرینی‌های عمومی است با صدای سنج و طبل‌ها به مفهوم اعلام موجودیت در انتظار عمومی است که در سال‌های اخیر با دعاگویی‌ها، یادشده‌او نوحه‌خوانی‌های متنوع همراه است. به‌نوعی اصل ماندگاری را یادآور می‌شود و علاوه بر آن اصل برقراری ارتباطات را نشان می‌دهد.

۵- جالب است که در تمامی مواردی که ذکر می‌شود جملگی با تمرکز بر «روضه‌خوانی‌ها» همراه است. روضه‌خوانی، روح حاکم بر این سنت‌هاست، حالا یا در منازل یا در حال عبور و گشت‌زنی، یا سرکشی به حسینیه‌ها و تکایای خیابانی، همه این‌ها بر پایه و هویت «عزاداری» برای امام حسین(ع) و روضه‌خوانی و اشک‌ریزی متمرکز است.

۶- در همه مواردی که یاد شد، مجموعه‌هایی همراه آنها مشغول پذیرایی برای عزاداران هستند، عدای با شربت یا آب خنک و در جاهایی با چای و در فرصت‌ها صبح‌ظهر و شام همراه تغذیه‌هایی تأمین می‌شود یا در کنار مسیر‌ها با برپایی داربست به‌عنوان موبک مستقر می‌شوند یا چایخانه‌ای مدام خدمات می‌دهند.

۷- همه موارد ذکر شده، شعارهایی برگرفته از رهنمودهای امام حسین(ع) را تنظیم شده و دسته‌جمعی فریاد می‌زنند. که محتوای آنها مقابله و مبارزه با ظلم‌وظالم است و یا دفاع از مظلوم و افراد ستم‌دیده، البته جا دارد یادآور شویم که امسال در این مراسم شعار «هیئات منالذله» بسیار رساتر و پرشورتر دیده می‌شود.

نکته مهم این است که نباید گذشت این سنت‌های تاریخی و مفید و مؤثر و انقلابی و کارآمد به فراموشی سپرده‌شود و باید همچون حضرت زینب(س) مرتب پیام‌رسانی کرد تا انقلاب پویا باشد.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

۱۵ خرداد یک جنبش عمومی- مذهبی به رهبری روحانیت شیعه علیه رژیم و به حمایت از اسلام بود. این تحرک صد درصد به نیروهای اسلامی تعلق داشت و هیچ گروه و دسته ملی و غیر مذهبی مدعی سهمی در این روز نیست. احساسات درونی و ریشه‌های معنوی انگیزه این بر پایی بود و از قبل صف‌آرایی و برنامه‌ریزی معمول سازمان‌ها را نداشت و این حرکت گرچه رژیم را ساقط نکرد، اما او را متزلزل ساخت و همین حرکت مستقل دینی پایه انقلاب ۲۲ بهمن سال ۵۷ شد.

۱۵ خرداد نشان داد بهترین قوه محرکه در متن ایران وجود دارد که می‌تواند با استقلال عمل کند و برخلاف تصور گروه‌ها احتیاج به پشتیبانی خارج ندارد. این جنبش درست در زمانی صورت گرفت که همسایه شمالی ایران، یعنی ابرقدرت شوروی پس از مدتی روابط تیره با دولت دیکتاتوری وقت تازه سازش کرده و او را در اقدامات به اصطلاح اصلاحی و انقلاب سفید تأیید و پشتیبانی می‌کرد و گروه مقاوم و از جمله مبارزین مذهبی و روحانیون را مرتجعین می‌نامید و در ۱۵ خرداد هم همین سیاست را تعقیب کرد. هواداران سیاست شوروی در داخل کشور هم که همیشه خود را پیشگام و ترقی‌خواه می‌نامیدند از این سیاست اصلی پیروی. داشتند و طبعاً نه‌تنها نمی‌توانستند سهمی در این اقدام بر اندازی علیه رژیم داشته باشند، بلکه در صف مخالف آن قرار می‌گرفتند.

هیئت حاکمه و حامیان غربی آنها هم که شاه نماینده و اجراکننده برنامه آنان بود، مستقیماً زیر ضربه ۱۵ خرداد قرار داشتند.

بنابراین، ۱۵ خرداد مظهر یک استقلال واقعی بود که تشییع قرن‌ها به‌دنبال آن می‌گشت، ولی همواره راه‌های انحرافی به آن ضمیمه می‌شد. این بار یک آرمایش داد که بعد از این تاریخ روی آن حساب می‌شود. جنبش ۱۵ خرداد گرچه عکس‌العمل طبیعی مردم مسلمان در برابر مصوبات خلاف اسلام رژیم و بازداشت «آیت‌الله العظمی خمینی» بود. اما آزادی فوری ایشان را در بر نداشت. به همین جهت اعتراضات با تلگراف و نامه از نقاط مختلف ادامه داشت. هزاران تلگراف در حمایت از امام خمینی و آزادی ایشان مخابره شد. در این

دهلیز

کارگزار انگلیس!

نگاهی به تقلای دیکتاتور پهلوی علیه روحانیت

تنها تعداد معدودی طبق لیست شهربانی در سراسر کشور حق استفاده از لباس روحانیت داشتند. از بقیه به عمد و در ملاعام خلع لباس می‌شد. مواردی را در خیابان‌ها دیدم که عمامه برخی را به گردن آنها انداخته و او را در خیابان می‌کشیدند. عکس‌العمل ملت در مقابل این اقدام رضاخان، نفرت بود. قبلاً گفتم که در محله ما(خانی‌آباد) یک شیخ و یک سید همسایه ما بودند و هر دورا شهربانی از لباس ممنوع کرده بود، ولی احترام مردم منطقه به آنها چند برابر شده بود. مردم خانی‌آباد برای ملاقات جلوی منزل آنها صف می‌کشیدند و در منازل نیز مانند سابق مجالس روضه‌خوانی برقرار بود. بنابراین نه دوران ۲۰ ساله رضاخان و نه دوران ۳۷ ساله محمدرضا بر اعتقاد مردم به روحانیت خللی وارد نساخت و این نیرو اصلی‌ترین مخالف سلطنت پهلوی بود.»



گرفت و جمعی از علما هم در ۲۹ تیر آزاد شدند و این شایعه به‌وجود آمد که آیت‌الله خمینی را تبعید می‌کنند و به‌همین دلیل یکبار دیگر علما و روحانیون عکس‌العمل نشان دادند.

تعطیلی ۱۴ روزه بازار به‌دنبال ملاقات آیت الله خوانساری با امام پایان گرفت و از شدت هیجان عمومی کاسته شد در حالی‌که جمعی معتقد بودند رژیم در این جهت علاقمند بود که با تریبی روحانیون را اراضی کند که از مردم بخواهند بکار خود بازگردند و با طرح مسئله اعدام، روحانیت را با تعهد به سکوت کشانند.

نویسنده کتاب «بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی» می‌نویسد: «توطئه شاهانه به‌منظور مرعوب ساختن و به تسلیم و سازش واداشتن قائد بزرگ به همین مرحله پایان نیافت، بلکه وقتی دیدند که این فشار و ناراحتی روحی نیز نتوانسته روح بزرگ و انقلابی ایشان را در هم بشکند به فرمان همایونی ایشان را به سلول انفرادی در پادگان نظامی عشرت‌آباد منتقل کردند و با این جنایت ننگین و



شرم‌آور خواستند اراده آهنین و عزم پولادین خمینی قهرمان را در هم شکسته، ایشان را در مقابل اغراض شوم و اسارت‌بار شاه به تسلیم وادارند. امام خمینی در ۱۲ تیر ماه که به پادگان عشرت آباد انتقال یافت حدود ۲۴ ساعت در سلول تنگی که در آن هوای آزاد درست جریان نداشت، گذرانید و مقاومت کرد و رژیم شاه را رسوا ساخت.»

ایسن قیام با قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از لحاظ تجمع توده‌ها و انگیزش مذهبی و عدم حمایت بیگانگان قابل مقایسه بود. با این تفاوت که در ۳۰ تیر محتوای اسلامی قضیه بعد از پیروزی با حذف مرحوم «آیت‌الله کاشانی» در راستای ملی خواهی قرار گرفت و بعد هم به سقوط منجر شد. اما ۱۵ خرداد گرچه پیروزی فوری نداشت ولی پایگاه محکمی برای تجهیزات و صف‌آرایی و رشد گروه‌های مذهبی و شناخت اصول راستین اسلام و تعیین نقطه‌های جهش شد و در انحصار مکتب باقی ماند و در دراز مدت به پیروزی انجامید.

حافظه

استعمارگران در راه آسیا

نقش نیروی دریایی پرتغال در گسترش استعمار



نشانگر اهداف درازمدتی است که کانون‌های سیاسی و مالی پرتغال را دنبال می‌کردند؛ این یک «سفر اکتشافی» ساده نبود.

در ۸ ژوئیه سال ۱۴۹۷، گاما در رأس ناوگان مرکب از چهار کشتی، بندر لیسبون را به مقصد هند ترک کرد. در ماه نوامبر «دماغه امیدنیک» را در جنوب آفریقا درنوردید و وارد آب‌های قاره آسیا شد. در ۲۲ مه سال ۱۴۹۸ میلادی، به بندر «کالیکوت» در سواحل هند رسید و سرانجام در اوایل سپتامبر سال ۱۴۹۹ میلادی پیروزمندانه به لیسبون بازگشت و به تعبیر «لرد کرزن» برای پرتغال قرنی سرشار از شهرت و ثروت فراهم ساخت.

مورخین می‌نویسند گاما پس از دور زدن قاره آفریقا، در دو بندر ممباسا و مالیندی در شرق آفریقا، پهلو گرفت. او در مالیندی یک دریانورد بومی استخدام کرد تا راهنمای او به سوی هند باشد. می‌گویند، این دریانورد یک ایرانی شیعی به‌نام «شهاب‌الدین احمد بن ماجد» از اهالی بندر لنگه و ساکن جلفار (رأس الخیمه) بود.

نسخه مشترک ادیان

بررسی مقایسه‌ای مفهوم و مؤلفه‌های جهاد در ادیان گوناگون

هیچ صدایی بلند نکرده و هیچ تجمع و راهپیمایی اعتراضی برپا نکرده‌اند!در دیگر آیین‌ها و انشعابات فرقه‌ای «هندو» نیز هر چند بخشی از متون دینی آنها، موسوم به متون حماسی در روایت یک جنگ فراگیر میان دو سوی متخاصم حق و باطل است، اما این متون از دمیدن روح پیکار و مبارزه در پیروان خود بسیار ناتوان است. مهم‌ترین آنها متنی به نام «بهگود گیتا» است که دالّ مرکزی آن، مفاهیم عرفانی مانند وحدت وجود، تمرکز و مراقبه، بیدلی، دلدادگی و مانند آن است و به‌گونه‌ای ذهن مخاطب را در این مطالب مستغرق می‌کند که مبارزه و جنگ، به حاشیه رانده می‌شود.

◆ معارف جهاد در زرتشت

معارف دین «زرتشت» هم درباره جهاد، نحیف و فاقد هر گونه غنائی است. در «یادگار زریران» از متون کهن پهلوی، آمده است که «گشتاسپ» پادشاه به‌خاطر حمایت از دین زرتشت از سوی «ارجاسپ» تهدید شد و متعاقباً مورد حمله قرار گرفت. گشتاسپ در این حکایت، جانانه از عقیده خود دفاع کرد و با اهدای جان‌های پاک‌ی چون زریر که برادرش بود، بر دشمن ِ یاغی پیروز شد. این تک روایتی حماسی در دین زرتشت است و نظایر دیگری ندارد. مبارزه خیر علیه شر یا مبارزه نیروهای اهورایی بر اهریمنان، عمدتاً به آخرالزمان موکول شده و پژواکی در زندگی حاضر ندارد.

◆ مبارزه برای برتری قوم برگزیده!

«یهودیت» تحریف شده، جهاد را به مبارزه برای تسلط بر سرزمین موعود(ارض مقدسه) و نهایتاً غلبه یهود بر همه مردم جهان معنا کرده و به ابتدال کشیده است. در یهودیت تحریف شده، چنین القا می‌شود که جلال و عظمت خداوند باید در قالب پادشاهی مطلق خدا متجلی شود و تجلی این پادشاهی (ملخوت)، در تسلط قوم برگزیده او، یعنی یهود بر کل عالم است. در افراطی‌گری صهیونیستی، تحقق این سلطه، محدود به هیچ قاعده و قانون اخلاقی نیست و حتی به قیمت کشتارهای جمعی و قتل زنان و کودکان غیر یهودی و هر گونه خشونت، باید به‌دست آید.

◆ جنگ‌های صلیبی خالی از تقدس

تاریخ تحریف شده مسیحیت، در دوران نخستین،



بهزاد حمیدیه

عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

آنچه «اسلام» را به‌مزنله یک دین تشکیل می‌دهد، عناصر مقدسی از باورهای عقیدتی، گزاره‌های جهان‌شناختی و انسان‌شناختی گرفته تا اعمال شرعی، واجب و حرام، قواعد اخلاقی، تجربیات دینی و ابعاد اجتماعی و نهادی است. در ادیان دیگر مانند مسیحیت، یهودیت، دین زرتشت، ادیان شرق و حتی ادیان دیرین، این عناصر را کم و زیاد می‌توان یافت. اما مقوله جهاد و پیکار و صبر و استقامت در برابر دشمنان، جزو طرفه عناصر دینی است که تنها در اسلام به نقطه اوج نضج و بلوغ رسیده است. به‌علاوه، مفهوم اسلامی جهاد، تنها ایده‌ای نبوده است که در سطح اذهان و متون مقدس مانده باشد، بلکه عینی شده و در قالب حماسه‌های تاریخی بروز یافته است و قطعاً برترین جلوه آن، واقعه کربلا و حادثه عاشورا است.
نظر به ایام سوگواری اهل بیت(ع) و ضرورت عبرت‌آموزی از دانشگاه عاشورا در مقابله با تحمیل وضعیت جنگی به ایران از سوی رژیم صهیونی، نگاهی تطبیقی به مفهوم و مؤلفه‌های جهاد در ادیان گوناگون تمایزات و ویژگی‌های جهاد در اسلام را بهتر تبیین می‌کند و بر ضرورت آمادگی‌ها و بهره‌مندی از این فوز عظیم می‌افزاید.

◆ کم‌توجهی به جهاد در ادیان شرقی

عمده ادیان شرقی، نسبت به جهاد و رزم، کم‌توجه‌اند. دین «بودایی» با تمام شاخه‌هایش و دین «جین» که آئین هندی باستانی با تأکید بر عدم خشونت است، با تأکید افراطی که بر اصل «آهیمنسا»، یعنی اصل عدم آزار موجودات زنده دارند، مجال چندانی برای جنگیدن که طبعاً با خون‌ریزی و قتل و جرح همراه است، باقی نمی‌گذارند. در برخی فرقه‌های جین، فرد راهب، باید هنگام راه رفتن، با جارویی نرم و لطیف پیشاپیش خود را بروید تا مبادا موری یا حشره‌ای زیر پا رود. جالب است که همین جین‌های دل‌رحم و رقیق‌القلب، در کشتار هولناک غزه

صحنه خونین کربلا دید. کربلا و قیام حضرت امام حسین (علیه‌السلام)، در مدت حدود ۱۴ قرن ماندگاری داشته و مستمراً الهام‌بخش قیام‌ها، مبارزات و شهادت‌طلبی‌ها بوده است. این دوام، پیام روشنی دارد: سازگاری قیام و جهاد با فطرت بشری. ادیان شرقی از «آهیمنسا» می‌گویند، یعنی عدم آزار موجودات زنده و از محبت و مهرورزی مطلق و عشق نامشروط دم می‌زنند، یعنی «کارونا». آیا این مفاهیم، دلنشین‌تر از خون‌ریزی و قتل و جرح و اسیر گرفتن نیست؟ روح لطیف ناشی از عرفان و توحید و مراقبه اصولاً چگونه با تیغ کشیدن، زخم زدن و جان‌بیاندن قابل جمع است؟ آیا تاوان ظلم ظالم را به آخرت موکول کردن و فرو رفتن در یاد خدا در این دنیا بهتر نیست؟

یک پاسخ کوتاه با استناد به ماندگاری واقعه کربلا (آن چنان که گذشت) آن است که جهاد و پایداری در برابر دشمنان زورگو، امری فطری و برخاسته از سرشت بشر است. به حکم فطرت، همان‌قدر که عشق و محبت و بی‌آزاری، جذاب است، شجاعت و پامردی و ایستادگی، جذاب و گیرا است و ضعف و انضلام و وادادگی، منفور است. این است سبب ماندگاری ندای «هیهاات منا الذله.»

◆ جهاد، اوج سلوک عارف

عرفان با جهاد، سازگار است. مروری بر رفتار حضرت اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) و یاران مکرم او در شب و روز عاشورا نشان می‌دهد این دو مفهوم، درهم تنیده‌اند و به‌عبارت بهتر، دو بعد از یک حقیقت‌اند. وقتی دشمن می‌خواست حمله و جنگ را شروع کند، آن چنان‌که «شیخ مفید» در «ارشاد» آورده، امام حسین(ع) به حضرت ابوالفضل(ع) فرمودند: «اگر بتوانی امشب را برای ما مهلت بگیر و نبرد را به فردا بینداز به این منظور که ما بتوانیم امشب را به نماز و دعا و استغفار بپردازیم.» پس جهاد، اوج عارف در صحو بعد المحو و بقای بعد فنا است. بنابراین امیرمؤمنان علی(علیه‌السلام) در خطبه۲۷ نهج‌البلاغه می‌فرایند: «ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه‌الله لخاصه اولیائه؛ جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر اولیای خاص خود گشوده است.» رزقنا الله الجهاد و الشهاده مخلصا لوجهه.

┆ آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۳

پرهیز از هیجان و تأکید بر حکمت

«اشتباه» و «به‌ضرر کشور و اسلام» دانسته‌اند. این نوع موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که رفتار انقلابی، لزوماً به‌معنای فریاد زدن و اقدام تهاجمی نیست، بلکه «تدبیر در عین پایداری» و «حکمت در کنار صلابت» ویژگی اساسی آن است. هم‌زمان، ایشان با رد روایت تحریف‌شده‌ای از انقلابی‌گری که می‌کوشد با زدن بر چسب «قتندرو» به جوانان انقلابی، آنان را از میدان خارج کند، تأکید می‌کنند که: «جوان‌های انقلابی هم خیلی اوقات عقل‌شان و فهم‌شان و تعقل‌شان هم از بعضی از بزرگ‌تراها خیلی بیشتر است، خوب می‌فهمند، خوب تحلیل می‌کنند، خوب مسائل را تشخیص می‌دهند.» در نقطه مقابل عقلانیت انقلابی، دیدگاهی وجود دارد که اصرار بر ارزش‌های انقلابی را بی‌نتیجه می‌داند و چنین وانمود می‌کند که برای رسیدن به پیشرفت و تعامل جهانی، باید قواعد بازی قدرت‌های بزرگ را پذیرفت. این در حالی است که تجربه‌علیه این دیدگاه‌است.

رهبر معظم انقلاب در تبیین این‌ رویکرد عقلانی می‌فرمایند: «می‌توان با حفظ همین ارزش‌ها، با پافشاری بر همین ارزش‌ها، در عرصه دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطق را حاکم کرد و طرف‌ها را رفته‌رفته به‌تدریج به مواضع خود نزدیک کرد...دعا کردن و اوقات‌تلخی کردن و حرف تند زدن، یک‌وقتی ممکن است به درد بخورد؛ اما این روش عمومی نیست. روش عمومی، حکمت است. حکمت یعنی با منطق، متین در عرصه دیپلماسی وارد شدن. اگر چنین پیش برویم، به توفیق الهی پیشرفت‌های ما هرگز متوقف نخواهد شد.»



محمد رضا ملایی
پژوهشگر اندیشه سیاسی

یکی از آسیب‌هایی که گاه دامن‌گیر جریان انقلابی می‌شود، آمیختن تفکر و عمل انقلابی با هیجان‌های زودگذر، رفتارهای غیرعقلانی و واکنش‌های احساسی است که چهره‌ای ناصواب از تفکر انقلابی در ذهن مخاطبان ساخته می‌شود و انقلابیون به‌منزله افرادی تندخو، بی‌منطق، غیرقابل مذاکره و قانون‌گریز معرفی می‌شوند. این در حالی است که چنین برداشتی نه‌تنها مغایر با حقیقت تفکر انقلابی است، بلکه به‌ پروژه دشمن برای تخریب چهره جریان مؤمن و انقلابی کمک می‌کند.

انقلابی‌گری اصیل، برخاسته از منطق اسلام ناب محمدی و تجربه تاریخی انقلاب اسلامی است؛ منطقی که مبتنی بر تعقل، استدلال، حکمت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. کسی که خود را انقلابی می‌داند، باید بداند که هر اقدام در فضای عمومی، هر سخنش در میان مردم، و هر رفتارش در برابر دستگاه‌های رسمی، آثار و تبعات اجتماعی و سیاسی دارد.

نمونه‌های متعددی وجود دارد که در آن، رهبر معظم انقلاب نسبت به رفتارهای هیجانی هشدار داده‌اند. از جمله، برخورد با افرادی که با ایجاد جنجال مانع سخنرانی اشخاصی خاص می‌شوند؛ یا درباره حمله به سفارت عربستان و حتی سفارت انگلیس که این اقدامات را صراحتاً

۱۱

خرد

شماره ۱۱۹۵ | دوشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۴۷

تحول منتهی به پیشرفت

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه اسلامی

داشتن روحیه تحولی پیشران، از مختصات فکری و ویژگی‌های روحی و علمی قابل توجه «شهید صدر» بود.

درباره تحول منتهی به پیشرفت، همیشه دو گرایش غلط وجود داشته است. گرایش اول، کسانانی بوده‌اند که با هر نوع نوآوری و تحولی مخالفت می‌کردند. با طرح این مسئله که احیاناً سابقه ندارد یا آن را نمی‌شناسیم، هر تحولی را مشکوک می‌دانستند. به‌زعم شهید صدر، این گرایش غلط و ناپجاست؛ چراکه نوآوری سنت تاریخ است و بدون نوآوری زندگی بشر اصلاً معنا پیدا نمی‌کند. گرایش دیگر، همان خیانت‌هایی است که به‌نام پیشرفت و تحوّل انجام گرفت و ضربه‌هایی است که به‌نام خدمت و زیر پرچم اصلاح‌گری عمدتاً بر پیکر ملت مسلمان از جمله «ایران» وارد شد.

به هر حال، شهید صدر با ذهنی پویا و استعدادی پیشران دست به نوآوری‌های فقهی و اصولی می‌زد که زمینه‌ساز بهینه‌سازی قوانین اسلامی و مناسب اجرای‌سازی آن در دنیای مدرن باشد. نقطه آغاز این ویژگی برآمده از روحیه تحولی در جوانی شهید صدر، خودش را در قالب مشارکت فعال وی در مباحث علمی حوزه‌های علمیه و نگاه آسیب‌شناختی به ساختار علمی و اجتماعی نشان داده بود. شهید صدر در تحول و روزآمدشدن روش‌های علمی و تحصیلی در حوزه‌های علمیه نقش مهمی داشت. الگوی تحولی شهید صدر این بود که ایشان از متن حوزه اصیل و سنتی برخاست و به دستور و اجازه «آیت‌الله العظمی خونی» درس خارج خود را شروع کرد و بعد هم کتاب‌های آموزشی حوزه، نظریه‌پردازی اصولی، نظریه‌پردازی فقهی، تربیت شاگردان بزرگ و تأکید بر آمیختگی دین و سیاست و حضور جهادی در صحنه را نوآورانه از متن و نص دین استنباط و نظریه‌پردازی کرد. همه این‌ها می‌تواند عناصر حوزه انقلابی باشد که در اندیشه شهید صدر هم هست.

از این‌رو، یکی از مهم‌ترین ساحت‌هایی که امروز شهید صدر می‌تواند برای طلاب جوان حوزه علمیه الگو باشد، در مباحث علمی و جهاد علمی است. البته لازم است جوانان دانشجوی طلبه، امروز با مکتب شهید صدر که خود برگرفته از مکتب تلمذنی اسلام است، بیشتر آشنا شوند. البته این مکتب تلمذنی را امروز در اندیشه‌های امام(ره) و رهبری به‌خوبی می‌بینیم. اخلاص و تقوا و پشت و دنیا کردن شهید صدر و روحیه جهادی و بصیرت سیاسی ویژه ایشان در کنار روحیه ولایت‌مداری شهید و اینکه ذوب در ولایت بود و برای خود چیزی نمی‌خواست و حاضر بود برای تحقق اندیشه‌ها و آرمان‌هایش فداکاری تا رسیدن به شهادت را انجام دهد، از دیگر مختصات تحولی این شهید همام است.

در این زمینه، بحث و نظریه «منطقه الفراغ» شهید صدر یا دایره مباحات عامه و رابطه بین دایره ثابت و متغیر به نقش احکام حکومتی ولی فقیه و سیاست‌گذاری‌های ولی فقیه در اجرا و اقامه حاکمیت اسلامی و پیشبرد قوانین و مقررات اسلامی و چرخه قانون‌گذاری که شهید صدر بیان می‌کند و مبتنی بر اجتهاد اصیل متحرک زنده پاسخگو و مطابق مقتضیات زمان است، امروز هم در چرخه قانون‌گذاری و هم در چرخه قضایی و اجرایی می‌تواند مؤثر باشد. به‌ویژه دادگاه عالی مظالم که جزو پیشنهادهای شهید صدر است، امروز در بحث مبارزه با فساد اقتصادی و در سلامت نظام اداری می‌تواند اثرگذار باشد.

نکته گرام

مسعودپزشکیان، رئیس جمهور؛ از صمیم قلب از شما مردم عزیز سپاسگزارم، با عشق، شهدای وطن را بدرقه کردید و صدای وحدت‌مان به گوش جهان رسید. ما از حسین بن علی(ع) آموخته‌ایم تن به ذلت ندهیم و در برابر ظلم، سر خم نکنیم. خدمت به چنین ملت آزاده‌ای، افتخار زندگی من است. تا همیشه ایران.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه؛ اصرار گروسی برای بازدید از سایت‌های بمباران‌شده، بی معنی و شاید حتی دارای نیت بدخواهانه است.

عبدالله گنجی، روزنامه نگار؛ این جنگ تعبیر جدیدی را وارد ادبیات ارزش‌گر ایانه ایرانیان کرد و یک مفهوم تاریخی جدید را گشود. قبلاً عبارت «خانواده شهید» مصطلح بود. امروز «شهید خانواده‌گی» مصطلح و در اذهان حک شد و فراموش نخواهد شد. قدرت گفتمانی آن ذیل دال شهادت بالا و پیرعاطفه است.

مالک شریعتی، نماینده مجلس؛ جنگ تحمیلی ۲ نه‌تنها تمام نشده، که به‌ویژه در راه‌رودی‌ترین مؤلفه خود، با شدت بیشتر ادامه دارد. همراهی مردم ایران اسلامی وارد تمدنی‌ترین نبرد قرن‌های اخیر با کفر مطلق شد و فعلاً سربلند بیرون آمد؛ چرا؟ به‌خاطر معیت مردم با امام جامعه. تقد سازنده بجای خود، لطمه به «معیت مردم» ممنوع!

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم؛ ۷ سال تمام، فرانسه، آلمان و انگلیس حتی یک قدم واقعی در جهت حقوق ایران در برجام برنداشتند؛ اما مستمر با تماس‌ها و جملات تکراری در نقش پرسشگر ظاهر می‌شوند! اروپا امروز بده‌کار مذاکرات است، نه طلبکار. سیاست خارجی ایران باید براساس توازن و اقتدار، به‌سمت دیگر بازیگران جهانی بازتوزیع شود.

محمدجواد ظریف، وزیر اسبق خارجه؛ پس از آنکه «گروسی» بسا گزارش بی‌اساسش در کشتار بی‌گناهان مشارکت کرد، اکنون بسا خیال‌بافی بی‌پروایش پیرامون مخفی‌شدن اورانیوم با غنای بالا در اماکن میراث جهانی در اصفهان، زمینه‌ساز یک جنایت دیگر شده است. آژانس باید خود را از این تنگ خلاص کند.

کبری آسوپار، فعال رسانه؛ این روزها در قطعه ۴۲ بهشت زهرا از منتها‌الیه بی‌حجابی تا انتهای حجاب، هر دو داغدار حملات رژیم صهیونیستی هستند. شاید حالا افراطی‌های دعوای حجاب در هر دو سو، دریابند که دشمن همدیگر نیستند. دریابند دشمن مشترکی دارند و او که با «دوربین ما– اسلحه ما» تقابل را کلید زد، پادوی آن دشمن مشترک است.

سیهر خلجی، دکترای علوم ارتباطات؛ جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اگرچه با خسارت‌های غیرقابل جبران به‌ویژه از دست دادن تعدادی از هموطنان و فرماندهان و دانشمندان همراه بود. اما همانند ۸ سال جنگ تحمیلی تجارب و دستاوردهای بزرگی به‌یادگار گذاشت.

الیه خوانساری

دکترای علوم ارتباطات

در جنگ‌های امروز، قبل از آنکه گلوله‌ای شلیک شود، موجی از پیام، تصویر و روایت‌های جعلی، ذهن مردم را هدف می‌گیرد. این‌بار، به‌جای پدافند هوایی، آگاهی عمومی است که باید از ما دفاع کند مانند جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی که فقط در میدان نبرد نبود؛ بخش خطرناک‌تر آن در گوشی‌های ما، در کانال‌های بی‌نام و در باورهایی شکل گرفت که بدون پرسش، پذیرفته شدند.

در عصر جدید، جنگ فقط در میدان نبرد رخ نمی‌دهد. هر گلوله‌ای که شلیک می‌شود، با ده‌ها پیام، تصویر و تحلیل در شبکه‌های اجتماعی همراهی می‌شود. هر انفجاری، بسا موجی از روایت‌ها، تفسیرها و بازنشرهای جهت‌دار دنبال می‌شود.

به همین دلیل، در دوران جنگ‌های معاصر، دیگر تنها «سلاح گرم» تعیین‌کننده نیست؛ بلکه «سواد رسانه‌ای» به یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاعی و بقای جمعی تبدیل شده است.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی، علاوه بر حیث نظامی، از منظر رسانه‌ای نیز یک مطالعه موردی بسیار قابل توجه است. در این جنگ، پیام‌ها، ویدیوها، شایعه‌ها و روایت‌های هدفمند، هم‌زمان با عملیات نظامی، فضای ذهنی میلیون‌ها ایرانی را تحت تأثیر قرار دادند.

در این جنگ، یکی از تاکتیک‌های پرکاربرد دشمن، بهره‌گیری از «شایعه» به‌منزله ابزار جنگ روانی بود.

شایعه‌ها در شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت دست‌به‌دست شدند؛ بعضی‌ها با ظاهری دلسوزانه، بعضی دیگر با زبان تهدید و برخی دیگر با استفاده از

روایت‌سازی

تسلیمات مدرن جنگ‌های امروز!

با تصویر ویدیویی از حمله به «برج اسایتید» که عنوان می‌کرد آن برج ویژه نخبگان امنیتی بوده و به مردم عادی فروخته نمی‌شده است، در حالی‌که همان ساختمان، در پلتفرم‌های ملکی عمومی برای فروش آگهی شده بود.

سواد رسانه‌ای، تنها ابزار فکری مقابله با چنین شگردهایی است. زیرا مخاطبی که آموخته چگونه اسناد را راستی‌آزمایی کند، به‌راحتی فریب قالب رسمی پیام را نمی‌خورد.

در شرایط جنگی، وقتی رسانه رسمی دیر به میدان بیاید، فضای ذهنی جامعه را رسانه‌های رقیب و بعضاً معاند پُر می‌کنند. این پدیده، «بحران مرجعیت رسانه‌ای» نام دارد. به‌عبارت دیگر، اگر رسانه رسمی به‌موقع و صادقانه اطلاعات ندهد، حتی رسانه‌های بی‌اعتبار هم تبدیل به منبع اطلاعات می‌شوند.

برخی کاربران در فضای مجازی در روزهای اخیر، اخبار انفجارها، حرکت موشک‌ها، یا استعفای مسئولان را نه از منابع رسمی، بلکه از صفحات ناشناس، کانال‌های بدون هویت و حتی چت‌های گروهی دریافت و باور کردند. این شکاف دقیقاً همان جایی است که خطر واقعی آغاز می‌شود. امروز، در شرایط پیچیده جنگ‌های ترکیبی، سواد رسانه‌ای به سطحی از هوشیاری جمعی تبدیل شده که می‌تواند امنیت روانی جامعه را حفظ کند. آگاهی از منابع معتبر، شناخت شیوه‌های جعل سند و تصویر، راستی‌آزمایی اخبار و درک لایه‌های پنهان پیام‌ها، همگی بخش‌هایی از این توانمندی‌اند. اگر در جنگ نظامی، سربازان از مرز جغرافیا دفاع می‌کنند، در جنگ رسانه‌ای، شهروندان با آگاهی خود از «مرز حقیقت» محافظت می‌کنند. بنابراین شاید بی‌جا نباشد که بگوییم: «در عصر جنگ روایت‌ها، باسوادترین مردم، مقاوم‌ترین ملت‌ها خواهند بود.»



دارد. اما در عمق، نوعی «عملیات شناختی» در جریان است. چراکه همین پیام، با پشتیبانی ۱۷ هزار حساب جعلی لایک و بازنشر شد تا در ذهن مخاطب این تصور القا شود که دشمن واقعی، ساختار حکمرانی است، نه رژیم متخاصم. این در حالی است که مردم ایران در آن ساعات اینترنت نداشتند که بخواهند آن پیام را لایک یا بازنشر کنند.

اینجاست که سواد رسانه‌ای باید فراتر از توانایی تحلیل پیام، به درک اهداف پشت‌پرده تولید پیام نیز گسترش یابد.

یکی دیگر از شیوه‌های مهم عملیات روانی در این جنگ، استفاده از سندهای جعلی با طراحی دقیق بود. نامه‌ای با امضای ساختگی و سربرگ ریاست‌جمهوری منتشر شد که به‌ظاهر استعفای رئیس‌جمهور را اعلام می‌کرد. این نامه ایرادات جدی داشت، اما باز هم از سوی هزاران نفر بازنشر شد.

برای نمونه، در روزهای جنگ، توییטی با تصویر انفجاری شبانه منتشر شد که مدعی بود سایت هسته‌ای «افردو» هدف حمله قرار گرفته است. این ویدیو بعداً مشخص شد متعلق به حادثه‌ای در یکی از استان‌ها بوده، اما در همان چند ساعت نخست، ذهن میلیون‌ها مخاطب را به خود مشغول کرده بود. در جریان همین جنگ، رسانه‌های معاند به‌شدت تلاش کردند روایت مسلط را از آن خود کنند. روایتی که علاوه بر خیر، با استفاده از عکس، ویدیو، موسیقی و حتی زبان «احساسات انسانی» ارائه شد.

به‌طور نمونه، اکانت رسمی «اسرائیل به فارسی» در بحبوحه جنگ و قطعی اینترنت سراسری در ایران، تویییتی منتشر کرد با این مضمون: «اگر صدای ما را از ایران می‌شنوید، به یاد داشته باشید: جنگ ما با مردم ایران نیست.»

در ظاهر، این جمله لحنی آرام و صلح‌طلب

شناسایی اهداف انسانی طراحی شده است. پنایر گزارش‌های منتشر شده، رژیم صهیونیستی از لاوندر در عملیات‌های ترور در غزه، لبنان و احتمالاً ایران استفاده کرده و به‌واسطه آن، افراد مرتبط با نهادهای نظامی و علمی را از میان میلیون‌ها نفر غربال کرده است.

لاوندر با بهره‌گیری از داده‌های کلان، به تحلیل الگوهای ارتباطی، تغییرات مکرر سیم‌کارت، موقعیت جغرافیایی و روابط اجتماعی افراد می‌پردازد و براساس مدلی احتمالاتی، فهرستی از اهداف را به فرماندهی نظامی ارائه می‌دهد. این فهرست سپس در اختیار نیروی هوایی یا واحدهای عملیات میدانی قرار می‌گیرد. گفته می‌شود در برخی موارد، این سامانه در کمتر از ۲۰ ثانیه درباره یک

هدف نظر می‌دهد.

برخلاف سیستم دیگر رژیم صهیونیستی موسوم به «گاپسل» (Gospel) که فقط ساختمان‌ها و تأسیسات را هدف‌گذاری می‌کرد، لاوندر با تمرکز بر اشخاص عمل می‌کند و در واقع انسان را به داده‌ای برای شکار تبدیل کرده است.

این تحولات باید زنگ خطر جدی برای نهادهای امنیتی، نظامی و علمی کشور باشد. چراکه دشمن امروز نه‌فقط از جاسوس، بلکه از الگوریتم بهره می‌گیرد. هوش مصنوعی به‌منزله ابزار قدرت، وارد عرصه جنگ‌های نیمه‌سایبری و فیزیکی شده است و از این پس دیگر اتکای صرف به روش‌های سنتی برای حفاظت، کافی نخواهد بود.

گزارش

سلاح جدید ترور

از این رودستگاه‌های اطلاعاتی کشور نیز باید با درک فوری از تغییر ماهیت تهدیدات، اقدام به طراحی و توسعه سامانه‌های مشابه بومی کنند؛ سامانه‌هایی که هم قابلیت شناسایی تهدیدات را افزایش دهند و هم با رصد رفتارهای مشکوک در فضای دیجیتال، از نفوذ و ترور پیشگیرانه جلوگیری کنند.

در نهایت، دنیای امروز دیگر با «سلاح گرم» اداره نمی‌شود؛ دشمن با «کد» شلیک می‌کند. غفلت از جنگ هوشمند، یعنی تبدیل شدن به طعمه الگوریتم‌هایی که بسا بی‌رحمی و عدد تصمیم می‌گیرند. هوشیاری، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های بومی، و تعامل بین نهادهای علمی، امنیتی و فناوریانه، تنها راه دفاع مؤثر در برابر این تهدید نوظهور است.

خبر خوب

زیرساخت مدرن

تبادل اطلاعات از طریق لوله‌های فلزی



محققان شرکتی دانش‌بنیان با دستیابی به فناوری نوینی، امکان تبادل اطلاعات از طریق لوله‌های فلزی انتقال نفت و گاز را فراهم کردند که تحولی در پایش، کنترل و کاهش هزینه‌های زیرساخت‌های این صنایع ایجاد کرده است. این سیستم، بستر لوله را به یک محیط انتقال داده تبدیل می‌کند. به این ترتیب، همان لوله‌ای که نفت، آب یا گاز را منتقل می‌کند، داده‌ها را نیز انتقال می‌دهد که این امر موجب کاهش چشمگیر هزینه‌ها و افزایش سرعت و دقت عملیات می‌شود.

پژواک

مانع جاسوسی

قابلیت جدید اندروید



یک ویژگی امنیتی در به‌روزرسانی اندروید، اجازه نمی‌دهد کاربران به شبکه‌های موبایل جعلی متصل شوند و داده‌های حساس‌شان مورد سوءاستفاده قرار گیرد. این قابلیت در صورتی که دستگاه کاربر به شبکه‌های تلفن همراه جعلی یا ناامن متصل شود، یا اگر شبکه‌ای درخواست اطلاعات شناسایی دستگاه را داشته باشد، به کاربر هشدار می‌دهد. با این حال، این قابلیت‌ها احتمالاً تا نسل بعدی دستگاه‌های اندرویدی در دسترس نخواهند بود، زیرا دستگاه‌های فعلی سخت‌افزار لازم را ندارند.

فست‌دیک

عملکرد قدرتمند دیکشنری



Fastdic یکی از بهترین دیکشنری‌ها برای ترجمه کلمات فارسی به انگلیسی یا انگلیسی به فارسی است. در حال حاضر، این برنامه حدود دومیلیون نفر کاربر فعال دارد که از محبوبیت و عملکرد قدرتمند آن حکایت می‌کند. از جمله قابلیت‌های مهم فست‌دیک می‌توان به پشتیبانی از ۲۰۰ هزار کلمه، بیش از ۷۰ هزار جمله مانند، نمایش کلمات مترادف و متضاد، تلفظ صوتی آنلاین و آفلاین انگلیسی به لهجه آمریکایی و بریتانیایی و... اشاره کرد.

یادداشت

ضرورت امنیتی!

مهدی امیدی

خبرنگار

ایسن روزها وقتی به بازار کتاب کودک و نوجوان نگاه می‌کنیم، حس دوگانه‌ای دست می‌دهد. از یک‌سو، تنوع ظاهری و رنگارنگی کتاب‌ها شاید در نگاه اول امیدبخش باشد، اما با کمی تعمق، به‌وضوح می‌توان رکودی عمیق را در محتوا و رویکرد این حوزه احساس کرد. این رکود، به‌ویژه در مقایسه با پویایی و شور و حالی که ادبیات کودک و نوجوان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی داشت، بیش از پیش به چشم می‌آید و مایه نگرانی است.

به یاد بیاورید سال‌های ابتدایی انقلاب را؛ زمانی‌که دغدغه تربیت نسل آینده، در کنار ساختن ایرانی آباد، یکی از اصلی‌ترین اولویت‌ها بود. در آن سال‌ها، هنرمندان و نویسندگان متعددی با جان‌ودل در این عرصه فعالیت می‌کردند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در اوج شکوفایی خود بود و نویسندگان و شاعرانی مانند «هوشنگ مرادی کرمانی»، «مصطفی رحماندوست»، «قیصر امین‌پور»، «امیرحسین فردی» و... آثاری خلق می‌کردند که نه‌تنها سرگرم‌کننده بودند، بلکه عمیقاً به پرورش فکری، اخلاقی و اجتماعی کودکان و نوجوانان کمک می‌کردند. علاوه بر اینها نشریات کودک و نوجوان نیز ویرتین گرمی داشتند. تولیدات تلویزیونی و تئاتری هدفمند نیز در کنار ادبیات مکتوب، فضایی غنی و پر بار برای رشد و تربیت کودکان فراهم کرده بود. هدف، ساختن نسلی آگاه و مسئولیت‌پذیر بود که با ارزش‌های انقلاب آشنا باشند و در مسیر پیشرفت کشور گام‌بردارند.

اما امروز چه؟ گویی آن شور و دغدغه، جای خود را به‌نوعی بی‌تفاوتی و روزمرگی داده است. هرچند همچنان نویسندگان و تصویرگران خوبی در این حوزه فعالیت می‌کنند، اما تعداد آثار عمیق و اثرگذار کاهش‌یافته است. بسیاری از کتاب‌های کودک و نوجوان، تنها به ترجمه آثار غربی یا تولید محتوای سرگرمی‌محور و سطحی بسنده می‌کنند. محتوایی که بیشتر بدون عمق فرهنگی و تربیتی است و گاه حتی با ارزش‌های ما در تضاد است. گویی از تربیت و پرورش، تنها سرگرمی و خوشایند کودکان مورد توجه قرار گرفته است.

این کم‌کاری و غفلت، بدون شک فضایی را برای جریان‌های بدخواه و نفوذی فراهم کرده است. وقتی ما در داخل به نیازهای روحی و فکری کودکان و نوجوانان‌مان پاسخ ندهیم، دیگران این خلأ را پر خواهند کرد. شبکه‌های اجتماعی، انیمیشن‌های خارجی، بازی‌های رایانه‌ای و کتاب‌هایی که با اهداف خاص و با سرمایه‌گذاری‌های کلان تولید می‌شوند، به‌راحتی می‌توانند افکار و ارزش‌های نسل آینده ما را هدف قرار دهند. این جریان‌ها، با جذابیت‌های بصری و روایی فریبنده، می‌توانند باورهای غلط، سبک زندگی ناسالم و تفکرات پیگانه را به ذهن و قلب کودکان ما تزریق کنند. اینجاست که خطر تهدید نرم فرهنگی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد.

آسیب‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان امروز، وظیفه‌ای ملی است. باید به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: چرا آن پویایی و هدفمندی گذشته را از دست داده‌ایم؟ نقش نهادهای متولی در این زمینه چیست؟ چگونه می‌توانیم نویسندگان و هنرمندان متعهد را دوباره به این عرصه دعوت کنیم؟ و از همه مهم‌تر، چگونه می‌توانیم با تولید محتوای غنی و جذاب، کودکان و نوجوانان‌مان را در برابر هجوم فرهنگی بیگانه‌واکسینه کنیم؟ بنابراین، احیای ادبیات کودک و نوجوان متعهد، نه‌تنها یک ضرورت فرهنگی، بلکه یک ضرورت امنیتی است.

روایت دیروز درس امروز



آر ش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

سریال «مختارنامه» نه فقط یک بازخوانی تاریخی از واقعه کربلا و انتقام خون شهیدان، بلکه آینه‌ای تمام‌نما از حقایق و جبهه‌های نبرد امروز است. در موقعیت کنونی که ملت ایران درگیر جنگ تحمیلی پیچیده‌ای از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکاست، بازخوانی درس‌های این سریال می‌تواند چراغ راهی برای پایداری و مدیریت مقاومتی باشد.

❖ **عاشورای امروز و جبهه‌های حق و باطل** عاشورا، تنها واقعه‌ای در دل تاریخ نیست؛ بلکه نمادی از نبرد ابدی حق علیه باطل است که در هر زمان و مکانی، به شکلی جدید تجلی می‌یابد. امروز نیز جبهه حق و باطل با وضوح تمام نمایان است. در یک‌سو، ایران اسلامی و محور مقاومت با تکیه بر آرمان‌های الهی و انسانی، در برابر جبهه کفر و استکبار ایستاده‌اند. رژیم صهیونیستی به‌منزله بازوی اجرایی استکبار جهانی و آمریکا به‌عنوان حامی اصلی آن، جنگی تمام‌عیار را در ابعاد نظامی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای علیه ملت ایران و منطقه به‌راه انداخته‌اند. این جنگ، ماهیتی پیچیده و چندوجهی دارد: تحریم‌های ظالمانه، عملیات‌های تروریستی، جنگ روانی و تلاش برای ایجاد ناامیدی و تفرقه در جامعه، همگی اجزای این پازل شیطانی هستند.

«مختارنامه» به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه جبهه باطل با تزویر، دروغ، فریب و استفاده از نقاط ضعف مردم، تلاش می‌کند تا حق را سرکوب کند. صحنه‌های قطع‌م و تهدید، خیانت خواص و ناآگاهی عوام، همه و همه یادآور توطئه‌هایی است که

امروز نیز برای تضعیف جبهه مقاومت به‌کار گرفته می‌شوند.

❖ مختارنامه و ترویج فرهنگ مقاومت

یکی از مهمترین کارکردهای «مختارنامه» ترویج عمیق فرهنگ مقاومت است. این سریال نشان می‌دهد که چگونه پس از فاجعه کربلا و یأس و ناامیدی اولیه، گروهی از خواص و دلدادگان اهل‌بیت(ع)، با الهام از آرمان‌های عاشورا، پرچم انتقام و مقاومت را برافراشتند. درس اصلی اینجاست: مقاومت، نه یک انتخاب، بلکه تنها راه بقا و پیروزی در برابر ظلم است. شخصیت مختار، نمادی از عزم راسخ، تدبیر، شجاعت و نترسیدن از کثرت دشمن است. او در موقعیتی که بسیاری از یاران پیامبر(ص) و ائمه(ع) در خفقان و ناامیدی به‌سمر می‌بردند، با ایمان به هدف و توکل بر خدا، قیام کرد. این روحیه، دقیقاً همان چیزی است که امروز جامعه مسا به آن نیاز دارد. «مختارنامه» به ما می‌آموزد که برای رسیدن به اهداف بلند، باید پایدار بود و از تهدیدها نهراسید و همواره به افق‌های روشن چشم دوخت.

برداشت

تاروپود نفوذ در فضای مجازی

دارند. این داده‌ها شامل اطلاعات هویتی، موقعیت مکانی، علایق، روابط دوستانه، فعالیت‌های آنلاین، و حتی محتوای پیام‌های خصوصی می‌شود. برای سرویس‌های جاسوسی، این اطلاعات حکم گنجی بی‌نظیر را دارد که می‌تواند برای اهداف گوناگونی از جمله شناسایی اهداف، جمع‌آوری اطلاعات استراتژیک، عملیات نفوذ فرهنگی و سیاسی، و حتی ترورهای هدفمند مورد استفاده قرار گیرد.

اسناد افشا شده از سوی افرادی چون «ادوارد اسنودن» کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA)، پرده از برنامه‌های گسترده جاسوسی این نهادها برداشت. پروژه‌هایی مانند PRISM نشان دادند که چگونه شرکت‌های بزرگ فناوری، اطلاعات کاربران خود را در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا قرار داده‌اند. این همکاری، چه با رضایت شرکت‌ها و چه تحت فشار دولت، نقض آشکار حقوق حریم خصوصی افراد است. رژیم صهیونیستی نیز در این زمینه فعالیت‌های گسترده‌ای دارد. شرکت‌های فعال در حوزه امنیت سایبری و نرم‌افزارهای جاسوسی در، رژیم صهیونی از

پیشگامان این صنعت هستند. نمونه بارز آن، نرم‌افزار جاسوسی پگاسوس (Pegasus) است که توسط شرکت NSO Group توسعه‌یافته و برای جاسوسی از روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر، و حتی مقامات دولتی در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته است. این نرم‌افزار قادر است به‌طور کامل به گوشی‌های هوشمند نفوذ کرده و تمامی اطلاعات موجود در آنها، از جمله پیام‌ها، تماس‌ها، عکس‌ها، و موقعیت مکانی را در اختیار جاسوسان قرار دهد.

پیامدهای این سوءاستفاده‌ها بسیار گسترده و عمیق است: اساسی‌ترین پیامد، نقض گسترده و سیستماتیک حریم خصوصی افراد است. اطلاعات شخصی، بدون رضایت و آگاهی کاربران، در اختیار طرف‌های ثالث قرار می‌گیرد. این اطلاعات می‌تواند برای شناسایی نقاط ضعف زیرساخت‌ها، شبکه‌های ارتباطی، و حتی نیروهای نظامی کشورهای هدف مورد استفاده قرار گیرد که خود تهدیدی برای امنیت ملی است. همچنین، به‌دسترسی به اطلاعات مربوط به افکار عمومی و گرایشات اجتماعی، می‌توان عملیات‌های روانی و تبلیغاتی هدفمند را برای تغییر

استفاده بهینه از منابع و شناسایی و فعال‌سازی ظرفیت‌های پنهان کشور است.

مختار تا پایان راه بر آرمان خود پای می‌فشارد و هرگز حاضر به سازش با دشمنان دین و انسانیت نمی‌شود. او به ما می‌آموزد که در برابر ظلم و فساد، هیچ راهی جز ایستادگی و مقاومت نیست. سازش با ظالم، فقط به تقویت او و تضعیف حق می‌انجامد. مختار، دشمنان خود را به‌خوبی می‌شناسد؛ نقاط قوت و ضعف آنها، برنامه‌ها و اهداف‌شان. این شناخت دقیق، به او کمک می‌کند تا بهترین راهبرد ها را برای مقابله با آنها اتخاذ کند. امروز نیز برای مدیریت مقاومتی، شناخت دقیق دشمن صهیونیستی و آمریکایی، راهبردها و تاکتیک‌های آنها، از ضروریات است.

❖ ملت ایران؛ وارث روح مقاومت

ملت ایران، طی سالیان متمادی، وارث این روح مقاومت بوده است. از دوران دفاع مقدس تا مقابله با تحریم‌های ظالمانه و فتنه‌های داخلی، این ملت نشان داده که هرگز در برابر فشارها سر خم نخواهد کرد. «مختارنامه» با به تصویر کشیدن این روحیه پایداری، به‌نوعی تسلیم این مسیر را در تاریخ نشان می‌دهد. امروز، ایران اسلامی با الهام از قیام عاشورا و با تکیه بر فرهنگ مقاومت، نه‌تنها در برابر توطئه‌های دشمنان ایستاده، بلکه به کانون اصلی محور مقاومت در منطقه تبدیل شده است. سریال مختارنامه، تنها یک قصه از گذشته نیست؛ بلکه روایتگر حقیقت ناگزیری است که همواره در برابر ظلم پدیدار خود را نشان می‌دهد. این سریال، با بازخوانی درس‌های عاشورا، به ما می‌آموزد که چگونه در جبهه‌های امروز، با مدیریت مقاومتی، پایداری کنیم و مسیر پیروزی را هموار سازیم. امید که با تکیه بر این آموزه‌ها، ملت ایران بتواند با سربلندی از این جنگ تحمیلی نیز عبور کند و پرچم مقاومت را تا رسیدن به پیروزی نهایی برافراشته نگاه دارد.

نگرش‌ها و نفوذ در تصمیم‌گیری‌های سیاسی اجرا کرد. در موارد حادث، اطلاعات حساس و محرمانه افراد می‌تواند برای باج‌گیری و اخاذی مورد استفاده قرار گیرد، و حتی داده‌های موقعیت مکانی و ارتباطی می‌تواند برای ردیابی و حذف فیزیکی افراد ناهمسو با منافع این کشور به‌کار گرفته شود.

در مواجهه با این تهدیدات، هوشیاری و آگاهی مردم و دولت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. استفاده از نرم‌افزارهای امن و رمزگذاری شده، عدم اعتماد به اپلیکیشن‌های مشکوک، و افزایش سواد رسانه‌ای، از جمله اقداماتی است که کاربران می‌توانند برای حفاظت از خود انجام دهند. از سوی دیگر، دولت‌ها باید با تقویت زیرساخت‌های سایبری ملی، وضع قوانین سخت‌گیرانه برای حفاظت از داده‌ها، و توسعه جایگزین‌های بومی برای پلتفرم‌های خارجی، گام‌های اساسی برای مقابله با این جاسوسی سازمان‌یافته بردارند. مقابله با این جنگ پنهان سایبری، نیازمند یک رویکرد جامع و همکاری بین‌المللی برای تضمین امنیت و حریم خصوصی در فضای دیجیتال است.

کاریکاتور

پوزه‌بند

پاسخ هنرمندان ایرانی به دشمن!



نمایشگاه گروهی کارتون و کاریکاتور با عنوان «پوزه‌بند» در واکنش به تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکایار گزار شد. این نمایشگاه که در آن ۸۲ اثر کارتون و کاریکاتور از هنرمندان شاخص عرصه طنز ترسیمی به نمایش درآمد، در نگارخانه ابوالفضل عالی افتتاح شد. در نمایشگاه «پوزه‌بند» که به همت مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری تدارک دیده شده، آثار هنرمندانی چون «سید مسعود شجاعی طباطبائی»، «مازیار بیژنی»، «سیدمحمدجواد طاهری» و «سیدمحمد سالم» و... روی دیوار رفته است. این نمایشگاه تا ۲۴ تیر ماه روزهای شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۹ تا ۱۸ برپاست.

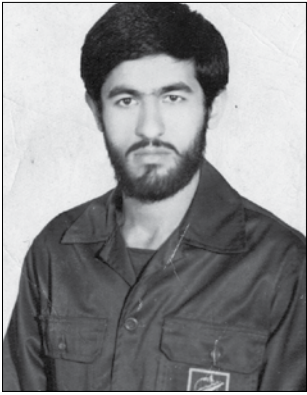


تازه‌ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی) با عنوان «روایت آقا؛ خاطرات رهبر معظم انقلاب از زندگی پدر متشر شد. این اثر به روایت زندگی، شخصیت و سلوک علمی و معنوی آیت‌الله‌سیدجواد خامنه‌ای، پدر و استاد رهبر معظم انقلاب، از زبان معظم‌له می‌پردازد. کتاب «روایت آقا» روایت دقیقی است از انسانی که تأثیر تربیتی و معرفتی او در شکل‌گیری شخصیت رهبر معظم انقلاب، نقش بنیادینی داشته و هیچ تحلیلی از منش و سلوک ایشان، بدون شناخت آن پدر، کامل نخواهد بود.

«باب ویلان» پس از شعار «مرگ بر ارتش اسرائیل» در جشنواره گلاستتبری، ویزای خود را از دست داد و از آژانس استعداد‌های آمریکا هم اخراج شد. به گزارش «هالیوود ریپورتر»، گروه دونفره «پانک رپ انگلیسی» باب ویلان که در چهارمین روز جشنواره گلاستتبری شعار «مرگ بر ارتش اسرائیل» سر داده بود، با واکنش آمریکا مواجه شده است و وزارت امور خارجه این کشور تأیید کرد که ویزای ورود به آمریکای این گروه را لغو کرده است. در همین حال، یک منبع تأیید کرد که آژانس استعداد‌های آمریکا هم باب ویلان را کنار گذاشته است.

قبیله عشق

معلم شهید



«مرتضی پالیزوانی» در پنجم شهریور سال ۱۳۴۱، در تهران چشم به جهان گشود. پدرش حسین و مادرش، حوریجان نام داشت. دانشجوی کارشناسی در رشته فلسفه بود. بسیجی بود. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد.

مرتضی جوانی پرشور بود که وقتی با رتبه خوبی در فلسفه دانشگاه تهران قبول شد، بعد از مدتی، دانشگاه به او مسئولیت تدریس داد؛ در حالی که خودش هنوز دانشجوی بود.

کتاب‌های استاد مطهری(ره) را می‌خواند و بین فامیل و دوستان درباره‌اش حرف می‌زد؛ او حتی شهر به شهر می‌رفت تا از کتاب‌های «شهید مطهری» صحبت کند. شوق او به روش استاد مطهری آنچنان بود که قبل از رفتن به جبهه، خودش را به منزل شهید مطهری رسانده و به همسر شهید مطهری گفته بود: «اول دعا کنید شهید بشوم؛ اگر شهید نشدم، حتماً برمی‌گردم و کتاب‌های نیمه‌تمام استاد مطهری را تمام می‌کنم.» این ادعای بزرگ از جوانی که ۲۴-۲۳ سال بیشتر نداشت، خبر از تسلط مرتضی به راه و رسم شهید مطهری می‌داد.

«مرتضی پالیزوانی» اول اردیبهشت سال ۱۳۶۵ وارد گردان حضرت علی‌اصغر(ع) تیپ سیدالشهدا(ع) شد. وقتی فهمید هم‌زمانش کتاب‌های استاد مطهری را کامل نخوانده‌اند، با سخنرانی‌اش نیروهای گردان را تحت تأثیر قرار داد. او هر وقت مجالی پیدا می‌کرد برای رزمندگان کلاس درس و بحث از کتاب‌های استاد مطهری می‌گذاشت. او معتقد بود: «اگر روح مطهری، فکر مطهری، فلسفه و عرفان مطهری از جامعه ما رخت بریند، از انقلاب جز نامی و از اسلام جز اسمی باقی نخواهد ماند.»

این علاقه به استاد مطهری تا جایی پیش رفت که مرتضی پالیزوانی روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ هم‌زمان با سالروز شهادت استاد مطهری، هنگام اعزام به عملیات ترکش خمپاره به پهلویش اصابت کرد و به شهادت رسید.

این شهید بزرگوار در سال ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۳وارد سپاه پاسداران شد و در جهت تقویت و توان عقیدتی – سیاسی برادران سپاهی و بسیجی کوشید و در سال ۱۳۶۳ وارد دانشگاه شد و در رشته فلسفه ادامه تحصیل داد و از همان ابتدا حکمت و فلسفه را به شیوه تطبیقی مطالعه می‌کرد تا فلسفه اسلامی را در حالت مقایسه و تطبیق با فلسفه غربی معرفی کند و در حین تحصیل نیز از تدریس در کلاس‌های آموزشی عقیدتی – سیاسی نیروی هوایی و نیز پایگاه‌های مختلف بسیج باز نایستاد. شهید پالیزوانی به فرموده امام(ره) جنگ را سرلوحه همه امور قرار داد و بارها در جبهه و عملیات‌های مختلف از جمله والفجر مقدماتی، والفجریک، خیبر... شرکت کرد واز لحظه‌ای که پیام را شنید آرام و قرار نداشت و می‌گفت دیگر نمی‌توان توجیهی برای ماندن و جبهه نرفتن پیدا کرد.



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

سردار جوانی معاون سیاسی سپاه همزمان با ایام شهادت سید و سالار شهیدان با حضور در چندین هیئت مذهبی استان اصفهان، حماسه وعده صادق۳ را تبیین و ابعاد شکست دشمن صهیونی و سران جنایت پیشه آمریکا در تحمیل جنگ ۱۲ روزه به ملت بزرگ ایران را تشریح کرد؛ در ادامه بخش‌هایی از سخنان وی را مرور می‌کنیم.

- امروز، وظیفه ما تبیین دو جبهه حق و باطل است: جبهه توحید، اسلام و حسین(ع) در برابر جبهه ظلم، کفر و نفاق.
- اخیراً صدر اعظم آلمان از رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران تشکر کرد. این سخن ما را نگران نمی‌کند، بلکه خوشحالمان می‌سازد؛ زیرا نشان می‌دهد جبهه متحد کفر در برابر جبهه توحیدی ایستاده است. امروز، جبهه یزید از ایران تسلیم و بیعت می‌خواهد، همان‌گونه که یزید از حسین(ع) خواست. اما امام حسین(ع)، مصباح الهدی و سفینه النجاة، فرمود: «مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند.» ملت ایران نیز با شعار «ایران حسینی تا ابد پیروز است» تسلیم نمی‌شود.
- متزلزل‌ها و ترسوها ممکن است، بگویند: «چه اشکالی دارد کوتاه بیایم؟ چه اشکالی دارد عقب‌نشینی کنیم؟ چه اشکالی دارد فعلاً کاری نکنیم؟» اما فهم ماهیت منازعه و دعوا! بسیار مهم است. رهبر فرزانه انقلاب در سومین پیام خود فرمودند: «رئیس‌جمهور کنونی آمریکا همان چیزی را بر زبان آورد که رؤسای جمهور پیشین دنبالش بودند: «ایران باید تسلیم شود.» مسائل هسته‌ای، موشکی، حقوق بشر و مقاومت، همگی بهانه‌اند. هدف اصلی، تسلیم شدن ایران حسینی است.»
- منازعه بر سر چیست؟ دشمن با چه کسی دشمنی می‌کند؟ برخی القا می‌کنند که غرب با ملت ایران مشکلی ندارد و تنها با جمهوری اسلامی، رهبری و نظام مخالف است. اما این ادعا نادرست است. دشمنی غرب با کل ملت ایران است، زیرا ایران ظرفیت تمدن‌سازی را رویکرد توحیدی و الهی دارد. دشمن می‌خواهد این ظرفیت را نابود کند.
- غرب از ۱۵۰ سال پیش، با پنج سیاست علیه ایران عمل کرده است: ۱- کوچک کردن ایران (کاهش وسعت آن در دوره قاجار و پهلوی)؛ ۲- جلوگیری از پیشرفت ایران؛ ۳- عقب نگه داشتن ایران؛ ۴- وابسته کردن ایران؛ ۵- نابودی هویت ایرانی. این سیاست‌ها برای جلوگیری از ظهور تمدن اسلامی در ایران طراحی شده‌اند.
- ماهیت منازعه نه هسته‌ای است و نه موشکی، بلکه به هویت اسلامی و ملی ایران در این جغرافیا بازمی‌گردد که می‌گوید: «ما ملت امام حسینیم.» این هویت با سیاه‌پوشی، عزاداری و حضور در مجالس حسینی نمود می‌یابد و دشمن با آن مشکل دارد.
- اتفاقات ۲۳ خرداد قابل پیش‌بینی بود، زیرا روشن بود که روزی آمریکا و نیروی نیابتی‌اش، رژیم صهیونیستی، ممکن است به‌سراغ ایران بیایند. طوفان‌الاقصی، عملیاتی معجزه‌آسا که ۷۰۰ نفر از ۱۲۰۰ عامل آن حافظ کل قرآن بودند، متأثر از فرهنگ عاشورا بود.

- رمز پیروزی در سه‌گانه است: ۱- اتحاد و انسجام ملی؛ همه اقوام، مذاهب و گرایش‌ها، از شیعه و سنی تا ترک، کرد، بلوچ، عرب، فارس، اصلاح‌طلب و اصولگرا، باید دست در دست هم، حول محور ولایت و عشق به اسلام و ایران، متحد شوند. ۲- محوریت ولایت فقیه: تجلی یاری خدا در پشتیبانی از ولایت و رهبری است که دشمن آن را تهدید می‌کند. ۳- اندیشه عاشورایی: «الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة»؛ این تفکر، ملت را در مسیر نصرت الهی قرار می‌دهد.
- آنچه در دفاع مقدس دوم (جنگ ۱۲ روزه) رخ داد، نمونه‌ای از اعجاز الهی بود که باید درست روایت شود، ابعادش فهمیده و آثارش تبیین گردد. دشمن روایت خود را دارد و ادعای پیروزی می‌کند.
- برای درک پیروزی، باید نقشه دشمن را کلان دید، نه جزئی. در جنگ دوازده روزه، تأسیسات و صنایع ما آسیب دید، که طبیعت جنگ است. اما آیا هدف دشمن تنها همین خسارت‌ها بود؟ خیر، طراحی آن‌ها فتح ایران در ۴۸ ساعت، ساقط کردن

معاون سیاسی سپاه ابعاد مختلف جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را تبیین می‌کند

پیروز میدان کیست؟



ملی است. باید در برابر جنگ روانی دشمن، بصیرت داشت و با عمل به زیارت عاشورا، حسینی ماند. اگر ترامپ می‌گوید ایران باید تسلیم شود، با همین نگاه می‌گوید حزب‌الله لبنان هم باید تسلیم شود. اما سخنان «شیخ نعیم قاسم» را شنیدید که با صراحت اعلام کرد؛ ده‌ها هزار فدایی حسین زمان، مقلدین و پیروان سید حسن نصرالله، شعارشان این است که هرگز سلاح را تحویل نخواهند داد، حتی اگر کربلا در سرزمین لبنان تکرار شود. دیروز در لبنان صد‌ها هزار لبنانی شعار «هیئات منالذله» امام حسین راسر دادند. این جبهه حسین زمان است.

- گاهی سؤال می‌شود: آخر چه خواهد شد؟ دغدغه ما این باشد که وظیفه و تکلیف خود را انجام دهیم. یاری خدا مصادیق گوناگونی دارد. یادتان هست در زمان جنگ، جوان‌ها کالاهارا برای کمک می‌بردند؟ الان هم هستند افرادی در این جلسه که به مناطق محروم می‌رفتند، فداکاری و همدلی نشان می‌دادند. این جلوه‌های جامعه اسلامی و توحیدی است. برادری و وفاداری خود را اثبات می‌کنند، چون جبهه‌ای واحد است. اگر هر کس به تکلیف خود عمل کند، نسبت به نتیجه دغدغه‌ای نخواهد داشت. آنچه امروز می‌بینیم، فراز و فرود است، اما شکست در این جبهه، به معنایی که دشمن می‌خواهد، معنا ندارد. تردید نکند.
- چرا نسبت به آینده خوش‌بین هستیم؟ در این فرایند ۴۶ ساله، با ضربه‌ها و توطئه‌های دشمن، جبهه اسلام قوی‌تر شده است. هیچ توطئه‌ای نبوده مگر اینکه در پایان، نتیجه‌اش تقویت جبهه اسلام بوده. درست است که در مقطعی ویرانی و خسارت می‌بینید، اما برخی می‌گویند: اگر حزب‌الله این‌گونه نشده بود، سراغ ما نمی‌آمدند؛ اگر سوریه دچار تحولات نشده بود، این اتساق نمی‌افتاد. این نگاه درست نیست. اگر در جایی آسیبی می‌بینیم، دشمن آسیب‌های بیشتری متحمل می‌شود. در برآورد کلی، نتیجه به‌نفع جبهه اسلام و مقاومت است. یکی از دستاوردهای این مصیبت‌ها، آگاهی جهانی است. اکنون مشکل آمریکا، جوانان آمریکایی‌اند

- منازعه بر سر چیست؟ دشمن با چه کسی دشمنی می‌کند؟ برخی القا می‌کنند که غرب با ملت ایران مشکلی ندارد و تنها با جمهوری اسلامی، رهبری و نظام مخالف است. اما این ادعا نادرست است. دشمنی غرب با کل ملت ایران است
- اگر ترامپ می‌گوید ایران باید تسلیم شود، با همین نگاه می‌گوید حزب‌الله لبنان هم باید تسلیم شود. اما سخنان «شیخ نعیم قاسم» را شنیدید که با صراحت اعلام کرد؛ ده‌ها هزار فدایی حسین زمان، مقلدین و پیروان سید حسن نصرالله، شعارشان این است که هرگز سلاح را تحویل نخواهند داد، حتی اگر کربلا در سرزمین لبنان تکرار شود
- جایجایی تمدنی در حال وقوع است. برخی سؤال می‌کنند: چرا صلح تحمیلی را پذیرفتیم؟ شایعاتی در شبکه‌های اجتماعی و برخی محافل مطرح شده که دولت یا عده‌ای رهبر را وادار به پذیرش صلح کردند. حسب اطلاع می‌گویم: «امروز در کشور، میان مسئولان، قوای سه‌گانه، مجلس، دولت، قوه قضائیه و نیروهای مسلح، در موضوع مقاومت و مقابله با شرارت دشمن، انسجام و همدلی وجود دارد.»
- چرا نسبت به آینده خوش‌بین هستیم؟ در این فرایند ۴۶ ساله، با ضربه‌ها و توطئه‌های دشمن، جبهه اسلام قوی‌تر شده است. هیچ توطئه‌ای نبوده مگر اینکه در پایان، نتیجه‌اش تقویت جبهه اسلام بوده است

که در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا شعار می‌دهند. اندیشمندان جهان با حقیقت اسلام بهتر آشنا شده‌اند. اگر قرار است اسلام مورد پذیرش جهانیان قرار گیرد، باید از دل این مصیبت‌ها بگذرد.

♦ چندی پیش، «سردار نقصدی» خاطره‌ای نقل کرد از استادی ایرانی مقیم آمریکا که در محله‌ای یهودی‌نشین زندگی می‌کند و هر روز از آنجا به محل کارش می‌رود. پس از ۱۵ فروردین یا هفتم اکتبر سال ۱۴۰۱، یهودیان با تعصب پرچم اسرائیل را بالا بردند و شعار حمایت از اسرائیل سر دادند. اما با آشکار شدن جنایات، ظلم‌ها و حقایق، پرچم‌ها یکی‌یکی پایین آمد و پرچم‌های فلسطین بالا رفت. این دستاورد کمی نیست. اگر سوریه موقتاً از حوزه مقاومت خارج شده، یمن قوی‌تر از سوریه به میدان آمده است. باید قبل از ظهور، اتفاقاتی در سوریه رخ دهد.

- در محاسبه وضعیت جبهه مقاومت، اگر در جایی مصیبت و سختی وارد شود، در جای دیگر دستاورد و موفقیتی حاصل می‌شود. این خودآگاهی، بیداری و نشاط، از برکت مقاومت است. امام فرمودند: «در دفاع مقدس یاد گرفتیم روی پای خود بایستیم و خودکفا باشیم.» این دفاع ۱۲ روزه ما را به نقطه‌ای می‌رساند که ان‌شاءالله جهشی ایجاد خواهد شد و دنیا از این جهش نگران است. در این رویارویی‌ها و برخورد شمشیرهای حق و باطل، نوری می‌بینید که شما را بالا می‌برد، مشروط بر اینکه اهل مقاومت و ایستادگی باشیم. اگر آسیبی وارد شد، بدانید دشمن آسیب‌های بیشتری دیده است. تکلیف ما روشن و تکلیف دشمن نامشخص است.
- دشمن دیروز به ما ویدئو به رخ ما کشید و افتخار کرد که در دوره «کارت» هوپماها به هم خوردند و این‌ها به سلاطین رفتند. اما ضرب‌المثل ایرانی می‌گوید: «جوجه‌ها را آخر پاییز می‌شمارند.» صبر کن، بدتر از آن در انتظارت است. جبهه ما به ایمان، اعتقاد و معنویت امیدوار به آینده است. درخواستم این است که شما در این مجالس، این پیام‌ها را برای کسانی که حضور ندارند روایت کنید.

- جایجایی تمدنی در حال وقوع است. برخی سؤال می‌کنند: چرا صلح تحمیلی را پذیرفتیم؟ شایعاتی در شبکه‌های اجتماعی و برخی محافل مطرح شده که دولت یا عده‌ای رهبر را وادار به پذیرش صلح کردند. حسب اطلاع می‌گویم: «امروز در کشور، میان مسئولان، قوای سه‌گانه، مجلس، دولت، قوه قضائیه و نیروهای مسلح، در موضوع مقاوت و مقابله با شرارت دشمن، انسجام و همدلی وجود دارد.» میدان و دیپلماسی همسو هستند. دیپلماسی منطق خود را دارد. در دفاع مقدس، «آقای ولایتی» وزیر خارجه، مدام به کشورها سفر می‌کرد، هیئت‌ها می‌آمدند و می‌رفتند، و امام با آن‌ها دیدار داشت. تصور نکند در زمان جنگ، باب دیپلماسی بسته می‌شود. کسانی که شایعه می‌کنند، یا از سر ناآگاهی است یا شیطنت برای ایجاد اختلاف در صفوف منسجم کشور. مراقب باشید. بدترین جهالت، مشابه‌سازی تاریخی غلط است، مانند داستان جنگ صفین و مالک اشتر که برخی می‌گویند، عده‌ای رهبری را وادار به پذیرش حکمیت کردند. این‌ها نادرست است. انسجام ما به حول و قوه الهی پایرجاست.

- برخی از روی جهالت و ناآگاهی می‌گویند: «ما تا خیمه معاویه رفتیم و کار را تمام کردیم.» این مشابه‌سازی‌ها غلط است. امروز کجا نهران و صفین است؟ بعد از وعده صادق ۱ یا ۲، برخی گفتند سرداران ما بیانیه‌نویس شده‌اند، چرا نمی‌جنگید، چرا ژست انقلابی می‌گیرید؟ این اتهامات به شهدایی مانند باقری، رشید و دیگران زده شد. این ذهنیت‌سازی‌ها آن‌قدر پیش رفت که جوانی در دیدار با رهبر معظم انقلاب گفت: «کسانی که باید بجنگند، بیانیه‌نویس شده‌اند و وظیفه‌شان را انجام نمی‌دهند.» حضرت آقا بالا‌فصله فرمودند: «این‌طور نیست. نیروهای مسلح و مسئولان ما به‌موقع کارشان را انجام داده‌اند و خواهند داد.»
- امروز در کشور ما، تحت امر فرمانده کل قوا، همه مجموعه‌ها منسجم‌اند. این قوت ماست. همه، از رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و نیروهای مسلح، گوش‌به‌فرمان‌اند. اینکه کسی بگوید فلاّنی را رئیس مجلس خطا کرده، درست نیست. در زمان جنگ، همه در خدمت جنگ‌اند و جنگ یک فرمانده دارد: حضرت امام خنامه‌ای. اولویت‌ها و شرایط میدان مشخص است.



«امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در مراسم گرامی داشت «سرلشکر شهید حسین سلامی» فرمانده سابق کل سپاه گفت: «برادر بسیار عزیزم، سپهبد شهید حسین سلامی، دارای ویژگی‌هایی ممتاز و منحصر به‌فرد بود که سزاوار است به‌عنوان یک مکتب الهام‌بخش پیش روی فرماندهان، مدیران و مسئولان کشور قرار گیرد.» وی افزود: «شهید سلامی یکی از برجسته‌ترین سرداران انقلاب اسلامی، ستون خیمه ولایت و از نمادهای دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی ملت ایران بود. ولایت‌مداری خالصانه، پایبندی بی‌چون‌وچرا به فرامین و تدابیر رهبر معظم انقلاب به‌عنوان قطب‌نمای مسیر فرماندهی، معنویت و توکل، زندگی سراسر آمیخته با اخلاص، تهجد، و نگاه توحیدی به قدرت و پیروزی، از جمله شاخصه‌های بارز او بود.»

♦ **شهید سلامی طایفه‌دار همبستگی، وحدت، برادری نیروهای مسلح بود**

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

بیچارگی در انتظار صهیون‌هاست

قدرت پاسخ نیروهای مسلح.»

